



کردها حق دارند خواستار حمایت بین‌المللی گردند

مطالبی درباره بیانیه حزب دموکرات کوردستان

گردآوری شده توسط: آگری بالکی

فارسی. کوردی

■ عنوان کتابچه: کردها حق دارند ، خواستار حمایت بین‌المللی گردند

■ موضوع : سیاسی

■ زبان: فارسی . کوردی

■ گردآوری شده توسط : آگری بالکی

■ نوع کتابچه : مطالب سیاسی در مورد کردستان ایران

■ انتشار: پائیز ۲۰۱۱. ۱۳۹۰

■ ارتباط: 0047 463 485 23 Mobil: E-mail: agribalaki@gmail.com

پایمال کردن امروزی حقوق بشر ،
علتِ جنگ‌های فردا ست.

مری رایینسون

”

ایا براستی وقت ان نرسیده است که جامعه‌ی
جهانی نگاهی جدی به محرومیت و سیه‌روزی
ملت کرد انداخته و مانع سرکوب این ملت
و لشکرکشی دولتها به تنها دستاورد قانونی
این خلق گردد؟ این حق طبیعی ملت کرد
است که انتظار داشته باشد جامعه‌ی جهانی
و سازمان ملل متحد مسأله‌ی کرد را انگونه که
هست دریابند و به فکر چاره‌ی ان بمثابه‌ی
مشکلی که با حیات دهها میلیون انسان ارتباط
دارد و یکی از مهمترین مسائل خاور میانه
باشند.

“

کردها حق دارند

خواستار حمایت بین‌المللی گردند

بیانیه دفتر سیاسی حزب دموکرات کوردستان

ملت کرد که سرزمینش در پی یک توافقنامه‌ی
استعماری و بر خلاف خواست و تمایل خویش ابتدا
میان دو امپراتوری ایران و عثمانی و سپس میان چهار
کشور ایران و ترکیه و عراق و سوریه تقسیم شده است

هنوز یک هفته از سرکوب معترضان لیبی توسط رژیم قذافی نگذشته بود که شورای امنیت سازمان ملل متحد بنابه درخواست فرانسه و بریتانیا تشکیل جلسه داد و با اکثریت قاطع ارا و بدون هیچ رای مخالف بر اساس اصل «مسئولیت حمایت»، تصمیم به استقرار یک چتر حمایتی در سراسر لیبی گرفت. صدور قطعنامه‌ی ۱۷۹۳ شورای امنیت راه را هموار ساخت تا هواپیماها و هلیکوپترهای نظامی امریکا و فرانسه و بریتانیا بلافاصله حملات خود را به پایگاههای هوایی و دریایی و محل تجمع نیروهای نظامی لیبی آغاز نمایند.

در نتیجه‌ی این تصمیم بجای شورای امنیت و اقدام بموقع پیمان ناتو، نیروهای ازادیخواه مخالف حاکمیت ۴۲ ساله‌ی لیبی طی مدت نزدیک به شش ماه توانستند مقاومت نیروهای وفادار به قذافی را درهم شکسته و عملاً به حاکمیت دیکتاتور خاتمه دهند. اکنون که این سطور به رشته‌ی تحریر درمی‌آیند غیر از شهر «سیرت» و چند شهرک حومه‌ی آن اثری از حاکمیت معمر قذافی باقی نمانده و جبهه‌ی ازادیخواهان سرگرم تلاش جهت تثبیت حاکمیت جدید در کشور است.

قطعنامه‌ی ۱۷۹۳ شورای امنیت این باور را نزد ملت‌های تحت ستم و مردم کشورهای دیکتاتور زده ایجاد می‌نماید که دوران آن بسرآمده که دیکتاتورهای ضد خلقی تحت لوای حاکمیت ملی، ازادیخواهان را سرکوب و صدای حق طلبانه‌ی ملت‌های تحت ستم را در گلو خفه نمایند.

ملت کرد که سرزمینش در پی یک توافقنامه‌ی استعماری و بر خلاف خواست و تمایل خویش ابتدا میان دو امپراتوری ایران و عثمانی و سپس میان چهار کشور ایران و ترکیه و عراق و سوریه تقسیم شده است، از دیر باز در راه کسب حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه می‌کند و در این راستا با ددمنشانه‌ترین شیوه‌های سرکوب و قتل‌عام مواجه شده است. کشتاری که فرزندان ملت کرد در ترکیه‌ی کمالی و عراق بعثی و ایران اسلامی تحمل کرده‌اند، تا ابد وجدان بشریت مترقی را ازار می‌دهد و همچون لکه‌ای بر پیشانی تاریخ بشری هویداست.

اکنون و در ابتدای دهه‌ی دوم قرن ۲۱ نیز ملت کرد در سه بخش از چهار بخش میهن تقسیم شده‌اش همچنان از سیاست انکار هویت ملی و سرکوب خواسته‌های مشروعش توسط فرمانروایان سه کشور ترکیه و ایران و سوریه رنج می‌برد. تنها بخش کردستان که در پی یک مبارزه‌ی طولانی و به قیمت جان صدها هزار تن از مبارزان کرد یک حاکمیت ملی در آن استقرار یافته جنوب کردستان یا کردستان عراق است. اما این بخش از کردستان نیز از سویی با انفصال ناخواسته‌ی چند بخش بسیار عزیز از خاک خود مواجه بوده و از سوی دیگر تحت سکوت اشکار دولت مرکزی عراق با تهدید و لشکرکشی حکام ترکیه و ایران روبروست.

ایا براستی وقت آن نرسیده است که جامعه‌ی جهانی نگاهی جدی به محرومیت و سیه‌روزی ملت کرد انداخته و مانع سرکوب این ملت و لشکرکشی دولتها به تنها دستاورد قانونی این خلق گردد؟ این حق طبیعی ملت کرد است که انتظار داشته باشد جامعه‌ی جهانی و سازمان ملل متحد مسأله‌ی کرد را انگونه که هست دریابند و به فکر چاره‌ی آن به‌تابه‌ی مشکلی که با حیات دهها میلیون انسان ارتباط دارد و یکی از مهمترین مسائل خاور میانه باشند.

ما ضمن ابراز خوشحالی از پیروزی مبارزه‌ی مردم لیبی و حمایت از قطعنامه‌ی ۱۷۹۳ شورای امنیت در رابطه با این کشور، خواستار آنیم که شورای امنیت سازمان ملل متحد با اتکا به همین اصل «مسئولیت حمایت» خطر همکاریهای شوم دولتها و سرکوب از سوی حاکمان را از ملت کرد دور سازند و در همان حال از کلیه‌ی احزاب و سازمانها و محافل کرد و دوست کرد می‌خواهیم که چه به شیوه‌ی انفرادی و چه به صورت جمعی این خواست مشروع را با مجامع و محافل تصمیم‌گیرنده‌ی بین‌المللی در میان گذارده و بر آن پافشاری نمایند.

به امید موضع جدی و مسئولانه‌ی همه‌ی طرفها.

دفتر سیاسی. حزب دمکرات کردستان

۲۰۱۱/۹/۵ - ۱۳۹۰/۶/۱۴

جوابیه به کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

با عرض سلام و پیوزش از تاخیر در پاسخ گفتن به نامه‌ی سرگشاده‌ی مورخ ۱۳۹۰/۰۷/۰۶ شما، توجه عزیزان را به نکات زیر جلب می‌نماید:

ضمن اشاره به بیانیه‌ی چهاردهم شهریور ۱۳۹۰ برابر با پنجم سپتامبر ۲۰۱۱ حزب ما نوشته‌اید: «در این اعلامیه از کشورهای قدرتمند خارجی تقاضا شده‌است به کمک مردم کرد بیایند تا کردها را از سلطه‌ی حکومت‌های مستبد آزاد کنند.» (تأکیدها همه جا از ماست). راستی، این مدعا را از کدامین قسمت بیانیه‌ی حزب ما درآورده‌اید؟ آخر فاکتی که در اینمورد از بیانیهی مزبور نقل کرده‌اید عبارت زیراست که با اندک تأمل و تعمق دران بر همگان آشکار می‌شود که نه خطاب به «کشورهای قدرتمند خارجی» ست و نه صحبتی از «ازادکردن از سلطه‌ی حکومت‌های مستبد» به میان آمده‌است. واینک نص عبارت:

«ما ضمن ابراز خوشحالی از پیروزی مبارزه‌ی مردم لیبی و حمایت از قطعنامه‌ی ۱۹۷۳ شورای امنیت در رابطه با این کشور، خواستار انیم که شورای امنیت سازمان ملل متحد با اتکا به همین اصل «مسئولیت حمایت» خطر همکاریهای شوم دولتها و سرکوب از

سوی حاکمان را از ملت کرد دور سازند».

چنانکه ملاحظه می‌فرمائید مخاطب ما سازمان ملل متحد به عنوان یک مرجع ذیصلاح بین‌المللی است و خواسته‌ی ما نیز صرفاً دفع سرکوب و لشکرکشی است. اصولاً فلسفه‌ی تشکیل سازمان ملل متحد نیز رسیدگی به دادخواهی ستمدیدگان و زجرکشیدگان است، وگرنه زورمداران نیازی به استمداد از نهادهای بین‌المللی ندارند و هر وقت اراده کنند می‌توانند خانه و کاشانه‌ی مردمان مظلوم را بر سر ساکنانشان خراب نمایند.

در جایی دیگر از نامه‌ی سرگشاده‌ی شما حزب دمکرات کردستان به این دلیل مورد عتاب قرار گرفته است که ستمهایی را که در حق ملت کرد روا داشته شده یادآوری نموده و به مبارزات دیرپای این ملت در راه دستیابی به حق تعیین سرنوشت اشاره داشته است. جالب اینجاست که این امر از جانب شما نوعی عدول از پرنسپیهای حزب و پشت کردن به خط مشی رهبران شهید حزب نیز تلقی شده است. واقعاً برای ما موجب تأسف است که نزدیکترین دوستان ما از ما به خاطر یادآوری محنتهای تاریخی ملت کرد خرده بگیرند. اما اینکه گویا چرخش در سیاست حزب ما صورت گرفته و به نحوی از خط مشی رهبران شهیدمان فاصله گرفته‌ایم جای تأمل است. امری بسیار طبیعی است که هر حزبی متناسب با شرایط زمانی مبارزه، شعارها و خط مشی سیاسی خویش را تغییر دهد. ولی جالب اینجاست که از این نظر هیچگونه تغییری در مشی سیاسی حزب ما صورت نگرفته و به اصطلاح معروف در بر همان پاشنه می‌چرخد. از نزدیک به نیم قرن پیش تاکنون حق تعیین سرنوشت خلق کرد در نخستین ماده‌ی برنامه‌ی حزب ما گنجانده شده و در تمام کنگره‌های حزب بران تأکید مجدد شده است. فقط به عنوان نمونه بخشی از ماده‌ی اول برنامه‌ی حزب مصوب کنگره‌های سوم و پانزدهم را از نظر شما می‌گذرانیم:

«حزب دمکرات کردستان به خاطر... و تأمین حق تعیین سرنوشت خلق کرد در کردستان ایران مبارزه می‌کند».

(برنامه‌ی مصوب کنگره‌ی سوم، مهرماه ۱۳۵۲)

«ماده‌ی نخست: ارمانها و پرنسپیهای اساسی

۱- ارمان حزب دمکرات کردستان تحقق حق تعیین سرنوشت ملت کرد در شرق

کردستان (کردستان ایران) است»

(برنامه‌ی مصوب کنگره‌ی پانزدهم، خردادماه ۱۳۹۰)

بدین ترتیب روشن می‌شود که شعارهای حزب ما تغییر نکرده و ما از خط مشی رهبران شهیدمان عدول نکرده‌ایم. ولی اجازه بدهید ما به‌شما یادآور شویم که متأسفانه برخوردتان با این مسأله با خط مشی مترقیانه‌اتان در رابطه با حق تعیین سرنوشت ملت‌ها اِدا سازگار نیست. شما درحالی‌که حتا در همین نامه‌ی سرگشاده بر اعتقادتان به حق تعیین سرنوشت تأکید می‌کنید بر ما خرده می‌گیرید که مبارزات مردم کردستان در راه دستیابی به حق تعیین سرنوشت را به‌خاطر آورده‌ایم و این امر را نشانه‌ی درخواست «برپائی یک کشور مستقل کرد متشکل از چهار کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه» می‌دانید که اِدا چنین نیست. واقعا اینچنین برداشتی با اعتقاد شما به حق تعیین سرنوشت خلق کرد تا سرحد جدائی از ایران که بارها بران تأکید کرده‌اید همخوانی دارد؟ شاید پاسخ شما این باشد که داشتن یک حق ضرورتا به معنای استفاده‌ی عملی از آن نیست. ولی در مقابل حتما این را هم قبول دارید که هیچکس را نمی‌توان به جرم استفاده از حق خویش به دار کشید و یا تکفیر کرد. بگذریم از اینکه چنین مبحثی اصلا به‌پیان نیامده‌است.

پرسیدنی است که از کی تا حالا سخن گفتن از حقایق تاریخی گناه کبیره شده‌است؟ راستی شما منکر این واقعیت هستید که سرزمین کردستان بدنبال جنگ چالدران بین دو امپراتوری ایران و عثمانی تقسیم شده و پس از پایان جنگ اول جهانی بین کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه باز تقسیم شده‌است؟ حال به‌فرض آنکه صحبت از حق کردها در اتحاد مجدد این بخش‌ها هم به‌میان آمده بود چرا باید به اتحاد دیگر سرزمینهای تقسیم شده تبریک گفت ولی به بحث موهوم اتحاد مجدد سرزمین کردها نفرین فرستاد؟

تنها به عنوان بیان یک واقعیت در اینجا بر سیاست همیشگی حزب دمکرات کردستان تأکید می‌ورزیم که نه خواستار حمله‌ی نظامی هیچ کشوری به ایران هستیم و نه وظیفه‌ی

نجات ایران و تأمین حقوق حقه‌ی مردم کردستان را به‌عهده‌ی کسی جز مبارزان راه‌رهای در کردستان و سراسر ایران واگذار می‌کنیم، ولی در عین حال جزو «مبارز»انی نیستیم که آماده‌اند در دفاع از حاکمیت ضد‌مردمی جمهوری اسلامی علیه هموطنان آزاده‌ی خویش بجنگند که مسلماً شما نیز از آنها نیستید.

در خاتمه این حقیقت را نیز یادآور می‌شویم که حزب دمکرات کردستان نه در هراس از هیچ قدرتی، مبارزه در راه دستیابی به دمکراسی در ایران را شعار استراتژیک خود قرار داده و نه در تلاش برای به‌دست آوردن دل هیچکس. این امر حاصل تأمل و تعمق در شرایط زمانی و مکانی مبارزه‌ی مردم کرداست و صرفاً به‌خاطر در نظر داشت منافع این مردم افتاده‌است. ما به این خاطر تحصیل دمکراسی در ایران را سرلوحه‌ی اهداف انقلابی و مبارزاتی خویش قرار داده‌ایم که: اولاً ایران کشوری است که در آن زندگی می‌کنیم و ثانیاً معتقدیم که مطمئن‌ترین تضمین برای برخورداری خلق کردو دیگر خلقهای ستمدیده‌ی این کشور از حقوق ملی و حقوق برابر شهروندی و مالا قوام و دوام این برخورداری همانا استقرار یک دمکراسی واقعی در ایران است.

و اگر غیر از این بود حزب ما بدون پروا شعار مورد نظر را عنوان می‌کرد. زیرا فکر می‌کنیم در صورت برداشتن شعار استقلال کردستان نیز نه حاکمان ایران سرکوب و خفقان بیشتری را در مورد کردستان اعمال می‌کردند و نه مخالفان تأمین حقوق و آزادیهای مردم کردستان تهمتها و ناسزاهای دیگری در چنته داشتند که نثار مبارزان کرد بکنند.

به امید آنکه صراحت لهجه‌ی ما و به عبارت مد روز شفافیت در بیان ما به حسن تفاهم و تعمیق و گسترش روابط مبارزاتی حزب دمکرات و دیگر مبارزان راه‌رهای ایران یاری رسانده باشد.

با درود مجدد

دفتر سیاسی

حزب دمکرات کردستان

(۲۰۱۱/۱۰/۱۹) ۱۳۹۰/۰۷/۲۷

تامل یا کج فهمی ؟!

پاسخی به مقاله «تاملی بر بیانیه حزب دمکرات کردستان»
هیوا کردستانی

بمناسبت پیروزی جنبش ازادیخواهانه‌ی مردم لیبی بر نیروهای دیکتاتور سرهنگ قذافی و ناپدید شدن دیکتاتور ، حزب دمکرات کردستان بیانیه‌ای صادر نمود. در این بیانیه ضمن اشاره به قطعنامه‌ی ۱۷۹۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در آن بر اساس اصل «مسئولیت حمایت» استقرار چتر حمایتی در سراسر خاک لیبی مورد تصویب قرار گرفت ، حزب دمکرات کردستان از صدور چنین قطعنامه‌ای استقبال نموده و آن را دریچه‌ی امیدی برای ملتهای تحت ستم و جنبشهای ازادیخواهانه در کشورهای دیکتاتور زده دانسته بود.

در همین بیانیه ضمن ابراز خوشحالی از بثمر رسیدن جنبش ازادیخواهانه‌ی مردم لیبی و اشاره‌ای کوتاه به سابقه‌ی طولانی مبارزات ملت کرد در بخشهای مختلف کردستان و قتل عامهای وحشیانه‌ای که این ملت در ترکیه‌ی کمالی ، عراق بعثی و ایران اسلامی در حق این ملت اعمال شده است ، و نیز با یادآوری لشکرکشیهای دو دولت ایران و ترکیه به مرزهای حکومت اقلیم کردستان ، تنها دستاورد مردم کرد از مبارزات صدها ساله‌ی

خود گفته شده بود که مردم کردستان حق دارند از محافل بین‌المللی درخواست کمک نمایند و مشخصاً از شورای امنیت انتظار داشته باشد با اتکا به همان اصل «مسئولیت حمایت» بیاری ملت کرد شتافته و آن را از سرکوب حکام مستبد و یورش نظامی دولتهای حاکم بر بخشهای مختلف کردستان بر حکومت اقلیم کردستان در امان نگه دارد.

انتشار این بیانیه در سایتهای اینترنتی و وسایل ارتباط جمعی از چند جهت موجب سوء تفاهم شخصی بنام محسن قائم مقام گردیده و ایشان با پخش مقاله‌ای تحت عنوان «تأملی بر بیانیه حزب دمکرات کردستان» آنچه را که از دستشان برآمده از تهمت و افترا و ناسزا نثار حزب دمکرات نموده‌اند. تأمل (بخوانید کج فهمی) آقای قائم مقام از جنبه‌های مختلف شایان «تأمل» است که ما در این مختصر تنها به پاره‌ای از آنها خواهیم پرداخت:

در نخستین پاراگراف نوشته، آقای قائم مقام مدعی شده است که گویا حزب دمکرات درخواست تکرار استراتژی نظامی سازمان ملل متحد در لیبی را برای ایران نموده است. از خوانندگان این مقاله می‌خواهیم لطف کنند و یکبار دیگر به آن بیانیه مراجعه کنند تا روشن شود اصولاً در این بیانیه نه درخواست دخالت نظامی شده و نه اصولاً مسأله مربوط به کشور ایران بطور اخص است. بلکه بطور کلی صحبت از حمایت جامعه‌ی بین‌المللی در رابطه با ملتهای تحت ستم و جنبشهای ازادخواهانه در کشورهای دیکتاتورزده است. و در این میان بطور مشخص به جنبش‌هایی بخش ملت کرد در همه‌ی بخشهای کردستان عطف توجه شده است.

جالب اینکه نویسنده‌ی مقاله، صدور بیانیه از طرف دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان بدون اشاره به نام هیچ یک از مسئولین حزب را نشانه‌ای از بیجراتی دانسته‌اند که خواهی نخواهی این امر دال بر عدم آگاهی آقای قائم مقام از اصول حزبی و سازمانی به طریق اولی عدم آگاهی و شناخت مطلق از حزب دمکرات کردستان و بطور کلی از تاریخ مبارزات حق طلبانه‌ی مردم کردستان است. در عرف احزاب سیاسی اینکه مطلبی با امضای دفتر سیاسی یا کمیته‌ی مرکزی صادر شود نشان از تحمل مسئولیت مفاد آن

از طرف کلیت رهبری و تمامیت حزب مورد نظر است.

جناب قائم مقام پا را از این هم فراتر گذاشته و حزب ما را به قبول تحت الحمایگی ، تقاضای حمله به ایران از سوی کشورهای غربی متهم میکند و این را نشانه‌ی اپورتونیسیم و بی‌خردی میدانند. توجه کنید: «اعلام قبول تحت الحمایگی حزب دمکرات کردستان ، در واقع تقاضای حمله به ایران از کشورهای غربی است که پوشش مسئولیت حمایت سازمان ملل را به عاریه گرفته است». این تقاضا... به تنهایی شاهد اپورتونیسیم و بی‌خردی این گروه میباشد... اینگونه سیاستهای خودمحوری و در حمایت تفنگ خویش و نیروهای غربی ، بر تمامیت ارضی مملکت چنگ انداختن است و تنها بقدرت داخلی استبدادی می‌افزاید و به تثبیت دیکتاتورها کمک میکند».

اقای قائم مقام در هیچ کجای مقاله و برای اثبات هیچ اتهامی خود را ملزم نمیدانند که به فرازهایی از بیانی‌های دفتر سیاسی حزب دمکرات استناد نماید. زیرا خود میدانند در سرتاسر بیانیه عبارتی یافت نمیشود که بتوان چنین برداشتی از آن استنباط کرد. بعلاوه ، بسیار جالب است که تن دادن به قطعنامه‌های سازمان ملل در حمایت از مردم ستم‌دیده و سرکوب شده را به معنای قبول تحت الحمایگی تلقی میکند. بر این مبنا گویا جبهه‌ی انقلابیون لیبی که حالا دیگر عملاً زمام امور کشور را در دست گرفته‌اند ، یا اپوزسیون سابق عراق که هم اکنون قدرت سیاسی مملکت را در دست دارند ، همگی تحت الحمایگی کشورهای بیگانه را پذیرفته و اینک استقلال خود را از دست داده‌اند. واقعا چنین برداشتی ستایش برانگیز است!!

عجیب تر اینکه نویسنده تقاضای حمایت بین‌المللی از مبارزات رهایی‌بخش عمومی را نشانه‌ی بی‌خردی و کاری در جهت تثبیت دیکتاتورها تلقی میکند. واقعا باید به این کشف خارق‌العاده افرین گفت! اگر این استدلال را مبنا قرار دهیم ، باید بپذیریم که گردن نهادن به دیکتاتوری و عدم ایستادگی در برابر سرکوب و خفقان و حتی کشتن ، دلیل بر خردورزی و بهترین وسیله برای تضعیف دیکتاتورها و نهایتاً حذف آنهاست! ناگفته نماند که اقای قائم مقام حاکمیت دیکتاتورها را مترادف با مملکت و مردم

دانسته و هرگونه کوشش در جهت تضعیف سلطه‌ی اهریمنی آنها را چنگ انداختن به تمامیت ارضی مملکت می‌پندارد. حقیقتا باید به حاکمیتی که چنین مخالفانی در صفوف اپوزیسیون خود دارد تبریک گفت. زیرا واقعا آنها با این طرز تفکر بیشتر به بقای عمر خودکامگان کمک میکنند تا طرفداران و مدافعان آنها.

در بخشی دیگر از مقاله‌ی آقای قائم مقام به روال دولتمردان سابق و لاحق ایران به تعریف و تمجید (تو بخوان تحمیق) مردم کردستان پرداخته و آنان را سرحد داران شجاع (فراموش نموده است که حکام عبارت مرزداران را بکار میگیرند) میخواند و «دفاع ایشان در برابر حمله‌ی اسکندر به ایران» را یادآوری میکند. غافل از اینکه آن زمان گذشته که بشود توده‌های مردم کردستان را با اینگونه عناوین و القاب میان تهی فریب داد. مردم مبارز کردستان هیچگاه از مقاومت در مقابل دشمنان کشور احساس ندامت نمیکنند اما در عین حال نیک میدانند که حکام قبلی و فعلی ایران و شونیست مسلکانی که خود را برای تصاحب قدرت در ایران آماده کرده‌اند، هیچگاه غیر از این تعارفات توخالی ارمغانی برای این ملت نداشته و نخواهند داشت.

آقای قائم مقام فراموش نکرده است که یادی هم از «کریمخان زند از پادشاهان بزرگ و عدالتخواه ایران که تنها عنوان وکیل الرعایا را به عنوان شاه برای خود پذیرفت» بکند، شاید از این طریق مردم کرد را علیه حزب دمکرات کردستان بشوراند. واقعا که نویسنده، مردم آگاه و مبارز کردستان را مردمانی ساده‌لوح و نادان فرض فرموده‌اند. اری، مردم ما به بزرگان تاریخ خود افتخار مینمایند، ولی در عین حال بر این حقیقت وقوف کامل دارد که اگر کریمخان زند تنها لقب وکیل الرعایا را بر خود اطلاق میکرد و بر آن بود که حاکمیتی مردمی در کشور برقرار سازد، فراوان بودند و هستند حاکمانی که خود را سایه‌ی خدا و نماینده‌ی امام و غیره تلقی کرده و آنچه ظلم و ستم و اجحاف است در حق توده‌های مردم و بخصوص ملیتهای تحت ستم ایران روا داشته‌اند.

نوشته‌ی آقای قائم مقام جای سخن زیاد دارد. ولی با این مختصر بسنده میکنیم و تنها این نکته را اضافه میکنیم که علاوه بر اینکه در بیانیه‌ی مورد نظر هیچ کدام از مطالب

مزعوم وی نه به صراحت و نه به کنایه نیامده است ، حزب دموکرات کردستان در بین ایران و مردم ایران از یکطرف و حکام مرتجع و همفکران آنها از طرف دیگر تفاوت قایل است. در حالیکه با تمام قوا در جهت وحدت عمل با همه ی احزاب و سازمانهای مردمی در ایران کوشش مینماید ، صراحتا و بدون ابهام از دیکتاتوری حاکم بر ایران و همفکران و پشتیبانان آن ولو در کسوت اپوزیسیون متنفر است. و اگر شما یا کسانی دیگر این واقعیت را تجزیه طلبی می انگارید مختارید. ولی شعار استراتژیک حزب ما همچنان بدست آوردن حقوق حقه ی مردم کردستان در چارچوب ایرانی فدرال و دموکراتیک باقی خواهد ماند.

ازادی، تجزیه‌طلبی، گروه‌های مسلح و تجربیات قرن بیستم د. کامران امین اوه

تاملی بر نوشته آقای محسن قائم مقام در رابطه با
تاملی بر بیانیه «حزب دمکرات کردستان»
ازادی، تجزیه‌طلبی، گروه‌های مسلح و تجربیات قرن بیستم»

در سایت ایران امروز نوشته‌یی از آقای محسن قائم مقام تحت عنوان «تاملی بر بیانیه «حزب دمکرات کردستان» ازادی، تجزیه‌طلبی، گروه‌های مسلح و تجربیات قرن بیستم» منتشر شده است که تنها در چارچوب به اصطلاح انتقاد از «حزب دمکرات کردستان» نمانده، حوزه فراتری را در برگرفته است. نوشته مزبور حاوی اطلاعاتی بغایت نادرست و تحریف شده در رابطه با شخیصت‌های تاریخی کورد و وقایع کوردستان است. اگر نوشته ایشان تنها منحصر به «حزب دمکرات کردستان» می‌بود بی‌گمان نگارنده این سطور در پی پاسخگویی آن برنیامده، این امر را بعهدده حزب مربوطه می‌نهاد.

اما متأسفانه آقای قائم مقام به تکرار مکررات همفکران و دکترین سیاسی دو نظام شاهی و اسلامی و به اصطلاح اپوزیسیون تمامیت ارضی خواه ایران پرداخته است، با این تفاوت که ایشان حداقل زحمت مطالعه در رابطه با تاریخ و شخصیت‌های کورد را نیز

به خود نداده ، آگاهی ناقص خود را ملاک ارزیابی و نتیجه‌گیریهایشان قرار داده‌اند. برای اینکه سخن به گراف نگفته باشیم اشاره‌ای به دو مورد از آنها می‌کنیم.

اقای قائم مقام نوشته‌اند که: پس از رضا شاه و ظلم او در منطقه ، مردم را به پشتیبانی از خانها و بزرگ مالکین کرد و در نقاط دیگر سایر خانها و بزرگ مالکان کشاند. ملا مصطفی بارزانی از خانهای همانگونه ایلات بود. که با استفاده از ضعف و بی‌عدالتی‌های حکومت مرکزی در ایران و با کمک روسها همزمان با حکومت تحت حمایت روسهای «فرقه دمکرات» در اذربایجان ، در زمان حضور ارتش سرخ در ایران ، اعلام خود مختاری نمودند و لباس ارتشی‌هایشان هم را شبیه ارتشیان روسها دوختند. بدنبال ان ، در کشتار سבעانه بسیاری از کردها را کشتند ، از جمله بدار او بیختن بی‌شرمانه قاضی محمد ، از مردان شریف و مورد اعتماد مردم در زمان خویش و پسرانش در مهاباد ، در زمانی که از ایران دوستی و دفاع از ایران پشتیبانی کردند ، نفرت کردها از حکومت مرکزی را بیشتر از پیش ساخت.

ایشان در جایی دیگر از نوشته خود چنین می‌نویسند: «... در این زمان حزب دمکرات کردستان از شهری‌های کرد در برابر خانها و سران ایلها بوجود آمد. مردان شریف و ایران دوستی همچون زنده یاد دکتر عبدالرحمن قاسملو و زنده یاد دکتر محمد صادق شرفکندی ، که اولی در جوانی از هواداران دکتر مصدق بود و دومی از دانشوران دلسوز ایران بشمار میرفت ، از جمله رهبران این حزب گردیدند. و استبداد مذهبی وجود هر دوی این رهبران ایران دوست را بر نتابید و با بیرحمی هر دو را بقتل رساند. [تاکید از من است].

نظری اجمالی به نکات فوق نشان می‌دهد که ایشان متأسفانه حداقل اطلاعات لازمه را در رابطه با مساله‌یی که به ان پرداخته‌اند ، ندارند. جهت اطلاع آقای قائم مقام باید گفت جمهوری کوردستان در دوم بهمن ۱۳۲۴ نه توسط ملا مصطفی بارزانی بلکه توسط همان قاضی محمدی که بنا به اعتراف ایشان از مردان شریف و مورد اعتماد مردم

در زمان خویش بود تشکیل شد. در دهم فروردین ماه ۱۳۲۶ قاضی محمد همراه با برادر کوچک خود صدر قاضی که نماینده مردم کورد در مجلس شورای ملی ایران بود و پسر عمویش سیف قاضی [نه پسران قاضی] توسط نظامیان ایران محاکمه و در مهاباد اعدام شد. در ضمن ، دکتر عبدالرحمان قاسملو در جوانی نه از هواداران دکتر مصدق بلکه از اعضای حزب توده ایران بود که دیرتر با جدا شدن از حزب نامبرده در بازسازی حزب دمکرات کوردستان نقش اساسی ایفا کرده و در راه رسیدن کوردها به خودمختاری سر خود را در همان راهی نهاد که رهبر و بانی حزب دمکرات کوردستان شهید قاضی محمد جان خود را بر سر آن گذاشته بود.

اقای قائم مقام در نوشته خود از سویی کوردها را مفتخر به سرحداری از مرز پرگهر ایران در مقابل حمله اسکندرو ... می نماید و از سوی دیگر با تجزیه طلب خواندن احزاب کورد ، عملاً مبارزه ملت کورد را در خدمت استعمار و استبداد می داند. اگر اقای قائم مقام نظری اجمالی به برنامه احزابی که مورد تهاجم خود قرار داده اند ، بکنند ، متوجه خواهند شد که خط مشی و فعالیت احزاب نامبرده در راستای حفظ همان تمامیت ارضی ایران مورد علاقه ایشان است. در حال حاضر هیچیک از احزاب نامبرده ایشان پا از برقراری یک سیستم فدرال در چارچوب ایران فرا ننهاده ، به درست یا غلط حل مساله ملی کورد را در گرو ایجاد حکومت فدرال می بینند. چیزی که با توجه به انبوه تفکرات شوینیستی در میان اپوزیسیون ایرانی نیازمند به تجدید نظر اساسی و ابراز شفاف خواسته های مردم کورد در رابطه با دولت آینده ایران بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی دارد. لازم به توجه است اگر زمانی مبارزه مردم کورد در تمام کوردستان رنگی رهایخش به خود بگیرد بی شک این مبارزه در راستای وحدت ، یگانگی و بهم پیوستن مردم سرزمینی خواهد بود که خاک آن در میان چهار کشور تقسیم شده و با نفوسی بیش از ۴۰ میلیون برای رسیدن به آزادی ، دمکراسی و رسیدن به حقوق ملی خود مبارزه می کند.

اقای قائم مقام خرسند از نتیجه‌گیریهای خود در رابطه با تاثیر منفی و دیکتاتوری زای اعتماد مردم به گروه‌های مسلح در مبارزات رهایی بخش ملل در بند در قرن بیستم، تحلیل اوضاع کوردستان ایران و عراق، خواب و خیال خواندن جمع نمودن کوردها در یک کشور و شک و تردید به تقسیم احتمالی نفت کرکوک از سوی کوردهای عراق با کوردهای کشورهای همجوار و در نهایت خاتمه دادن به «رشد علفهای هرزه [بخوان هرز] تجزیه‌طلبی را در مبارزه با استبداد مذهبی در ایران» و فریب نخوردن از جدایی طلبان را در پرتو «بودن یک حکومت دمکرات و آزاد» می‌دانند. اگر آقای قائم مقام کوچکترین اعتقادی به واژه «دمکرات» یا «آزاد» می‌داشتند، می‌بایست آزادی و حق انتخاب یک ملت در تعیین سرنوشت خود را، چون ستون اساسی یک جامعه آزاد پاس داشته، از جمله‌های تحقیر آمیزی چون «گوش بفرمان رهبران تفنگدار در خدمت دولت‌های بیگانه» در آمدن کوردها و «ناآگاه خواندن» جوانانی که آگاه به حقوق ملی خود پا به صحنه نبرد با جمهوری اسلامی می‌نهند، پرهیز می‌کردند. آقای قائم مقام مطمئن باشند که شیوه پولیمیک ایشان نمی‌تواند تاثیری در اهداف سیاسی مردم کورد یا نمایندگان فکری آنها با دیدگاه‌های مختلف داشته باشد.

در رابطه با تغییر مرزهای جغرافیایی سیاسی نیز فراموش نکنیم که مرزها تحت تاثیر تغییرات داخلی و خارجی و وضعیت ژئوپلیتیک منطقه بسی شکننده می‌باشند. قبل از سال ۱۹۹۱ احتمالاً هیچگاه به فکر خیلی‌ها خطور نمی‌کرد که روزی سرزمین پهناور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با آن قدرت اقتصادی - نظامی و تاثیر گذارش در سیاست‌های بین‌المللی، به این سادگی تجزیه شده، از درون آن همه کشورهای مستقل برآید و

امید است آقای قائم مقام و پاسداران اندیشه‌های مشابه ایشان واقعیت‌ها را آن چنان که هست ببینند نه انگونه که می‌پسندند. «تاریخ درس‌های بسیار مفید و خردمندانه‌یی به انسان می‌دهد» تنها هنر ممکن توانایی فهم و درک این حقیقت و آموختن از آن است.

پاسخی شخصی به کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

در حاشیه‌ی «پرسشهای اتحاد فدائیان

از حزب دمکرات کردستان».

ناصر ایرانپور

دوستان و رفقای کمیته‌ی مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ،

درودهای صمیمانه‌ی مرا پذیرا باشید.

راقم این سطور که تعلق تشکیلاتی به هیچ جریان سیاسی ندارد ، هم بیانیه‌ی حزب دمکرات کردستان و همه موضعگیری شما را مورد مطالعه قرار داده ، اجازه می‌خواهد در دیالوگی صمیمانه با شما در پیوند با موضوع فوق‌الذکر شرکت ورزد ، به ویژه اینکه نسبت به آنچه که شما می‌گوئید بی‌تفاوت نیست و حزب دمکرات کردستان را یکی از نزدیکترین جریانات سیاسی ایران به شما می‌داند و در چهارچوب منشوری که به درستی از آن سخن گفته‌اید ، خواهان ائتلاف آن حزب با شما بوده و هست .

دوستان فدائی ، شما استنباط نموده‌اید که حزب دمکرات کردستان از سویی خواهان

«کردستان بزرگ» شده است و از سویی دیگر از غرب خواسته که در ایران نیز دخالت نظامی نماید. به یقین باید گفت که شما .خوشبختانه .در اشتباهید.

اینجا نمی‌خواهم با شما پلمیک کنم و همداستانی و همراستایی شما با مثلث به قول خودتان «ناسیونالیستهای افراطی» ایرانی ، با «جمهوری» اسلامی و با حکمتیستهای فاقد حکمت را به رخ شما عزیزان بکشم. تنها می‌خواهم به اجمال برشمارم که از نظر من تفاوت و شاید هم اختلاف شما با حزب دمکرات کردستان (و یقین دارم با حزب دمکرات کردستان ایران) در کجاست و در پایان هر بخش چند پرسشی را خطاب به شما مطرح نمایم.

۱. شما یک سازمان سیاسی چپ .و از نظر من .خوشنام ایرانی و سراسری هستید. از صمیم قلب ارزوی اعتلا و نیرومندشدن هر چه بیشتر سازمان شما را در گستره‌ی دارم ، ان هم نه بعنوان صرفا یک ایرانی ، بلکه اتفاقا به ویژه به دلایل هم‌درکی و هم‌دلی و هم‌زمانی بعنوان یک کرد. من اطمینان دارم که در آینده شاهد تشکیل ائتلافی دمکراتیک از شما و حزب دمکرات کردستان (هر دو بخش آن) و کومله خواهیم بود. جنبش سراسری فدائی و جنبش ملی .دمکراتیک کردستان ایران دو پایه‌ی اصلی ائتلاف مردمی و دمکراتیک و حتی حکومتی در آینده‌ی آزاد ایران را تشکیل خواهند داد. این اطمینان و امید از نزدیکی برنامه‌ای این چند جریان سیاسی سرچشمه می‌گیرد. امید است با این بحثها درک مشترک در مورد مسائل مورد بحث افزایش یافته و در نهایت در خدمت آغاز بحث اتحاد و ائتلاف آنها قرار گیرد.

۲. با همه‌ی این اوصاف اشتباه و نابجا خواهد بود که انتظار داشته باشیم که این احزاب قرائت و ادبیات و به‌ویژه رسالت یکسان داشته باشند. همانطور که عجیب نیست که شما منظرگاه ایرانی به مفهوم سراسری آن داشته باشید ، اشتباه هم نیست که حزب دمکرات کردستان از منظرگاه کردی و مصالح عمومی و ملی مردم کردستان رویدادها را مورد سنجش قرار دهد و موضع بگیرد. در این چهارچوب این نه حق ، بلکه حتی وظیفه‌ی حزب دمکرات کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران و احزابی که خود را در طیف کومله تعریف می‌کنند ، می‌باشد ، برای جلب پشتیبانی بین‌المللی و به‌ویژه

غرب و سازمان ملل و مجامع دیگر بین‌المللی و اری ، حتی دولتهای غربی برای مبارزه‌ی مردم کردستان در ایران ، عراق ، ترکیه و سوریه تلاش کنند. ممکن است برای شما مسأله‌ی فلسطین اصلی باشد و مسأله کردستان ترکیه و سوریه و عراق فرعی و ثانوی. بسیار خوب ، اما توقع ان از احزاب کردستان ایران بجا نیست. از شما می‌پرسم تاکنون چند سازمان سیاسی «ایرانی» و به اصطلاح «سراسری» در ارتباط با بمبارانهای پی‌درپی کردستان توسط ترکیه و ایران برای حفظ ظاهر هم که شده ، از خود عکس‌العمل نشان داده و اعتراض نموده‌اند؟! شما می‌پندارید که احزاب کردستان نیز باید چنین باشند؟! اگر چنین است این پنداری اشتباه است. سخن گفتن از کردستان ترکیه و عراق و سوریه سخن گفتن از ظلم تاریخی ، از استثمار و استعمار یک ملت واحد است ، حال این ملت در جغرافیای سیاسی یک کشور باشد یا نه. این سخن به معنای افتادن در «دام» «کردستان بزرگ» نیست و در هیچ جایی از بیانی‌های مورد بحث اشاره‌ای به ان نشده است.

۳. شما نوشته‌اید که این موضع با موضع قبلی این حزب و حزب دمکرات کردستان ایران و دکتر قاسملو فاصله دارد. اصلا و ابدا چنین نیست. بطور مشخص دکتر قاسملو از هیچ تلاش دیپلماتیکی برای جلب چنین پشتیبانی دریغ نکرد و این اتفاقا یکی از برجسته‌ترین دغدغه‌ها و خدمات وی بوده است. تا جایی هم که موضوع به حزب دمکرات کردستان ایران برمی‌گردد ، شاید کافی باشد نامه‌ی آقای مصطفی هجری به بوش یادآوری شود. تازه ان نامه از ان سنجی بود که شاید بتوان به ان دست کم به لحاظ لحن. ایراد گرفت. بیانی‌های حاضر با اجازه‌ی شما به مراتب پخته‌تر و سیاسی‌تر می‌باشد و اتفاقا اتفاق نظر کلی در جنبش کردی و روشنفکران کردستان در ان وجود دارد. به هر حال ، تغییر موضعی در ان قابل رؤیت نیست. شاید آنچه در ان نو باشد شفافیت کلام است که مورد تأیید این ناچیز نیز است.

۴. شما به تناقض موضع حزب دمکرات کردستان اشاره فرموده‌اید. جا دارد اینجا از شما پرسیده شود که شما تا کجا به شعار «حق تعیین سرنوشت» که در این نامه نیز از ان سخن رانده‌اید ، به جد باور دارید؟ مگر نه این است که این اصل مشمول حق

جدایی و استقلال کردستان نیز است؟ در ضمن مگر خود شما نمی‌گوئید که تاکنون تمام رهبران و کادرهای این حزب بر حل مسالّهی کرد در چهارچوب ایران دموکراتیک و فدرال تأکید داشته‌اند؟ پس چرا به توهم و انگ جدایی طلبی قوس زده‌اید و بطور ضمنی گفته‌اید که این حزب در «دام» (!) «استقلال کردستان» افتاده است؟! یقیناً جریانی که صادقانه به حق تعیین سرنوشت یک ملت اعتقاد ژرف و واقعی داشته باشد، استقلال یک ملت را «دام» نمی‌نامد، حتی اگر جانبدار آن نباشد.

۵. جا دارد از شما پرسیده شود: حال خود شما چه کاری. خارج از بحث تجربیدی و شعار «حق تعیین سرنوشت». برای این ملت ۴۰ میلیونی، ملتی که صرف نظر از اینکه در چهارچوب مرزهای کنونی ایران باشد یا نه، اساساً یک ملت ایرانی‌تبار نیز است، انجام داده‌اید؟ مگر شما یک سازمان آزادی طلب و برابری طلب نیستید؟ اصلاً مستحضر هستید که در کردستان ترکیه چه می‌گذرد؟ می‌دانید که درگیری حکومت اقلیم کردستان با حکومت مرکزی عراق و دولت امریکا سر چیست؟ اگر می‌دانید، موضع شما در آن باره چیست؟ از اوضاع کردستان سوریه اطلاع دارید؟ آیا روشنفکر ایرانی باید حتماً در کناره‌های نوار غزه با فراافکنی اسلامگرایان ترکیه اتفاقی بیافتد، تا در دفاع از ملت فلسطین (که برخلاف ملت کرد از پشتیبانی غرب و شرق، کمونیست و اسلامی) برخوردار است، اعلامیه صادر کنند؟ اگر بحث انتقاد و گلایه‌ی دوستانه باشد، روشنفکران کردستان سینه‌ی اکنده از این انتقادهای دارند. بر کردستان در آسمان پرستاره ستاره‌ای روا داشته نمی‌شود، حتی از سوی انانی که خود را مدافع آن معرفی می‌کنند. من یکی از منتقدان صریح پ. ک. ک. بوده‌ام، اما بس ناجوانمردانه و غیرانسانی یافتم که در جهان ۲۰۰ دولتی، دولتی یافت نشد رهبر آن را پناه دهد. و این نه حکایت از نادرستی سیاستهای وی که از مظلومیت این ملت بی‌پناه و بی‌دوست دارد. این نامه‌ی شما نیز ناخواسته این برداشت را تقویت می‌کند.

۶. شما نوشته‌اید که حزب دموکرات کردستان «چشم به راه قدرتهای خارجی برای نجات مردم کرد در کردستان ایران» دوخته است. اینجا نخست باید گفت که بحث حزب دموکرات کردستان یک بحث کلی است و منحصر به کردستان ایران نیست. دوماً

از بیانیه. چنانچه با سوء ظن ناسیونالیستی و ضدامپریالیستی غیردمکراتیک مورد توجه قرار نگیرد. «چشم‌دوختن به قدرتهای خارجی» برداشت نمی‌شود، بلکه دعوت به جلب توجه جهانی به وضعیت ملتی پاره‌پاره شده و تحت ستم. و سوم اینکه، اری، به اقرار، بین شما و حزب دمکرات کردستان در امر حمله‌ی غرب و ناتو به حکومت‌هایی چون لیبی و صدام تفاوت دید وجود دارد. اینکه چنین حمله‌هایی برای دفاع از منافع مردم این کشورها نبوده و نخواهد بود نیز امری مسجل و بدیهی است. اما اخذ این استنباط از آن که گویا چنین حمله‌هایی الزاما در تضاد با منافع مردم این کشورها قرار دارند، نیز اشتباه است. و به‌ویژه این استنباط شما اثباتا نادرست است که گویا برچیدن دیکتاتورهای از سوی غرب ناگزیر به دیکتاتورهای دیگر می‌انجامد! سرنوشت عراق هنوز معلوم نیست، لذا نمی‌توان در مورد آن چنین حکمی داد. به هر حال تصور نمی‌کنم که تازه هیچ نظام دیکتاتوری چون حکومت صدام بتواند بر آن مستولی یابد. مضاف بر اینکه، کردستان عراق زیر چکمه‌های صدام چیزی برای از دست دادن نداشت. به هر حال آنچه که امروز ما شاهد انیم، هر چه باشد، رضایت‌بخش نیز نباشد، دیکتاتوری نیست. بی‌انصافی مطلق هم است که به‌جان افتادن گروه‌های ارتجاعی شیعه و سنی طرفدار و اقمار حکومت اسلامی ایران و حکومت اسلامی عربستان را به حساب امریکا و سیستم عراق گذاشت. خوب، در چند کشور دیگر، حمله‌ی غرب و ناتو به دیکتاتوری انجامیده است؟ در المان؟ در ژاپن؟ در یوگسلاوی؟ دوستان عزیز، این مائیم که باید شما را فراخوانیم تا ابهامات موجود در ارتباط با اندیشه‌ی ضدامپریالیستی و ضدامریکایی ضددمکراتیک احتمالی خود را برطرف ننمائید. بخشی از چپ ایران هنوز گرفتار در دام ضدامریکایی دوران جنگ سرد و زاده‌ی بلوک شرق و احزاب کمونیستی آن و حزب توده‌ی ایران و تازه‌گیها اندیشه و فرهنگ غرب‌ستیزی و در واقع تمدن‌ستیزی اسلامگرایان هست. دوستان، بدیهی است که کردستان نمی‌تواند از شکاف غرب و حکومت‌هایی چون «جمهوری» اسلامی بهره‌نگیرد (همانطور که از تضاد دولتهای حاکم بر کردستان همواره بهره‌جسته است). چرا باید حکومت‌های ارتجاعی و فاشیستی ترکیه و ایران برای سرکوب جنبش کردستان همراهی کنند و مورد پشتیبانی ضمنی و مستقیم

امریکا نیز قرار گیرند و اما جلب پشتیبانی همین امریکا. حال با هر انگیزه‌ای که از سوی وی عملی گردد. برای خنثی کردن ائتلاف ضد جنبش کردستان اشتباه باشد؟ و باز در پایان خدمتتان عرض کنم که جنبشهای مدنی ایران تاکنون نشان داده‌اند که مردم ایران به تنهایی قادر به رهایی از یوغ حکومت اسلام در ایران نیستند و جنبش آنها می‌تواند و احتمالا ناچار است با حمایت از جمله نظامی. غرب همراه گردد. در شرایطی که جنبش اعتلا کند و در معرض سرکوب خشن حکومتی قرار گیرد، نمی‌توان و نباید با همراهی نظامی غرب که شما سهوا «دخالت نظامی» می‌نامید، مخالفت نمود. انکارناپذیر است که بزرگترین دشمن مردم ایران و مانع دستیابی ایران به دموکراسی، حکومت اسلامی ایران است، حکومتی که از هیچ تلاشی برای نابودی جنبش حق طلبانه‌ی مردم کشورمان پرهیز ننموده است. پس چرا باید با ساقط کردن چنین رژیمی از سوی طرف ثالثی مخالفت نمود، چنانچه خود قادر به آن نباشیم؟ خوب، این امر به درجات بسیار بالاتری برای جنبش کردستان نیز صدق می‌کند که نه با یک حکومت فاشیستی، بلکه چهار فقره از آنها روبرو بوده است؟ تحلیل شما این استنباط را به دست می‌دهد که شما گزینه‌ی سوریه را که تاکنون قریب ۳۰۰۰ نفر از مردم مدنی را کشته، به لیبی که دیکتاتور آن چون صدام مخفی و فراری است، ترجیح می‌دهید. این اصل و اساس تفاوت نگرش شما با احزاب کردستان است. فراموش نکنیم که اپوزیسیون لیبی نیز در آغاز با «دخالت» غرب در لیبی مخالفت می‌ورزید، بعد پی‌درپی پیام می‌فرستاد که چرا ناتو به حکومت لیبی حمله نمی‌کند و یک چتر حفاظتی هوایی برای درامان ماندن از حملات هوایی حکومت قذافی ایجاد نمی‌کند. ناتو به این ندا پاسخ مثبت داد و اگر نمی‌داد، آقای قذافی جانهای بازهم بیشتری می‌گرفت، بدون اینکه سرنگون شود، همان خطری که هم‌اکنون در سوریه نیز وجود دارد. در پایان برای رفع ابهام تأکید می‌شود که عدم مخالفت با حمله‌ی نظامی و حتی دعوت به آن مطلقا. باز تکرار می‌شود. مطلقا به این مفهوم نیست که گویا از غرب انتظار می‌رود مردم ایران یا کردستان را رها کند. خیر، حمله‌ی غرب تنها می‌تواند نقش کمکی برای یک جنبش واقعا موجود داشته باشد،

جنبشی که در معرض نابودی توسط یک رژیم قهار و شاید قرار دارد. بنابراین اساس ، جنبش مردمی است و رهایی نهایی توسط آن. همانطور که می‌دانید ، در کردستان عراق نیز یک جنبش بالفعل وجود داشت. این جنبش ، اما ، بدون همگامی ناگزیر امریکا و متحدین آن قادر نبود ، از شر رژیمی چون صدام خلاص شود که سر ستیز نه تنها با کردستان داشت ، بلکه همچنین با غرب و همسایگان جنوبی و شرقی و غربی خود. ایا می‌بایست با این نزاع و همخوانی اتفاقی و شاید مقطعی مصالح مردم عراق و غرب سر ستیز داشت و به بهای بقای چنین رژیمی با «دخالت» غرب عناد ورزید؟ این امر در ارتباط با حکومت اسلامی ایران ، حکومتی که جنایاتش اگر بیشتر از جنایات حکومت صدام نبوده باشد ، کمتر نبوده ، حکومتی که هزاران هزار نفر از اسیران سیاسی را تنها در چند روز قتل عام نمود ، حکومتی که جنایات فجیعی در کردستان خلق نمود ، حکومتی که مرز نشناخته و هر جایی که دستش رسیده جنایت کرد و تعداد زیادی از فرزندگان و برجسته‌ترین رهبران کردستان و ایران را چنین ناجوانمردانه کشت ... صدق می‌کند. نه امریکا و نه حکومت‌های دموکراتیک (حال از نظر شما هر حکومتی دموکراتیک باشد) ، بلکه هر «شیطانی» که بخواهد به مردم ایران و کردستان در امر رهائی یاری رساند ، حال هر دلیل و انگیزه و مصالحی در آن داشته باشد ، یقیناً با مخالفت من روبرو خواهد شد ، چون آن را در تضاد با مصالح مردم ایران و کردستان نمی‌دانم... (این موضوع بحث‌های طولانی‌تری را می‌طلبد. اما چون وعده داده شده بود که بحث اجمالی باشد ، فعلاً به همین قدر اکتفا می‌شود.)

سخنانی دوستانه با کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

حسن حاتمی

دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ، بیانیه‌ای را در تاریخ ۵ سپتامبر ۲۰۱۱ ، زیر عنوان « کردها حق دارند خواستار حمایت بین‌المللی گردند » انتشار داده‌اند. سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ، نیز طی نامه‌ای سرگشاده‌ای ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۱ (۶ مهر ۱۳۹۰) به دفتر سیاسی — یا به قول آنها « هیئت سیاسی » — ، ان حزب نوشته ، که در بخشی از ان آمده است: «... حل مساله ملی در کردستان را با جدائی از ایران و برپائی یک کشور مستقل کرد متشکل از چهار کشور ایران ، عراق ، سوریه و ترکیه مرتبط دانسته و...» واکنشی نامناصبی را نشان داده‌اند ، که انتظار از سازمان اتحاد فدائیان خلق ، نمی رفت. چون شما با مسئلهء کورد آشنا هستید و از جزر و مدهای سیاسی آگاهی دارید. من به عنوان یکی از اعضای حزب دموکرات کردستان ، سخنان دوستانه‌ای با شما مطرح و منتشر میکنم ؛ جهت روشن شدن بیشتر اذهان و پیگیری دیالوگی دوستانه.

عزیزان!

از شروع سال میلادی جاری (۲۰۱۱)، جنبشهای آزادیخواهی که در شمال آفریقا و خاورمیانه آغاز شد، امید فراوانی برای تغییری عظیم در دل‌های اکنده‌از شور و عشق شما و ما به آزادی تداعی کرد. مستبدانی که بر اثر مبارزات آزادیخواهانه مردمانشان، در تونس، مصر و لیبی - که مورد مصر و لیبی کم رنگ و پر رنگ پشتوانه‌ی خارجی هم داشتند - از کاختهای استبداد رانده شدند، و در سوریه، یمن، بحرین مخالفتها با حاکمان مستبد به شکلی خونبار ادامه دارد. در اردن، مراکش، فلسطین، اسرائیل و... - حتا کم رنگتر از همه، نسیم تغییرات در عربستان سعودی نیز -، وزیدن گرفته است. قطار سونامی رهایی از جنگال دیکتاتوران و تغییرات دموکراتیک در ابعاد متفاوت در منطقه بر روی ریل‌های آزادیخواهی و دنیای بهتر، در حرکتند. در ایران نیز، افق مبارزات بیش از سه دهه، برای رهایی از یوغ دیکتاتوری اخوندی روشنتر از قبل به سوی سپیده صبح ره می پیماید. هرچند تغییرات جدید، در ایران در استانه انتخابات دهمین دوره‌ی ریاست جمهور در سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹)، آغاز شد. ولی بر اثر سرکوب شدید و نبود پشتوانه واقعی و جدی جامعه آزاد و تحول خواه - به شیوه‌ی امروزی - و بوجود نیامدن اویوزیسیون تاثیرگذار و پایدار برای تغییرات بنیادین در درون، به ثمر نرسید. ولی مبارزات ادامه دارد و تحولاتی بزرگی در راه است.

از سوی دیگر امروز ما در دنیایی زندگی میکنیم، که میتوان از راههای گوناگون ندهای حق طلبانه و آزادیخواهانه، مخصوصه‌ن فریادی مردمان و ملل تحت ستم را به گوش جهانیان و افکار عموم رساند. امروزه با استفاده از عملکردهای مثبت شورای حقوق بشر بین‌المللی، ماده و تبصره‌های شورای امنیت سازمان ملل و حثا ناتو با واکنشهای نظامی خود در رویاروی با حاکمان مستبد، برای نمونه در یوگسلاوی سابق، عراق، افغانستان و مورد اخیر لیبی، بساط ان دیکتاتورها برچیده شده و امکان برای تغییرات جدیدی که همه اقشار و طبقات مردم، به ویژه ملیت های تحت ستم را دربر میگیرد، فراهم شده و در ماهیت انها تغییراتی بوجود آمده است. همچنین گامهای مهم و عملی در راه حق تعیین سرنوشت انسانهای محروم از حقوق اساسی، برای زندگی بهتر آغاز شده است.

ولی تاریخ و سرنوشت مردم کورد در منطقهء خاورمیانه که با تقسیم آنها، یکبار در سال ۱۵۱۴ و دیگر بار در ۱۹۲۳، پیوسته در وضعیت اسفباری قرار داشته‌اند و در مسیر اسمیله (ذوب) شدن و انکار با آنان برخورد شده است. مبارزان راه آزادی این ملت-بیش از ۴۰ میلیونی کنونی-، پیوسته برای آزادی خود تلاشهای فراوانی نموده‌اند. کتاب «تاریخچهء کوتاهی از مبارزات خلق کورد»، تألیف و گردآورندهء زنده یاد دکتر صادق شرفکندی و گفتارها و نوشتارهای دیگر، گوشه‌هایی از فراز و فرودهای جنبشهای آزادیخواهی این ملت تحت ستم را بازگو نموده‌اند؛ که هر بار و در هر برهه‌ای از زمان با ترفندی، آزادیخواهان را سرکوب، رهبران آن را اعدام کرده یا در تبعید ناخواسته مدتهای طولانی از عمرشان را سپری نموده‌اند و اکثر اوقات به بهانهء «وحدت و تمامیت ارضی و مسئلهء داخلی»، حقوق ملت کورد را پایمال نموده‌اند!؟ کوردها که در میان کشورهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه عمده‌تن و حتا در شوروی سابق و جمهوریهای متفاوت و مستقل از روسیهء کنونی تقسیم شده‌اند!؟

دوستان!

بگذارید برای چند صباحی جایمان را عوض کنیم. شما اگر به جای ما بودید و ملت تان حدود ۵۰۰ سال در معرض تقسیم، نابودی و انکار هویتی، اجازه ندادن تدریس به زبان مادری و لباس پوشیدن ازادانهء محلی، جلوگیری از اجرای اداب و رسوم با احساس مستقل و هویتی ملی، قرار میداشتید، چکار میکردی؟ بدون شک مبارزه و مقاومتی دشوار، همه جانبه برای آزادی و تحقق خواسته‌های ملی تان را انجام میدادید. که خصلت هر ملت مبارز و حق انهاست-، ما نیز راه دراز و پرپیچ و خم مبارزات آزادیبخش را آغاز کردیم که هم اکنون نیز، در ابعادی وسیعتر از قبل و با همراهی احزاب، سازمانها و شخصیتهای مبارز جریان دارد.

با نظری گذرا به قرن بیستم در مورد به شکست کشاندن بیشتر تلاشهای آزادیخواهان و جنبشهای رهایی بخش ملت کورد، شاید برایتان بیشتر روشن شود و کوردها را بیشتر دریابید.

در سال ۱۹۱۸، حکومت شیخ محمود حفید-زنده یاد-، در ۱۹۲۰، اجرا نکردن بندهای ۶۲، ۶۳ و ۶۴، پیمان سیور-که تشکیل دولت کوردستان در آنها گنجانده شده بود-، در ۱۹۲۲، برای دومین بار حکومت کوردستان جنوبی توسط بریتانیا برچیده شد. در ۱۹۲۳، شمال، جنوب و غرب کوردستان میان، جمهوری تازه تأسیس ترکیه و کشورهای نوپدید عراق و سوریه، توسط انگلستان و فرانسه، دوباره تقسیم گردید. در ۱۹۳۲، جنبش (جمهوری) ارارت در بخشی از شمال کوردستان، توسط مصطفی کمال پاشا و رضا شاه ساقط گردید و ژنرال احسان نوری پاشا-رهبر جنبش، تحت الحفظ تا پایان زندگی-، در تهران نگاه داشته شد. در ۱۹۴۶، جمهوریهای کوردستان و ادربایجان قربانی جنگ سرد و منافع سر خرمن شورویها شدند. در ۱۹۷۵، جنبش بزرگ آزادیبخش در کوردستان عراق-به رهبری زنده یاد ملا مصطفی بارزانی-، توسط پهلوی دوم و صدام حسین-، از میان رفت. در طول مدت رژیم محمد رضا شاه و بیش از ۳۰ سال رژیم اسلامی ولایت فقهی کوردها و سایر ملیتهای موجود در ایران در معرض سرکوبی سبعانه قرار گرفته و میگیرند. در ۱۹۸۸ حلبچه، سردشت ۷ تیر ۱۳۶۶، زرده- از توابع کرمانشاه ۳ تیرماه ۱۳۶۷-و... بمباران شیمیایی گردیدند. دگر بار در ۱۹۹۹، با همکاری بین المللی برای ربودن عبدالله اوجالان-رهبر تأثیر گزارترین جنبش کورد در برابر سردمداران ترکیه-، انجام گرفت که تاکنون، ۱۲ سال است در حبس انفرادی در جزیره ی ایمرالی زندانی است.

این فهرست بخشی از اقدامات سرکوبگرانه ای است، که به آنها اشاره شده است. لیست تمامی سرکوبی های ملت کورد و خیزشهایش، رشته های درازی دارد که در جایی دیگر قابل بحث است. در اینجا پرسش این است که اگر ملت فارس چنین وضعیت تقسیم کردن و سرکوب شده و خونبار و بدون پشتیبان را داشت، شما به عنوان یک حزب مسئول و دارای سابقه تاریخی در این برهه از زمان، با وضعیت جدید پیش آمده که «مسئولیت حفاظت»، در سال ۲۰۰۵ در قطعنامه ای از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده را، مثبت ارزیابی نمی کردید؟ همچنین با توجه به اینکه تعریف جدید از «حاکمیت ملی»- که قبلن به حاکمیت مطلقه پادشاه و نظامهای زورمدار و

یکه‌تاز جمهوری هم اطلاق میشد. اکنون طوری تعریف میشود که حاکمیت ملی یعنی حاکمیت مردم. مردم هم به همه افراد شهروندان موجود در یک کشور با تنوع‌اتشان اطلاق میشود. که شامل کردها در کشورهایی که در آن تقسیم شده‌اند، متأسفانه مصداق پیدا نمی‌کند!؟

ما هم اکنون بیش از یک دهه از قرن بیست و یکم را پشت سر گذاشته‌ایم. از معاهدهء وستفالی - که مسئلهء دولت-ملت-، از محصول شوم آن بود - که برای ملت کورد بزرگترین مصیبت‌ها را به بار آورد- و جنگ سرد- که انهم اولین قربانیانش ملت اذری و کورد در رویدادهای ایران بودند-، گذشته است. هرچند برعکس نامه‌ی شما که نوشته‌اید: «در این اعلامیه از کشورهای قدرتمند خارجی تقاضا شده است به کمک مردم کرد بیایند تا کردها را از سلطه حکومت‌های مستبد آزاد کنند.» مدت ۲۰ سال است، «دخالت بشر دوستانه» ای که بر اساس قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل، بخشی از جنوب کوردستان در عراق در مدار امن ۳۶ درجه قرا گرفت و از سلطهء رژیم بعث خارج گردید را میبینیم و پس از سرنگونی رژیم صدام، تا کنون - علی‌رغم انواع نابسامانها، آثار شوم جنگ داخلی میان احزاب کورد، مداخله اشکار و پنهان، ایران، عراق، ترکیه و سوریه-، به دستاوردهای بزرگی نیز نایل آمده‌است.

با توجه به شکنندگی وضعیت کردها و توافق همیشگی حاکمان کشورهای سلطه‌گر بر آنها- آن کشورها علی‌رغم مخالفت‌هایشان در رابطه با سرکوب و پایمال کردن حقوق حقهء کردها، با هم پیمانهای نوشته و نانوشته‌ی فراوان دارند!؟-، بیانیء دفتر سیاسی حدک، حاکی از هوشیاری و رئالیسم سیاسی می باشد. چرا؟

چون اگر در فردای تغییرات در سوریه، ترکیه بازیگر اصلی و صحنه‌گردان پشتیبانی خارجی آن باشد، در اولین گام ملت کورد در انجا- که حتا از هویت شناسنامه‌ای کوردی نیز در رنجند-، حقوقش نادیده گرفته خواهد شد. همچنانکه در تشکیل اپوزیسیون و نشستهای آن در انتالیا و استانبول ترکیه در ترکیب شورای رهبری نادیده گرفته شده‌اند!؟

در ترکیه، در انتخابات نسبت‌ه‌ن آزادی که با اجازه‌ی حاکمیت این کشور برگزار شد،

اولین نماینده منتخب مردم در شهر دیاربکر (امید)، خطیب دجله- که به جرم دفاع از حقوق ملت خود زندانی شده-، به پارلمان راه داده نمیشود؟! در صورتی که خود رجب طیب اردغان پس از انتخابات سال ۲۰۰۲ که تا حدودی در آن مایه قرار داشت، برایش قانون عوض کردند و با تبصره‌ای، ابتدا از شهر سیرت، به پارلمان راه یافت- که فادل نامی را که کورد بود و منتخب مردم در سیرت با وجود مصونیت پارلمانی زندانی کردند و جای خالی او را با اردوغان پرکردند- و نخست وزیرش کردند؟! از طرفی دیگر اینهمه یورشهای خونین و ویرانگر که به سنگر آزادگان- در همهء فصول رزم (قنديل)-، انجام میگيرد؛ چگونه باید پایان یابد؟ وانگهی در فردای رویدادهای غیره منتظره- که در سیاست کم نیستند-، اگر مشکلات کورد در ترکیه، به طریقی حزب کارگران کوردستان (پ.کا.کا.) را نیز به دایره‌ی توافقات با دولت مرکزی سوق دهد؛ بهترین راه، نظارت نهادهای حقوق بشری بین‌المللی یا اتحادیهء اروپا، برای توافق و تضمین اجرایی و عملی، اطمینان بخش خواهد بود؟

اگر در حملات پی در پی نظامی که از سوی رژیم اسلامی ایران به جنوب کوردستان (کوردستان عراق) میشود، مخصوصه‌ن توپ و کاتیوشا بارانها- که بیشتر مواقع، انجام میگيرد تعدادی کشته و مجروح و بیش از ۸۰۰ خانوار را از خانه و کاشانه خود اواره کرده‌اند-، و حملات خونبار و ویرانگر ترکیه، که هم اکنون نیز هرازگاهی انجام میگیرند- و سازمان شما هم این اواخر آن را محکوم کرده و جای تشکر فراوان دارد، حملهء نظامی دیگری، به صورت گسترده و همه جانبه از طرف ایران برای اشغال و تحیملی جنگی دیگر برای نجات سوریه یا همکاری با آن- با توجه به تهدیدهای فشار اسد دیکتاتور-، یا دالان باز کردنی برای کمک به سرپا نگهداشتن، آن رژیم ادمکش و خونریز، صورت گیرد، چه وضعیتی برای کوردها پیش خواهد آمد و چکار بایستی بکنند؟ آیا در آن صورت غیر از مقاومت همهء کوردها و جنگی تمام عیار و ویرانگر راهی دیگری هست؟ در آن صورت جز استمداد از نیروهای بین‌المللی، برای حفظ دستاوردهای جنوب کوردستان و جلوگیری از کشتار و ویرانی راهی دیگر باقی میماند؟ در بوجود آمدن چنین سناریویی، دگر بار بیانیه‌ی حدک، منطق درستی خود را نشان میدهد. دوستان اتحاد فدائیان بگذارید گذر

زمان و رویدادها ، ائینه‌ی تمام نمای واقعیت‌ها باشند.

هم‌زمان!

زنده یاد دکتر قاسملو در مورد ملت کورد نوشته: «... ملت تجزیه شده‌ای را مشاهده میکنیم که در راه کسب آزادی مبارزه می‌کند. مرزهای چند کشور نیروی وی را تقسیم نموده است و در شرایط حساس و مهم با نیروی متحد این دولتها و حتا پاره‌ای دول دیگر نیز روبرو خواهد شد». - کتاب کوردستان و کورد ، دکتر قاسملو ، ترجمه طه عتیقی ، چاپ اول ، سوید ، ۱۹۹۶ ، صفحات ۲۹۰ و ۲۹۱. ایا این نوشته‌ان بزرگ سیاستمدار شهید راه صلح و آزادی را چگونه در میدانهای مین کنونی دشمنان ملت کورد ، میتوان تجزیه و تحلیل کرد. وضعیت بس دشوار کوردها و آزادی آنها از ریز یوغ مستبدین ، جز با «بین المللی کردن پشتیبانی از خواستههای کوردها» امکان پذیر نیست. البته پشتیبانی بین المللی به معنای لشکرکشی نظامی نیست.

ولی جای تعجب این است که کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ، نه تنها از این امر خطیر پشتیبانی نمی‌کند - که در صورت تحقق ، میلیونها انسان به آزادی و صلح ، سازندگی و پیشرفت سوق داده میشوند و در جهان متهدن و ازاد گامی مهم و سودمندی در تطبیق اعلامیه حقوق بشر خواهند داشت - ، متأسفانه اقدامی که هنوز مانند یک نظریه مطرح شده ، به ان برجسب «تجزیه طلبی» هم میزند؟! ایا این شرط دوستی و هم‌رزمی است؟

مسئله رژیم جمهوری اسلامی ایران و شباهتهای ایران و لیبی در قسمتی دیگر با شما درمیان گذاشته خواهد شد. به این امید که بتوانیم در آینده با توجه به خواستههای طرفین عزممان برای رزمی مشترک با صمیمیتی بیشتر ، همدیگر را دریابیم و به فضای تفاهم یاری رسانیم.

در این بیش از ۳۰ سالی که از موجودیت جمهوری اسلامی ایران میگذرد ، این رژیم با نگاه جهادی علیه مردم کورد و امنیتی تر کردن فضای زندگی عادی مردم کوردستان و علیه مطالبات آنان ، مخربترین وضعیت را برای زنان ، جوانان ، فعالان مدنی و اکثریت

مردم از همهء قشر و طبقات بوجود آورده است. به قول محسن سازگارا: در تهران ، اصفهان ، شیراز و... اگر کسی به جرمی ، ۴ تا ۵ سال زندان بیش بدهن ، ان فرد در کوردستان اعدام خواهد شد. - به نقل از گفتار روزانهء سازگارا. -

اینگونه برخورد کردن با مردم کوردستان ، پتانسیلی قوی و خصلت پیگیر در مبارزات آزادیخواهانه انانست که ستون فقرات ان پویندگی را ، احزاب و سازمانهای باسابقهء کوردستان که یکی از آنان حزب دموکرات کوردستان است ، تشکیل می دهند.

چگونه است که برای سلامتی انتخاباتها - محسوسه ن ریاست جمهوری - ، از سازمان ملل درخواست اعزام نمایندگان و خبرنگاران و رسانه های مستقل میشود ، چون امکان تقلب وجود دارد - کما اینکه شد - ، و درست هم هست ؛ ولی در مورد پایمال کردن حقوق یک ملیت بیش از ۴۰ میلیونی - از سوی حزبی که بیش از ۶۶ سال سابقهء مبارزاتی ، در یکی از بخشهای ان دارد - ، مطرح کردن «حق پشتیبانی بین المللی برای کوردها» را ازان دریغ میدارید؟! در صورتی که ما امروز در عصر «گلوبالیزیشن» و «مسئولیت حفاظت» بسر میبریم؟! اینگونه اندیشیدن به نظر من ، زیندهء کمیتهء مرکزی سازمان مبارزی چون اتحاد فدائیان خلق ایران نیست!؟

از طرفی دیگر در نوشتاری جدید در همین رابطه از آقای محمد اعظمی ، در عراق به وضعیت ویژهء کوردها در ان کشور که بر اثر رویدادهای سالهای ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ اشاره شده که صحت ایدهء دفتر سیاسی حدک را بیشتر اثبات میکند. او مینویسد: «در کردستان عراق وضعیت ویژه ای رخ داد. جریانات سیاسی با سابقه ، حضور قدرتمندی داشتند. به دلیل اینکه [در] کردستان منطقه پرواز ممنوع اعلام شد ، این منطقه روی جنگ ویرانی را به خود ندید.» - ۲۷ اکتبر ۲۰۱۱ ، سایت اخبار روز. -

درد واقعی ما این است که ما در ۳ بخش کوردستان (شمال ، شرق و غرب) ، هم اکنون از سوی حاکمان انان در معرض ظلم و ستم ویژه قرار داریم. - در بخش جنوبی هم مشکلات جدی وجود دارد - ، از همین روست که جلب حمایت بین المللی برای کوردها ضرورت بیشتری پیدا میکند.

قرار بود از شباهت های رژیم «جماهیری عربی سوسیالیستی مردمی» - به نقل از ویکی پدیا- ، لیبی سابق ، با رژیم جمهوری اسلامی ایران ، سخن بگویم. نقاط مشترک این دو به قول دکتر حسین باقرزاده ، چنین است:

۱- قذافی بعد از کودتا بر علیه «ادریس پادشاه» ، مدعی «نظامی جدید و طرحی نو در جهان بود. او نظر خود را در «کتاب سبز»ش تدوین کرده بود و اصرار عجیبی داشت که فلاسفه جهان را به چالش بکشد. قذافی بر اثر این ایدئولوژی ، نظام خاصی را در لیبی پیاده کرده بود ، بنام «جماهیری» که میگفت نظیر هیچ نظامی در دنیا نیست و در عین حال دموکرات ترین آنهاست. او حتا پرچم لیبی را تغییر داد تا با رژیم ایدئولوژیک او هم اهنگ شود.»- سایت ایران امروز ، اگوست ۲۰۱۱ (۲ شهریور ۱۳۹۰)-

جمهوری اسلامی هم خود را «ام القزای اسلامی» می نامد و اسلام فاندانانالیستی (بنیادگرایی) را هم در شکل ارباب و ترور تبلیغ میکند. این رژیم ضد مردمی و سرکوبگر نیز خود را «دموکرات ترین حکومت جهان» میداند. سخنان قبلی هاشمی رفسنجانی - ۳۰ مهر ۱۳۶۰ ، خطبه دوم نماز جمعه ، سایت پارسینه- و امروز ، سردار یحیا رحیم صفوی - مشاور نظامی ولی مطلقه دوم ، همین گفته را تکرار می کند. سایت روز.-

۲- ضد غربی- خصوصه ضد امریکایی- بودن. قزافی در میان مردم عرب و آفریقا ، دایم بر علیه غرب و در راس ان امریکا تبلیغ میکرد و جنجالی ترین فردی بود که در نشستهای گوناگون از «خطر غرب» سخن میگفت.

۹ ماه گذشته از موجودیت شوم جمهوری اسلامی نیز ، شماری از دانشجویان در اقدامی عجیب و ناباورانه خیز خطرناکی برداشتند و سفارت امریکا را اشغال کردند ، کارکنان آنان را گروگان گرفتند. ایت الله خمینی- ولی فقیه اول- ، انرا «انقلاب دوم» نامید. - ان گروگان گیری ۴۴۴ روز اتفاق افتاد و...-

احمدی نژاد- برکشیده ولی فقیه دوم و سپاه پاسداران- ، در نشستهای سازمان ملل ، هولوکاست را «دروغ» و فاجعه ۱۱ ی سپتامبر ۲۰۰۱ را «توطئه امریکا و صهیونیستها» قلمداد کرد و اصرار دارد «اسرائیل را از روی نقشه جهان حذف» شود. پارادیم آنان غرب

ستیزی و تهدیدات مستمر علیه غرب است.

۳- سردمداران لیبی بعد از عمل لاکربی و اثبات آن عمل کربه و تروریست شناخته شدن آنان در سطح بین‌المللی، چه هزینه و پولهایی صرف کردند تا خود را از تروریست بودن برهانند. اما در عمل طور دیگری رفتار کردند.

جمهوری اسلامی در بدو پیدایش خود، ترور مخالفانش را در دستور عملکرد خود در داخل و خارج قراه داد و به این عمل ضد انسانی با ترفندهای گوناگون دست زد. این رژیم در منطقه خاورمیانه، افریقا و امریکای لاتین گروههای بنیادگرای اسلامی و تروریستی را بوجود آورده تا عملیتهای تروریستی و تخریبی انجام داده، از واقعه انفجار مرکز یهودیان (امیا) در ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۴ (۲۷ تیر ۱۳۷۳)، بوئنوس ایرس ارژانتین گرفته، تا ترور رفیق بهاءالدین حریری-نخست وزیر سابق لبنان، در فوریه ۲۰۰۵-، و در این روزها کشف و خنثا کردن طرح ترور سفیر عربستان سعودی در امریکا-اکتبر ۲۰۱۱-، نمونه‌هایی از رویدادهای هستند که انگشت اتهام به‌سوی رژیم اسلامی ایران نشانه گرفته میشود.

پشتیبانی همه جانبه از حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین، انصارالاسلام و انصارالاسنه، جمعیت اسلامی و حیزب کتائب اسلامی در کوردستان جنوبی و شرقی (کوردستان عراق و ایران)، شماری از گروههای اسلامی در افغانستان و پاکستان؛ همکاری با القاعده و طالبان در مواردی، فهرست کوتاهی از عملکرد رژیم اسلامی حاکم بر ایران است. که در تبلیغ همه آنها، روزانه ترور و قتل و آدم کشی ترویج میشود.

در مورد ترورهای مخالفان رژیم ایران، -غیر از ترور و قتل‌های مشکوک که برجسته‌ترین آنها -قتلهای زنجیره‌ای در داخل ایران-، بود؛ در خارج از ایران نیز حدود ۲۸۰، فقره ترور دست زدند که همه ترورها جای بسی تأسف اند-، ولی با نگرشی واقع‌بینانه، معلوم میشود که سهم کوردها و دموکراتها و رهبران طراز اولشان در ترورهای خارج از کشور نیز از همه بیشتر است.

وانگهی تنها در یک مورد- که مجال بررسی و پیگیری ان میسر شد (جنایت میکونوس)-، تنها مکانی بود که همه باهم بودیم و با پافشاری مستقلانه قوه قضائیهی آلمان، بخصوص قاضی فریچوف کوبش -زنده یاد-، دادستان برنو بوست و رونالد جورج -دادستان کل آلمان، ویکی پدیا-، افشاگریهای مبارزان راه آزادی، پرویز دستمالچی و مهدی ابراهیم زاده- حاضران در نشست میکونوس در عین وقوع جنایت (جنایت مقدس)-، شاهدان دیگر و بویژه آقایان بنی صدر- اولین رئیس جمهور ایران- و ابولقاسم مصباحی (شاهد سی)- از مقامات پر اعتبار امنیتی سابق برون مرزی رژیم اسلامی ایران-، دست به دست هم داده و تروریسم دولتی جمهوری اسلامی را با پیگیری ۵ ساله، با هزینه مالی کلان دولت آلمان (۹ میلیون فرانک) به اثبات رساندند. ان محکومیت سران طراز اول رژیم، هم اکنون در صورت پیگیری میتواند در شورای امنست سازمان ملل، نمونه ای قابل قبول جنایت علیه بشریت به حساب آید.

۴- سرکوب کردن مردم و با استفاده از امکانات فراوان دولت لیبی بعد از به قدرت رسیدن قذافی و همفکرانش در طول بیش از ۴ دهه ی موجودیتش و بخصوص در اعتراضات ۷ ماه پیش مردم ناراضی در لیبی، قذافی- به تاریخ پیوسته- که مردم را «موشهای کثیف» نامید؛ با محتوای ادعای مردمی بودن پیشین آنان، ناهمخوانی داشت.

در ایران نیز، رهبر نظام اسلامی (سید علی خامنه ای)، معترضان به تقلب انتخابات (کودتا علیه رای مردم) در انتخابات ۸۸ را «فتنه» نامید و احمدی نژاد- با تقلب و کودتا «رئیس جمهور» شده-، مردم ناراضی را «خس و خاشاک» خواند. جالب این است که با انهمه دروغ پردازی و سناریو سازی برای نتیجه انتخابات (۲۰۰۹) ۱۳۸۸ ریاست جمهوری، از ترس مردم برای شرکت در انتخاباتی دیگر و درخواست نظارت بین المللی، از طرفی و در مقام «تدارکچی» قرار نگرفتن احمدی نژاد- با اینهمه جنجال- از طرفی دیگر، در نظر دارند پست ریاست جمهوری را حذف نمایند!؟

از دگر سو، کاربدستان رژیم اسلامی که بیش از ۳۰ بار محکومیت محافل و مجامع

حقوق بشری را در کارنامه نقض حقوق بشری خود دارند- که در این مورد هم با توجه حالت فوق العاده اعلام نشده در کوردستان ، بیشترین اعدامها و کشتار روزانه کولباران مرزی را انجام میدهند- ، چگونه باید از کشتار روزانه مردم کورد جلوگیری کرد؟!

۵- متکی به درآمد نفت. رژیم به تاریخ پیوسته قذافی که یکی از صادر کنندگان مهم نفت در جهان محسوب میشد ، بیشتر امکانات خود را در راه تقویت مبارزه با «دشمنان خیالی» و فلسطین محوری قرار میداد و بیشترین سهم را در اختیار نظامیان قرار داده بود و برای شکوفایی اقتصادی کشور خود و توزیع عادلانه ثروت اقدامی پایه‌ای و با ثبات با توجه به ستانداردهای نسبی معمول حکومت‌های مردمی در جهان انجام نمیداد. چارچوب نظام قبیله‌ای را هم برای سلطه هرچه بیشتر نگه داشته بود. آنان وحشت و ارباب ، حذف و کشتار را در کارنامه قطور خود دارند.

در جمهوری اسلامی نیز فلسطین محوری جزو سیاست‌های اصلی رژیم در خاورمیانه بوده است . سلاح نفت و گاز در اختیار نظامیان قرار گرفته تا با پروژهای گوناگون نظامی و مهمترین آنها ، برنامه‌های اتمی و کمک «عبدالقادر خان» ی - که به رژیم لیبی و ایران بطور همزمان- ، در پروژه و ساخت بمب اتمی ، کمک میکرد- ، فاجعه افرینی میلیونی مردم را در دستور کار خود قرار داده و قصد دارد اژانس بین‌المللی را دور بزند و با ساخت بمب اتمی ، کره شمالی گونه ، به وجود تحمیلی و ضد مردمی خود ادامه دهد؟! قراردادهای میلیونی و میلیارد دلاری با قرارگاه خاتم الانبیا یکی از سندهای گویا این وضعیت است.

پس با این خصایص همسان این دو رژیم توتالتر ، موقعیت ایران از جهاتی مهمتر از لیبی نیز هست ، که یکی از ان ، چند ملیتی بودن ایران است و مطالبات بیش از سه دهه انباشته و مللی سرکوب شده‌ای که میتوان در صورت وقوع هر رویدادی ، لیبیایزه بودن ایران را ، بدنبال داشته باشد.

اگر چنین حالت مفروضی بوقوع بپیوندد ، ملت کورد به یاری احزاب خود- که ریشه‌ای عمیق در میان مردم دارند و خود را مسئول رهایی مردمشان از چنگال استبداد مذهبی

در ایران میدانند-، غیر از تلاش برای جلب پشتیبانی بین المللی برای جلوگیری از کشتار و خونریزی مردم کورد و شاید ملل تحت ستم دیگر در ایران راهی دیگر باقی نماند؟! چون متأسفانه در هر چهار کشوری که کورد در میانشان تقسیم شده هر کدام به شکلی از ظلم هایی رنج میبرند، که راهی جز استمداد بین المللی برای پشتیبانی از این ملت بزرگ سرکوب شده برای آزادی در دنیای پیچیده کنونی میسر نیست. پس به قول نویسند بزرگ محمود دولت آبادی «ما نیز مردمی هستیم».

درست ترین راه شما مبارزان راه آزادی، احترام به نظریه حدک و همراهی با ان در این ایده است که «کوردها حق دارند از پشتیبانی بین المللی برخوردار گردند». نه مخالفت با ان و همسو با دشمنان همگی مان؟!؟

پاسخی به کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

عزت پیرانی

ایران از لحاظ تاریخی و در مقطع حساس و خطرناکی قرار گرفته است ، از یک سو با حکومت‌های گذشته با توسل به زور و خشونت و افکار ارتجاعی و همچنین از دست دادن ثروتهای ملی و بدون پایگاه مردمی سعی در ادامهٔ بقا خود دارد ، از سوی دیگر جهانی که عرصهٔ تاخت و تاز بین المللی شده است و عملاً جز معیار توازن قدرت هیچ معیار دیگری تنظیم کنندهٔ روابط بین دول و به تبع آن ملل نیست در این میان اپوزیسیونی که با همهٔ فدا کاریهای گذشته تلفات دادنها و حماسه افرین ها از مشکلات عدیدی رنج می برد ، مشکلاتی که نه چند تا هستند چشم اندازی روشن حداقل در آینده نزدیک برای اتحاد عمل وجود ندارد .

آنچه در این میان بسیار مهم به نظر می رسد دوراندیشی رهبران اپوزیسیون در تشخیص اولویتهای و به طریق اولی منافع ملی است ، هر چند بر سر تعریف منافع ملی هم وحدت نظری وجود ندارد. متأسفانه باید اذعان داشت یکی از موارد رنج اوری که پیشتر از آن یاد شد ، همین نکته است که کسانی که داعیهٔ رهبری یک جریان سیاسی و یا روشنفکری

را دارند ، طبیعتاً باید از حداقل اطلاعات در حوزه های مختلف بر خوردار باشند ، ولی متأسفانه اینگونه نیست ، شاید تصور عده ای این باشد که با لیست کردن گروهی تحت عنوان روستنفرک چند کتاب مارکسیستی خوانده و چهار مقاله نوشته می تواند ادعا کرد به یک جریان سیاسی دارای رهبر فرهیخته در تشخیص و مدیریت یک راهبرد سیاسی است . کنار نشستن یا به جنبش های مردم تنها بدلیل استفاده هایی که امریکا و اروپا و سایر کشورهای صاحب منافع در منطقه در این میان می برند ، با سوظن نگاه کردن آقایان سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و بد تراز هم ، همصدا با جمهوری اسلامی تنها علیه امریکا و اسرائیل در منطقه شعار داد نه تنها عملی در خدمت مردم ایران و منطقه و برقراری آزادی برای مردم ایران نیست ، بلکه کورکورانه در خدمت دیکتاتورهای منطقه قرار گرفته اند.

آقایان سازمان فدائیان خلق ایران تردید نیست که ادامه این جنبش ها نقشهء منطقه را دگرگون خواهد کرد و منطقه ای جدید با جغرافیای و قانون جدیدی را بوجود خواهند آورد و مطمئناً امریکا و کشورهای غربی در آن منفعی برای خود خواهند داشت ، ولی در عین حال روشن است که فروپاشی دیکتاتورهای حاضر در منطقه فضا را برای پیش برد مردم ازادیخواه در برقراری آزادی و دموکراسی در منطقه آماده می کند . معمر قذافی را در هم شکستند و پائین کشیدند ، مردم تمام شهرهای لیبی را در دست خود گرفتند ، کشور لیبی و کشورهای دیگر مانند مصر و تونس نوعی به سوی آزادی پیش می روند . آیا معنی دارد به دنبال هدف های جمهوری اسلامی تنها در منطقه شعار مرگ بر امریکا بدهند ! و امروزه معنی ندارد تا با شعاری شبیه که امریکا می خواهد پای خود و اسرائیل را در منطقه بیشنر باز نماید از مبارزه خونین و با استقامت مردم ازادیخواه سوریه دفاع نکنیم ؟ و در خدمت هدف های رژیم جمهوری اسلامی در حفظ بشار اسد دیکتاتور سوریه در آید . آقایان کومیتة مرکزی اتحاد فدائیان خلق ایران ، عنوان کرده اند که خواست حقوق ملی کردها دموکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان شناخته شده است . رهبر جانباخته دکتر قاسملو حل مسئلهء کرد را درچار چوب ایران آزاد و دموکراتیک عملی

دانست ، حزب دمکرات کردستان با خواست ملی حزب دمکرات کردستان ایران در زمان دکتر قاسملو خیلی فاصله دارد . اگر زنده یاد ، شهید دکتر قاسملو در حیات می بود مسلماً قبول کنید با توجه به شرایط و اوضاع دنیای مدرن و پیش رفته امروزی ، دیدگاه دکتر قاسملو به نسبت حقوق ملی مردم کردستان در ایران به مراتب خیلی ار خودمختاری و فدرالی بالاتر بود .

اگر قرار باشد ملیتها حالا داخل جغرافیای ایران در فکر درست کردن سیستمی هم پیمان باشند این سیستم نباید برای ملت کرد با زور باشد ، بلکه باید بر مبنای دل به خواست و رای و فراندوم در کردستان حل بشود . ما نمی دانیم که آینده ایران به کجا خواهد رسید . ایران هنوز در بند یک دولت دیکتاتور تئوکراسی جمهوری اسلامی هست ، حقیقت این است که در این عصر زمان دولت مرکزی باید حق تعیین سرنوشت که حقی است طبیعی باید برای هر ملتی به رسمیت شناخته شود ، این ملت به دلیل سابقه طولانی مبارزاتی و تاریخی در جهت کسب حقوق ملی و حق تعیین سرنوشت خویش در تمام دورانش بیش از سایر ملیتها مورد سرکوب و کشتار قرار گرفته است . ناسیونالیستهای افراطی فارس ، ملت کرد را مردم تجزیه طلب و غیرقابل اعتماد معرفی کرده اند ، در نظام رژیم ایران همیشه قانون زور حاکم بوده از طریق نیروهای نظامی و انتظامی اجرا شده و قانون خشونت را به کار برده اند .

اقایان فدائیان خلق ایران ، ابرهای سیاه جنگ و ویرانی به آسمان ایران نزدیک شده اند ، حالا دیگر تنها خبر گزاریها تهدیدهای غیر مستقیم مقامات امریکا ، اروپا و اسرائیل را منتشر نمی کنند و یا دولت ها کشورهای کوچک خلیج فارس و همسایگان ایران در انتظار ان نیستند ، بلکه در خود ایران ونه از زبان اصلاح طلبانی که تا کنون نسبت به این خطر هشدار داده اند ، بلکه به تدریج از جانب به اصطلاح اصولگرایان نیز این خطر مطرح می شود . حاکمان رژیم اسلامی بدرستی نگران نتیجه ان توهماتی هستند ، اکنون یک کانون تبلیغاتی عظیمی جنگ در کشور ایران وجود دارد و ایران باید در انتظار چه حوادثی باشد .

بلاخره کردها حق دارند خواهان برخورداری از
حمایت جامعه‌ی جهانی گردند یا نه؟!
پاسخی به یک هموطن.

ناصر ایرانی‌پور

توضیح:

یکی از هم‌میهنانمان به نام آقای مجید سیادت بر این ناچیز منت گذاشته و در سایت رسمی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران پاسخی به نوشته‌ای که این جانب تحت عنوان «پاسخی شخصی به پرسشهای سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران از حزب دمکرات کردستان» منتشر نموده بودم، داده‌اند تحت عنوان «چند کلامی بایک هموطن»، که بنده نیز پاسخ به وی را به شرح ذیل در اختیار علاقمندان قرار می‌دهم.

بحث از اینجا آغاز گشته که حزب دمکرات کردستان در بیانیه‌ای تحت عنوان «کردها حق دارند خواهان برخورداری حمایت جامعه‌ی جهانی گردند» از جامعه‌ی بین‌المللی و شورای امنیت سازمان ملل متحد خواسته که همانند مورد لیبی و قطعنامه‌ی ۱۷۹۳ شورای امنیت که برای صیانت از مردم لیبی به تصویب رسید، یک چتر حمایتی و حفاظتی برای درامان ماندن مردم کردستان نیز در مقابل یورشهای پیگیر و همگام

حکومت‌های منطقه ایجاد نمایند. در این بیانیه اشاره‌ی تاریخی چند جمله‌ای نیز به رنج دیرین و تقسیم کردستان توسط امپراطوریه‌ها شده است. این دو خشم و موضع‌گیری منفی محافل ناسیونالیستی، ارگان‌های حکومت اسلامی، کمونیست‌های افراطی و همچنین سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران را برانگیخته است، مبنی بر اینکه گویا بیانیه‌ی حزب دمکرات کردستان دعوت از امریکا برای دخالت نظامی در ایران و جدایی‌طلبی از ایران بوده است. این درحالیست که در بیانیه‌ی مورد نظر نه بطور مشخص و منفک سخنی از ایران در میان بوده، نه از مطالبه‌ی استقلال کردستان، نه از دخالت نظامی و نه اساساً خطاب به امریکا نوشته شده است.

بنده نیز در مطلب مورد اشاره‌ی آقای مجید سیادت پرسشهایی را مطرح کرده بودم که بخشا پاسخ نگرفته‌اند و انجا نیز که پاسخ داده شده‌اند،

- در تناقض با عرایض بنده نبوده‌اند،
- اتفاقاً در تضاد با بخشی از گفته‌های خود وی قرار داشته‌اند و
- به‌ناحق اصرار بر این گردیده حرف‌های نگفته به بنده منتسب گردند! برای نمونه باز در مورد وحدت دوباره‌ی ملت کرد و تشکیل دولت کردستان صحبت گردیده که صرف نظر از ضرورت و درستی یا نادرستی آن نه کلام بنده بوده و نه حزب دمکرات کردستان. و یا باز بطور ضمنی از این سخن به میان آمده که گویا بنده «دعوت به دخالت نظامی» (!) نموده‌ام که با حقیقت همخوانی زیادی ندارد.

و اما این پرسش اصلی که آیا بالاخره کردها حق دارند در مقابل یورش‌های حکومت‌هایی که در ضدیت با کردستان اتفاق عمل و نظر دارند و به خشونت لجام‌گسیخته روی می‌آورند، خواهان برخورداری از حمایت جامعه‌ی جهانی گردند یا نه، پاسخ نگرفته است.

حرف بنده: دخالت نظامی در ایران مطلقاً بحث و مورد نظر حزب دمکرات کردستان و بنده نبوده است، اما

- اگر روزی کردستان ناچار شد به دلایلی مثلاً برای دفع حملات دولتهایی چون

ایران و ترکیه درخواست حمایت بین‌المللی، از جمله نظامی نمود، این امری بجا خواهد بود (مانند ایجاد منطقه‌ی حفاظتی در شمال عراق)،

- اگر روزی رژیم خواست یک قیام سراسری مردم میهن‌مان را با استفاده از ابزار نظامی سرکوب کند، خواست حمایت بین‌المللی از جمله نظامی باز بجا خواهد بود (مانند مورد لیبی)،

- اگر روزی خارج از اراده‌ی من با جنگ‌افروزیهای ممتد رژیم، برای جلوگیری از دستیابی رژیم اسلامی به سلاح اتمی و یا بخاطر حمایت‌های وسیع این رژیم از تروریسم بین‌المللی جنگی بین غرب و حکومت خشونت‌پرور ایران روی داد (همانند رژیم طالبان)، در جبهه‌ی رژیم با عرق ملی واپسگرایانه سینه چاک نخواهم کرد و چه بسا از آن نزاع در صورت فراهم‌بودن شرایط لازم بهره‌گیرم، بخشی از میهنم را ازاد کنم.

این کلام صریح، واکنش منفی و دماغ‌گزیک بخشی از طرف‌ها را برانگیخت. حال پرسش این است که منشاء این مخالفت‌ها و بخشا خصومت‌ها کجاست:

یک) بخش زیادی از این موضع‌گیری مشابه طرف‌های متفاوت و متخاصم از یک اندیشه‌ی به نظر من مشترک سرچشمه می‌گیرد، اندیشه‌ای که بر شالوده‌ی

الف) «ناسیونالیسم» ناسالم و

ب) غرب‌ستیزی ناسالم و

پ) مرکزگرایی ویرانگر سیاسی و قومی قرار دارد. اینان هنوز این حق را برای جنبش کردستان قائل نیستند که قائم به ذات حرکت کند، تصمیم‌گیرد، سیاست اتخاذ کند، از مجامع بین‌المللی خواهان یاری برای درآمان‌ماندن از سرکوب‌خشن حکومت‌های حاکم بر کشورهای منطقه گردد. آنها آگاهانه یا ناآگاهانه کردستان را فرع و یدک به حساب می‌آورند، همان مکانیسم فکری که ساختار دولتی ایران بر آن قرار گرفته است و قریب هفت دهه است از سوی کردستان مورد چالش قرار گرفته است.

با این دسته جز مبارزه‌ی فکری و اثبات ناموثق بودن ادعاهایشان و ناموجه‌بودن

استنتاجاتشان نمی‌توان کرد.

دو) اما دسته‌ای از منتقدین نیز نیروهای سیاسی مردمی و مدافع حقوق مردم ستم‌دیده و حق تعیین سرنوشت هستند. داوری منفی آنها نه از سر سوء نیت که

الف) بخشا از سوء تفاهم و

ب) از ادبیات و اولویتها و منظرگاههای متفاوت ، اما نه متضاد ،

پ) بخشا نیز از دیدگاههای متفاوت سیاسی نشأت می‌گیرد که محتملا بطور واقع وجود دارند ، اما در چهارچوب مقتضیات دموکراسی قابل قبول هستند و به هر حال فاجعه نیستند.

شایسته است که با این گروه دیالوگ صمیمانه ، اما صریحی برای رفع ابهامات و شبهات و روشن شدن تفاوت‌های احتمالی موجود در جریان باشد. به هر حال من جریانات فدائی را خارج از این یا آن موضع متفاوتشان و انتقاداتی که بر آنها وارد می‌دانم را نه تنها دشمن جنبش کردستان محسوب نمی‌نمایم ، بلکه فراتر از آن ، آنها را در جبهه‌ی سیاسی خود قلمداد می‌نمایم و خواهان همیاری و همبستگی و هم‌فکری و هم‌دلی بیشتر با آنها نیز هستم. بحث من با سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و با این هموطن عزیز بر این درک استوار است.

و اکنون پس از این مقدمه و معرفی نه چندان کوتاه
پاسخ بنده به این عزیز هم‌میهن:

اقای مجید سیادت ، هموطن گرامی ،

با درود به شما و سپاس از اینکه مطلب این ناچیز را مورد عنایت قرار داده‌اید ، چند نکته‌ای را در شمایل پاسخ به استحضار شما می‌رسانم:

۱. حقیقت امر این است که بخشا متوجه نشدم که تفاوت و تعارض دیدگاه شما با بنده در کجاست. تا جایی که بحث. برای نمونه. به حق تعیین سرنوشت خلقها برمی‌گردد ، نه تنها با هم هم‌عقیده‌ایم ، بلکه صراحت و شفافیت کلام شما بسی بیشتر از

آنچه است که من گفته‌ام (یاد توصیه‌ی لنین افتادم که می‌گفت تکیه کلام کمونیستها و انقلابیون روس باید پذیرش حق جدایی و تشکیل حاکمیت مستقل خلقهای غیر روس روسیه باشد و کمونیستها و انقلابیون این خلقها نیز باید بر ماندن در چهارچوب روسیه تأکید ورزند. تنها در چنین صورتی است که نزدیکی واقعی بین این خلقها بوجود خواهد آمد). بنده نیز از حق جدایی کردستان به لحاظ اصولی دفاع می‌کنم، اما بهره‌گیری از این حق و اجرایی کردن آن را در هر شرایطی به سود مردم کردستان نمی‌دانم. از این گذشته خود میل دارم به دلایل فراوان با شما و مردم ایران در خانه‌ی مشترکی که امروز «ایران» نام دارد، زندگی کنم. به‌ویژه یک ایران دمکراتیک و فدرال را به یک کردستان مستقل، اما غیردمکراتیک ترجیح می‌دهم. به لحاظ تباری ایران سرای من است. تمام هم و تلاش من معطوف به این است که این سرزمین به لحاظ سیاسی و حقوقی نیز به من تعلق داشته باشد. بنده همواره گفته‌ام و اینجا نیز خدمت شما عرض می‌کنم، تصمیم در مورد جدایی کردستان را در نهایت نه مردم کردستان، بلکه نیروهای خواهند گرفت که در ایران متولی نخست سیاست خواهند بود و مشارکت دمکراتیک مردم کرد در تعیین سرنوشت خود (کردستان) و کشورش (ایران) را ناممکن گردانند. اما تا جایی که به من برمی‌گردد، چنانچه حق انتخاب داشته باشم، این گزینه‌ی ارجح من نخواهد بود. ایا ناشفافیتی در این کلام، نادرستی در این موضع ملاحظه می‌کنید؟ تصور می‌کنم، دست کم امیدوارم، در اینجا اختلافی نداشته باشیم.

۲. هم‌وطن عزیز، شما ابراز امیدواری کرده‌اید که راهی واقع‌بینانه برای دستیابی به همگرایی بخشهای کردستان یافت شود. خیلی از لطفتان ممنون. ولی عزیز من، من حتی این را نیز نگفته‌ام و با این وصف در معرض اتهاماتی ضمنی قرار داشته‌ام. دکتر قاسملوی فکور بیش از چهار دهه پیش، حتی پیش از اینکه اتحادیه‌ی اروپا در کیفیت و کمیت امروزی اش وجود داشته باشد، نوعی فدراسیون و انتگراسیون برای منطقه‌ی خاورمیان توصیه و پیشبینی نموده بود که در ضمن حفظ حاکمیت کشورهای این منطقه مرزهای جغرافیایی اهمیت و یا نقش جداکننده و تقسیم‌کننده‌ی کنونی خود را از دست بدهند. این همان چیزی است که شما نیز به درستی به آن اشاره کرده‌اید. اگر

شما این حرف را بگوئید این مشکلی ایجاد نمی‌کند، اما اگر من همین را رقیق‌تر نیز طرح کنم، باز افسانه‌ی جدایی‌طلبی به ذهن برخی خطوط می‌کند و «دام بزرگش» می‌نامند! ایا دیده شده که ما در مورد پیاز و سیب‌زمینی هم صحبت کنیم، با بحث «جدایی‌طلبی» و «توطئه‌ی بیگانگان» روبرو نشویم؟!

۳. آقای سیادت، هم‌وطن گرامی‌ام، قدری انصاف داشته باشید: آخر کی من از امریکا دعوت کرده‌ام در ایران دخالت نظامی کند؟! حق نبود که شما برای مستدل ساختن ادعایتان نقل قولی ناقابل از بنده بیاورید؟! واقعیت امر این است که امریکا اگر مصالحش ایجاب کند، دخالت می‌کند، دیگر مخالفت من تأثیری در آن نخواهد داشت. برعکسش هم صادق است: اگر مصالحش ایجاب نکند، چنین دخالتی صورت نخواهد گرفت، دیگر دعوت بنده نیز تأثیری بر آن نخواهد داشت. بحث ما، اما، چیز کاملاً دیگری است: بنده می‌گویم اگر خارج از اراده‌ی من جنگی بین ایران و امریکا روی دهد، بنده از موضع «ضدامپریالیستی» و «ناسیونالیسم» ارتجاعی به جبهه‌ی رژیم اسلامی ایران نخواهم خزید و چه بسا از آن بهره خواهیم گرفت، بخشهایی از ایران و کردستان را نیز از زیر سلطه‌ی رژیم ایران رها سازم. همچنین سناریوهای دیگر نیز قابل تصورند: خیزشی بزرگ در ایران بوقوع می‌پیوندد و رژیم ایران همانند رژیم سوریه و قذافی می‌خواهد آن را با کشتار مردم سرکوب نماید. اگر در چنین حالتی مثلاً شورای امنیت سازمان ملل تصمیم به اقداماتی نظامی بر علیه حکومت ایران گرفت، اشتباه محض می‌دانم با آن مخالفت ورزید. اگر هم خود رژیم ایران جنگی برافروخت، باز این جنگ رژیم است و نه من. به هر حال به آن کمک نخواهم کرد. این کل کلام بنده است. شما می‌توانید با آن موافق باشید یا مخالف، اما تحریف آن شرط انصاف نیست!

۴. اری درست می‌گوئید کارد به استخوانمان رسیده است. می‌دانید که رژیم ایران از هیچ جنایتی بر علیه مردم کردستان دریغ نکرده است؛ هنوز دیوار صوتی شکستن هواپیماهای اف ۱۴ آمریکایی رژیم ضدآمریکایی ایران بر آسمان شهرم را فراموش نکرده‌ام، توپ‌باران و خمپاره‌باران چندین روزه‌ی شهرم توسط حکومت الهی و لت و بار شدن مردم بی‌دفاع و مدنی شهرم از جمله فک و فایلم را فراموش نکرده‌ام، اعدام دوستان و هم‌بازیها

و هم‌کلاسی‌هایم را فراموش نکرده‌ام ، ترور رهبران فرهیخته‌ام هنگام مذاکره با این رژیم شاید در وین و هنگام مشاوره با رفقای شما در برلین را فراموش نکرده‌ام ، مسموم کردن غذای اردوگاه‌های احزاب کردستان و شکنجه و اعدام و ترور تعداد بیشماری از هواداران و اعضای آنها را فراموش نکرده‌ام ، تبعیضات بیشمار سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی بر مردم را فراموش نکرده‌ام ، ... تحت چنین شرایطی حق بدیهی خود می‌دانم از خلاصی از شر چنین رژیمی با تنها زبانی که می‌فهمد ناخرسند نباشم. اری ، رژیمی که حق زندگی از هزاران انسان شریف در زندانهای ایران را ستاند ، حق زندگی ندارد.

۵. کدام رژیم را دیده‌اید که پس از به قول شما «دخالت نظامی» آمریکا بر سر کار آمده باشد و چنین وسیع‌نخبگان مدنی و سیاسی خود را جینوساید کرده باشد؟ دگران‌دیشان را در خانه‌هایشان تکه‌تکه کرده باشد؟ چنین راحت فرزادها و شیرین‌ها و فرهادها و نداها را بکشد؟ نه هموطن عزیزم ، برای نظر شما احترام قائلم ، اما هیچ نگرانی از سرنوشتی چنین رژیمی ندارم ، رژیمی که منشأ شر نه تنها در ایران ، بلکه در منطقه و جهان است. اگر واقعا ضدامپریالیست هستیم ، باید با چنین رژیمی درافتاد ، چه که این رژیم بیشترین شاخصهای یک نظام میلیتاریستی .امپریالیستی را در خود جمع کرده است و می‌رود چون فاشیسم دهه‌ی چهل جنگی همه‌گیر را به بشریت تحمیل کند. حتی چنانچه این رهایی به کمک مجامع بین‌المللی و شورای امنیت و خود آمریکا به ویژه بر بستر یک جنبش عملاً موجود ممکن گردد ، از آن پشتیبانی خواهیم کرد ، چون مردم ایران جز حکومت امام زمان احمدی‌نژاد چیزی برای از دست دادن ندارند.

۶. به تصور من شما تفاوتی بین حمله به حکومت «جمهوری» اسلامی ایران و ایران قائل نیستید ، بنده قائلم.

۷. شما از «میلیونها کشته» (!!) در عراق سخن رانده‌اید ، نمی‌دانم این امار شما از کجاست. اما توصیه‌ی من به شما این است که تفحصی در مورد تعداد کشته‌هایی که مردم شیعه و مردم کردستان عراق زیر چکمه‌های حکومت مستقل و ضدامریکایی صدام داشته‌اند ، داشته باشید. تازه شما تصور می‌کنید امروز چه نیروهایی در عراق با

حکومت حاضر در جنگ مسلحانه هستند و مردم را کشتار می‌کند؟ آیا این نیروهای مبارز و انقلابی و انسانهای شریفی از سنخ شما هستند؟ خیر؛ مرتجع‌ترین و قشری‌ترین نیروهای مذهبی و ناسیونالیستهای شوونیست هستند با آن در تضاد و جنگند. یقین داشته باشید اگر حکومت مطلوب شما و من هم در آن خطه و یا فردا در ایران حاکمیت را در دست گیرد، نیروهای مشابه حکومت را با ترور و اشاعه‌ی رعب و وحشت به چالش خواهند کشید. نمونه‌های کمی در تاریخ نداشته‌ایم. بنابراین این به نفس حمله‌ی حکومت امریکا به حکومت صدام برنمی‌گردد، بلکه به خلأی که فقدان دیکتاتوری و فضای بالنسبه باز ایجاد کرده برمی‌گردد و از آن طرفداران دیکتاتوری و ارتجاع مذهبی بهره می‌گیرند.

۸. شما و برخی از دوستان به تلفات و ضایعات احتمالی که چنین نزاعهایی در پی دارند، اشاره داشته‌اید و اینکه گویا این گزینه منجر به دیکتاتوری خواهد شد. اولاً اینکه تلفات و ضایعاتی که سلطه‌ی دیکتاتورهایی چون صدام و بشار اسد و قذافی و حکومت اسلامی تاکنون برای این مردم در پی داشته‌اند، در نظر گرفته نمی‌شوند. دوماً اینکه چنین تلفاتی در صورت سرنگونی قهرامیز حکومت‌های دیکتاتور ناگزیر نیستند، چه بسا بسیاری از کشورها داشته‌ایم که توسط حمله‌ی نظامی از خارج‌رهایی یافته‌اند، بدون اینکه بعد از آن چنین تلفاتی داشته باشیم و حتی بدون اینکه این «دخالت‌ها الزاماً به دیکتاتوری نیز منجر شده باشند. به عقیده‌ی من جنبش دموکراسی‌خواهی میهن‌مان آن قدرها نیرومند است که پس از چنین نزاعی حکومت دست‌اندرداران استبداد نیافتاد، همانطور که در اروپا و ژاپن پس از رهایی از فاشیسم نیافتاد. این قدر به خود و نیروی مردم بی‌اعتماد نباشیم. وانگهی مگر انقلاب‌های مردمی و غیرقهرامیز نیز به دیکتاتوری نیانجامیده‌اند؟! نمونه‌ی انقلاب ۵۷ کشورمان و حکومت پس از آن حی و حاضر جلویمان است. برعکس: چند انقلاب مدنی می‌شناسید که منجر به دیکتاتوری نشده باشد؟ حداقل دو نمونه‌ی آن را در سده‌ی پیش در میهن خود تجربه کرده‌ایم.

۹. شما حرف بنده را تایید می‌فرمائید که می‌گوییم باید از شکاف‌های امریکا و حکومت اسلامی استفاده کرد. اما بلافاصله می‌گوئید که بنده در مورد امریکا توهم

دارم! خیر قربان ، چنین نیست . باور کنید در مورد امریکا هیچ توهمی در کار نیست . ضرباتی که این کشور متوجه جنبش کرد . ان هم در همه ی بخشهای ان کرده است . به این ساده گی ها فراموش شدنی نیستند . رژیم شاه بدون امریکا اب هم نمی خورد ، اعدام قاضی محمد و یارانش و سرکوب جنبش حق طلبانه ی کردستان در اواسط دهه ی چهل میلادی سده ی پیش ، خیانت به جنبش ملی کردستان عراق که منجر به قرارداد ننگین الجزایر شد ، همراهی با دولت ترکیه در کشتار مبارزان کردستان ان خطه ، چشم پوشی بر توپباران همین الان کردستان عراق توسط سپاه پاسداران ، چشم پوشی بر این همه جنایاتی که رژیم صدام و اسد در حق مردم کردستان انجام داده اند ... نشان داده اند که امریکا همواره دنبال مصالح خود بوده است و این مصالح بسیاری از مقاطع حساس تاریخی در تضاد با مصالح مردم کردستان قرار داشته اند . در همین رویدادهای سوریه هیئتی از احزاب متحد کردستان سوریه به امریکا سفر می کنند . می دانید امریکا چه به انها گفته است ؟ بسیار با صراحت گفته که شما را تنها در چهارچوب «اخوان المسلمین» به رسمیت می شناسیم و می پذیریم . بی شرمی از این واضح تر ؟ همین اکنون در عراق نیز در بخشی از مهمترین مناقشه ها جانب طرفهای مذهبی و ناسیونالیستی عراق را گرفته است . در بمباران شیمیایی حلبجه نیز امریکا لام تا کام چیزی نگفت و اما بعدها در یک سناریوی ساخته شده برای یک اردک مانده در سواحل غرق در نفت اشک می ریخت !!! اری ، این چند نمونه از مسائلی بود که مربوط به کردستان بوده اند . مگر می شود سرنگونی حکومت مصدق و انجام دو کودتای نظامی که منجر به استبدادی چند دهه و سربرون آوردن حکومت اسلامی ایران از درون و دامان ان شد را نادیده گرفت ؟ مگر می شود زندانهای ابوغریب و گوانتانامو و دفاعش از مستبدترین و ارتجاعی ترین کشورهای جهان را ندید ؟ همه ی اینها اظهر من الشمس هستند . لذا در این ارتباط ابهامی موجود نیست . امریکا اگر با حکومت ایران نیز در بیافتاد ، بخاطر چشم و ابروی ایرانیان در نمی افتد ، بلکه در پیگیری منافعش به چنین کاری دست خواهد زد . اما این در هر شرایطی به زیان ما نیست ، به همان اندازه که مخالفت با یورش نظامی امریکا به

حکومت ایران نیز به سود ما نیست. شما تصور می‌کنید کشورهایی چون روسیه و چین که خود از انجام هیچ جنایتی، مثلاً در چینستان و تیمور شرقی، فروگذار نبوده‌اند و مخالف تصویب هرگونه قطعنامه‌ی در محکومت نقض حقوق بشر در ایران هستند، در راستای منافع مردم کشورمان عمل می‌کنند؟! من حتی قدری فراتر می‌روم و چنین نزاعی بین حکومت‌های ایران و آمریکا را در خدمت انقلابی ضدحکومتی در ایران نیز می‌دانم. یک نمونه: تقریباً غالب سازمان‌های چپ و سوسیالیستی امروز دیگر لنینیست نیستند، اما لنین را یکی از متفکرین و انقلابیون باادرایت سده‌ی پیش می‌دانند. می‌دانید موضع لنین در مورد حمله‌ی امپریالیستی به روسیه‌ی آن هنگام چه بود؟ مستحضر هستید که لنین چنین حمله‌ای را حتی به سود انقلاب دید؟ اطلاع دارید که وی با کمک همین کشور امپریالیستی که میهنش را مورد حمله قرار داده بود، به روسیه برگشت و بدون این کمک‌ها چه بسا بازگشت وی به روسیه برای سازماندهی امر انقلاب ممکن نبود؟ می‌دانید توصیه‌ی وی به سربازان روس چه بود؟ مقابله با «امپریالیسم» یا با حکومت تزار؟ ... اری، لنین نه سراب داشت و نه توهم، اما در لوای انقلابی‌گری سطحی ناسیونالیست و میهن‌پرست واپس‌گرا نبود.

۱۰. آقای سیادت عزیز، بنده نیز احتمال درگیرشدن آمریکا در جنگی با حکومت اسلامی را بسیار ضعیف می‌دانم. و بحث حزب دمکرات کردستان و بنده نیز مطلقاً این نبوده است. می‌دانید که حکومت‌های ترکیه و ایران از غرب و شرق کردستان را اماج بمباران‌ها و توپ‌باران‌های خود قرار داده‌اند. بحث حزب دمکرات کردستان این است که چرا یک منطقه‌ی حفاظتی برای درامان ماندن از حملات هوایی کشورهای منطقه برای کردستان ایجاد نمی‌کنند، برای نمونه همان‌گونه که در قطعنامه‌ی مورد بحث این حزب و سازمان اتحاد فدائیان به تصویب شورای امنیت رسیده است. من مطمئنم شما با آن مخالف نیستید. تنها نمی‌فهمم که چرا مطالبه‌ی آن را بر حزب دمکرات کردستان ایراد می‌گیرید. مگر سازمان اتحاد فدائیان همین مطالبه را هنگام کشتار مردم لیبی توسط قذافی از غرب «امپریالیستی» نداشت؟! همین را هم بر ما روا نمی‌دارید؟! تازه آن را «دام» نیز می‌نامید؟ مال خود شما را چه می‌شود نامید؟ شما همان اتهاماتی را که پس از

صدور این بیانیه متوجه شما ساختند را اکنون متوجهی ما می‌سازید. این شرط انصاف است.

۱۱. آقای سیادت گرامی ، بطور جد نگرانی من این است که برخی از هموطنان عزیز من در آنچه در ارتباط با کردستان می‌گویند زیاد صادق نباشند. آخر ، بی‌انصافها ، در نوار غزه ، هزاران کیلومتر دور از میهن خودمان ، در جریان علم شنگه‌ای که مرتجعین اسلامی ترکیه به راه انداختند ، اعلامیه‌ها دادید ، تومارها نوشتید. درحالیکه مدت مدیدی است مناطق مرزی ایران و عراق و مواضع احزاب کردستانی از سوی ترکیه و ایران بمباران و توپ‌باران می‌شوند و اما شما چهار کلمه‌ی ناقابل در مورد ان نوشتید! این است معنای واقعی ان همبستگی که شما از ان دم می‌زنید ؟ در دفاع از فلسطین . به درستی .پی‌درپی اعلامیه صادر می‌کنید و طوری عمل می‌کنید که گویا اطلاع و خبری از کردستان ندارید؟! ایا اگر مردم عرب ایران هم چنین مورد یورش حکومت اسلامی قرار گیرند ، چنین اعلامیه‌های صادر می‌کنید و خواهان حق تعیین سرنوشت و پذیرش ان در سازمان ملل نیز می‌شوید؟ باور کن ، فلسطین نیاز به پشتیبانی من و شما ندارد ؛ طرفهای بسیار گردن کلفت ، از روسیه و چین و امریکا گرفته تا کشورهای اروپایی ، اسلامی ، عربی و به ویژه حکومت اسلامی ایران پشت ان را گرفته‌اند. تازه مگر اسرائیل حق تشکیل دولت فلسطین را برسمیت نشناخته ؟ کدام نیرو چنین حقی را از تعارفات تئوریکی بگذریم ، برای کردستان مثلاً عراق قائل است ؟ ، اری ، این کردستان است که بی‌پناه و بی‌کس مانده است ، نیاز به همیاری و همدلی شماها دارد. «فرشی که بر خانه رواست ، بر مسجد حرام است.»

۱۲. شما می‌فرمائید که آنچه من می‌گویم «تفرقه‌اندازی» است. بنده همچون نظری ندارم و با جدیت دست همیاری به سوی هر نیرویی دراز می‌کنم که باورمندانه در تلاش برقراری دموکراسی در ایران باشد ، اما در دام «ناسیونالیسم» واپسگرایانه ، ناسیونالیسمی که دست اخر ادامه‌ی حاکمیت نکبت‌بار اسلامی را در پی داشته باشد ، نخواهم افتاد ، «ناسیونالیسمی» که شوربختانه قادر است مردم و جنبش کردستان

را از مابقی ایران جدا کند. اما به هر حال این نیت و خواست مردم و جنبش و نیروها و روشنفکران کردستان نبوده و نیست، بلکه پیامد مواضع نیروهای سراسری است که از درک رنجی که کردستان می‌کشد، عاجز مانده‌اند و هر بار با مستمسک «توطئه‌ی بیگانگان» و «تجزیه‌طلبی» به مصافش می‌ایند. این عدم درک است که همبستگی و وحدت ایران را به مخاطره می‌اندازد و نه سیاستهای احزاب کردستانی که همواره دستیابی به مطالباتشان را در چهارچوب ایران جسته‌اند.

۱۳. بی‌انصافی محض است مدعی شد که احزاب کردستان به امریکا «دل بسته‌اند» و امریکا از آنها «استفاده‌ی ابزاری» می‌کند. خیر قربان، این احزاب به امریکا دل نبسته‌اند، اما با آن در مصاف هم نیستند. دشمن آنها امریکا نیست، بلکه حکومت اسلامی ایران است. اگر «استفاده‌ای» هم در کار باشد، این یقیناً دو جانبه است. آیا کسی امروز به جد قادر است ادعا کند که در منطقه‌ی ما جنبشی فعال‌تر و زنده‌تر از جنبش کردستان وجود دارد؟ کدام نیروی سیاسی در ایران در راه اهدافش به اندازه‌ی کردستان قربانی داده است؟ کدام نیروی سراسری ایرانی قادر است در یک دهکده یک اعتصاب راه بیندازد؟ یقیناً از دو مورد اعتصاب سراسری در وسعت کردستان به فراخوان احزاب کردی باخبرید. این حکایت از این دارد که این جنبش به نیروی خود متکی است. در چندین سال گذشته چند مورد دیده‌اید که حکومت اسلامی هواداران و اعضای سازمانهای ایرانی را اعدام کند؟ آیا نبود اماری در این زمینه حکایت از رحم و شفقت حکومت اسلامی دارد و یا از این واقعیت که این سازمانها از فعالیت و تشکیلاتی در پهنه‌ی ایران برخوردار نیستند؟ آیا چنین حکمی را در مورد احزاب کردستان که هر از چند گاه چند هوادار و عضو و فعال آنها اعدام می‌شود را می‌توان داد؟ آری، این جنبش در درجه‌ی نخست به نیروی قائم به ذات و فعال خود دل بسته است.

۱۴. و اما در ارتباط با یوگسلاوی و شوروی سابق و سودان خدمتتان عرض کنم که عزیز من بحران در این کشورها قبل از هر چیز ریشه در ساختارهای همان کشورها

داشته است ، در شووینیسیم و فاشیسم اعمال شده در این کشورها. باعث و بانی تجزیه‌ی کشورهای نامبرده ، امریکا نبوده است. پنداری شما تصور می‌کنید که در این کره‌ی خاکی هر اتفاقی بیافتد ، انگلیس و امریکا پشتش هستند؟! دائی جان ناپلئون دست بردار ما نیست! این استنباط که گویا کشتار وحشتناک مثلا بوسنی‌ها توسط صربها و حکومت سوسیالیست میلوشوویچ کار امریکایی‌ها بوده ، تبعیضات بیشمار مذهبی بر مسیحیان در حکومت اسلامی سودان که هم پیمان حکومت اسلامی ایران و حکومت کمونیستی چین می‌باشد ، کار امریکایی بوده است ، لابد کشتار چچن‌ها توسط حکومت روسیه هم کار امریکا بوده است ، ... ان قدر واهی و ساده‌انگارانه است که نیازی به رد ان احساس نمی‌شود.

۱۵. منشأ و زمینه‌ی اصلی موضع نیروهای منتسب به چپ از جمله در این خصوص عناد با «امپریالیسم» است ، این درحالیست که اولاً جدایی و تجزیه‌ی کردستان کار همین امپراطورپها و امپریالیستها بوده است واما حتی نفس اشاره به ان باعث خشم و عداوت این نیروها می‌شود ، چه که اینجا طبق فرمایش انها دیگر زمینی که امپریالیستها کاشته‌اند را نباید دوباره شخم زد (البته ان هم فقط در مورد کردستان ، چنین شخم‌زدنهایی هر جای این جهان صورت گیرد ، بلامانع است و شایان پشتیبانی!) و دوما مستحضر نیستند که در چندین دهه‌ی پیش همین امپریالیستها پشتیبانان اصلی بخشی از حکومتهای غالب بر کردستان بوده‌اند. به هر حال این امر ظاهرا کسی از انها را براشفته نمی‌کند. اری ، «امپریالیسم» و استعمار همواره از اقتدار و تمرکز سیاسی در کشورهای چون ایران و ترکیه پشتیبانی نموده است ، چون ان را به سود خود می‌داند. همین اکنون نیز می‌بینیم هر فشاری که از سوی اتحادیه‌ی اروپا به ترکیه برای رعایت حداقلی از استانداردهای حقوق بشر و صیانت از اقلیتها وارد می‌آید ، امریکا بلافاصله در تلاش برمی‌آید انها را خنثی سازد و از ترکیه دلجویی کند. دیگر امروز بر همه روشن شده است که بدون کمکهای اطلاعاتی ، جاسوسی و نظامی امریکا به ترکیه قلع و قمع

مبارزان کردستان توسط ترکیه ناممکن می‌بود. چنانچه غلظت مبارزه‌ی ضدامپریالیستی شما عزیزان انقدر بالاست، این را باید به چالش بکشید و افشا کنید که متأسفانه نمی‌کنید. اما مطالبه‌ی عکس آن از همین «امپریالیستها» را جرم محسوب می‌نمائید.

در پایان باری دگر متذکر شوم که من «ابهامات» بوجود آمده بین سازمان اتحاد فدائیان و حزب دمکرات کردستان بخشا به دلیل ادبیات و اولویتهای متفاوت، ناشی از سوءتفاهم و بخشا نیز ناشی از درکهای متفاوت می‌دانم و بیشترین هم‌خوانی‌ها را به ویژه در ارتباط با سیاستهای کلان و سیمای آینده‌ی کشورمان بین دو جریان می‌بینم و آن را نیز به فال نیک می‌گیرم. اگر پرسشها و شبهات و انتقادات و گلایه‌هایی وجود دارند، در هر دو طرف به نسبت یکدیگر وجود دارند. این اما نه تنها نباید مانع از گفتگوی آنها بشود، بلکه باید در چهارچوب ملزومات دمکراسی امری بدیهی و مفید قلمداد گردند.

المان، دهم اکتبر ۲۰۱۱

بیانیه‌ی مندرج در نشریه‌ی «کردستان». ارگان حزب دمکرات کردستان، شماره‌ی ۵۶۶:

http://www.kurdistanukurd.com/DirijeyBlawkrawekan_F.aspx?Babet=BKurdistan

موضعگیری سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران:

http://www.etehadefedaian.org.۲_http://www.iranglobal.info/payvand۳

پاسخ بنده به سازمان اتحاد فدائیان که موضعگیری آقای سیادت را برانگیخته است:

http://www.etehadefedaian.org.۲_http://www.iranglobal.info/payvand۳

مقاله‌ی آقای مجید سیادت در وبسایت سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران:

http://www.etehadefedaian.org.۲_http://www.iranglobal.info/payvand۳

سازمان ملل متحد با ملت کرد! ضرورت همکاری

هياس کاردو

سرکوب جنبشهای آزادیبخش ملت کرد توسط قدرتهای منطقه‌ای، داستانی دراز و البته غم‌انگیز دارد. طی سالها، دهه‌ها و چه بسا قرن‌ها، هر حرکت و خیزشی که کردها برای احقاق حقوق خویش بروز داده‌ند، با شدیدترین و بیرحمانه‌ترین عکس‌العمل مرکز گرایان کشورهای مسلط بر کردستان روبرو بوده است. وجه اشتراک همه کشورهای حاکم بر کردستان علیرغم تفاوت‌های بسیار فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی، مخالفت اشکار آنها با آزادی برحق کردها و سرکوب شدید جنبشهای ادامه‌دار این خلق بی‌پنا خاسته بوده است. طی سالهای متمادی فرزندان این ملت ستم‌دیده در خاک و خون غلتیدند، در سلول زندانهای مخوف پوسیدند، از خانه و کاشانه رانده شدند، مورد تجاوز قرار گرفتند، تحقیر شدند و الی آخر، فقط به خاطر کرد بودن و کرد ماندن. اصرار بر انکار هویت ملی کردها و تلاش برای تسلط بر اراده آنها جزو اولویتهای حکومت‌های پی‌در پی کشورهای مذکور بوده و هست.

بسیار غم‌انگیز است وقتی می‌بینیم طی سالهای متمادی کردها سرکوب و قلع و قمع

شده‌اند بدون اینکه محافل بین‌المللی گامی در جهت کمک به آنها بردارند. این عدم تمایل سازمانهای بین‌المللی در پشتیبانی از حقوق کردها و تلاش برای نكوهش دولتهای حاکم، البته نتیجه توافقهایی بوده که قبلاً صورت گرفته است. سازمان ملل متحد که بعنوان یک مرکز تعیین روابط جهانی بعد از جنگ جهانی دوم قد علم کرد، هیچگاه نخواست یا نتوانست در جایگاهی قرار گیرد که ملتهای مظلوم انتظار انرا داشتند. پر واضح است وقتی یک حکومت پر قدرت و سرکوبگر هیچ سدی را پیش پای خویش نبیند به یک تازیهای خود سرعت بیشتری می بخشد. و این چنین بود همه مصیبت و بلایایی که در این رابطه بر کرد و ملتهای ضعیف دیگر فرود آمد.

اما به برکت تغییر و تحولاتی که طی سالهای گذشته و به طور روشن پس از یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ در جهان پیش آمد، نگرش تصمیم گیرندگان اصلی صحنه سیاست جهانی عوض شده است. این تغییر نگرش موجب شده تا در موارد لازم و با توجه به بعد مسائل پیش آمده در کشورهای تحت کنترل حکومتهای سرکوبگر، سازمان ملل متحد دخالت کرده و جلو زیاده روی این حکومتها را بگیرد.

فکر کنید اگر دخالت سازمان ملل متحد در افغانستان نبود، طالبان چه بلایی بر سر مردم ستمدیده ان کشور می آورد؟ و عراق و لیبی را در نظر بگیرید با ان نوع دیکتاتوریهایی که در بیرحمی و خشونت زبانزد بودند. و یا نژادپرستهای صرب را به یاد بیاورید که چه خشونتها در حق مردم بوسنی نشان دادند و اگر واقعا دخالت سازمان ملل نبود چه بسا خرد و کلان رالت و پار می کردند. در نظر بگیرید اگر فشارهای بین‌المللی نبود حکومت خودکامه عمر البشیر هیچوقت تن به فراندوم مردم سودان جنوبی می داد و امکان پدید آمدن کشوری مستقل برای مردم ان سرزمین فراهم می شد؟ حال وضع سوریه را پیش رو بیاورید. ایا واقعا برای خاتمه دادن به کشتار مردم ان کشور توسط نظامیان بشار اسد همکاری بین‌المللی لازم به نظر نمی رسد؟ از مردم فلسطین و رنجی که طی بیش از نیم قرن بر آنها می رود بگوئیم. این ملت ستمدیده تا کی باید درگیر جر و بحثهای بیهوده با حکومتهای پی در پی اسرائیل باشد و چیزی عایدش نگردد؟ مگر

یک دخالت سازمان ملل متحد نمی تواند مساله آنها را برای همیشه حل نماید؟ همین جمهوری اسلامی ایران را نام ببریم. ایا واقعا این حکومت بدون دخالت سازمان ملل متحد به خوستهای مردم و ملت‌های تحت ستم ایران وقعی می نهد و دست از سکوب بر می دارد؟ و همینطور مسایل بغرنج کشورهای دیگر جهانی را مد نظر بگیرد که همه باید از طریق سازمان ملل حل گردند، زیرا در زمانی کوتاهتر نتایج بهتری عاید خواهد شد. پس می بینیم دوران یکه تازی حکومتها و تکیه بر قانون جنگل دارد بسر می اید. امید ان می رود در ماهها و سالهای آینده قوانین و روشهای نوینی جهت پیش گیری از تجاوزات حکومت‌های درنده خو وضع گردد. سازمان ملل متحد با شتاب دارد جایگاه واقعی خود را پیدا کرده و بر این پایه نقش بسیار کاراتری را در امور پیش آمده بازی خواهد کرد. بازنگری در شیوه برخورد با پدیده ملت‌ها و حق تعیین سرنوشت آنها از جمله مسایل بسیار عمده‌ای است که سازمان ملل متحد پیش رو دارد. دخالت این سازمان در منازعات داخلی کشورهای تحت سیطره دیکتاتوری ضمن اینکه تلفات جانی و مالی را کم می کند، کمک بسیار سودمندی خواهد بود در جهت سرعت بخشیدن به حل مشکلات فی مابین. و این البته چیزی است به نفع جامعه جهانی و خود کشورهای درگیر منازعات.

ملت کرد با سرزمینی تقسیم شده بین چند کشور مختلف از ابتدایی ترین حقوق انسانی خویش محروم است. تا کنون همه تلاشهای این ملت پر جمعیت برای رسیدن به آزادی و یک زندگی شایسته انسان امروزی با سرکوب و کشتار مواجه بوده است. همه راههای در پیش گرفته شده توسط این ملت یا با قدرت قهریه مواجه شده یا در بازار فریب و ریا به بن بست رسیده است. بسیاری از رهبران جنبشهای کرد هنگامی مورد حمله قرار گرفته و کشته شده‌اند که در حال دهست یابی به یک راهکار اشتی جویانه بوده‌اند. در موارد بی شماری پدیده ژنوساید در کردستان بوقوع پیوسته و زن و مرد، پیر و جوان یکجا به قتل رسیده‌اند. انواع سلاحهای مخرب ممنوع با قدرت تخریب هولناک بر روی فرزندان این ملت امتحان شده و شهرها و روستاهای زیادی به ویرانه تبدیل

گشته‌اند. در یک کلام حکومتگران کشورهای مسلط بر کردستان هر آنچه برای نابودی این ملت در توان داشته به کار برده‌اند و هنوز دارند به کار می‌برند.

خوب، کردها تلاش خود را برای رسیدن به آزادی و زندگی در کنار ملت‌های دیگر ساکن این کشورها کرده‌اند. همه راه‌های رسیدن به تفاهم و توافق را پیموده‌اند. مدام در پی صلح و اشتی بر آمده‌اند. با دولتمردان و جناح‌های مختلف مردم این کشورها به مذاکره پرداخته‌اند. در مواقع لازم از خاک و جان و مال خود دفاع مشروع کرده‌اند. همه توان خود را برای موجه جلوه دادن خواسته‌های خویش به کار برده‌اند. بارها و بارها از خواسته‌های خود عدول کرده و جهت رسیدن به تفاهم به طرف مقابل امتیاز داده‌اند. همه اینها و بسیاری دیگر را انجام داده‌اند تا بتوانند ثابت کنند یک ملت مستقل هستند و می‌خواهند مانند ملل دیگر آزاد باشند. ولی همچنان که دیده و می‌بینیم اقتدار گرایان و مرکز نشینان این کشورها میل گوش دادن به این خواسته‌های مشروع را ندارند و مایلند روند سرکوب و تبعیض همچنان ادامه داشته باشد.

در چنین موقعی و با در نظر گرفتن تحولات پیش آمده در منطقه و جهان، بسیار طبیعی می‌نماید اگر کردها از سازمان ملل متحد درخواست کمک و یاری بکنند. و البته باز بسیار طبیعی به نظر می‌رسد اگر سازمان ملل متحد طبق منشورهای امضا شده توسط کشورهای جهان خواستار رسیدگی به حقوق کردها شده و آن را در دستور کار خود قرار دهد. ممکن است این امر در حال حاضر برای مردم بعضی از کشورهای منطقه چیزی دور از انتظار جلوه نماید. ولی باید گفت نظم نوین جهانی و تغییر و تحولاتی که جهان این امر را ضروری می‌دارد.

اگر در زمان کنونی سازمان ملل متحد نخواهد چنین امری را در دستور کار خود جای دهد، حداقل می‌تواند با تصویب قطعنامه‌ای خواستار پایان دادن به کشتار کردها و

رفع تبعیض از آنها شود. قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد کشورهای چو عراق ، یوگوسلاوی پیشین ، سودان ، لیبی و غیره نتایج خوبی به همراه داشت. حال اگر واقعا این سازمان در پی اشتهای جهانی و ترقی همه مردم جهان است باید این حق را در مورد کردها نیز به مورد اجرا بگذارد. در غیر این صورت باید اذعان داشت سازمان ملل متحد هنوز نتوانسته به وظایف واقعی خود عمل کند. و البته در چنین حالتی این بخش از جهان که کردها در آن زندگی می کنند همچنان در تب و تاب جنگ و خونریزی باقی خواهد ماند. به امید آن روز که قوانین بین المللی در همه جا و برای همه یکسان اعمال و اجرا شوند.

مراجعه به جامعه بین المللی حق مسلم ستمدیدگان است

ازاد زنگنه

بیانیه‌ی مورخ ۵ سپتامبر ۲۰۱۱ برابر با ۱۴ شهریور ۱۳۹۰ خورشیدی دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان، با استقبال شدید و گرم خواهران و برادران کرد در نواحی مختلف کردستان روبرو گردید و علاقمندان از طریق وسائل مختلف ارتباطی، مراتب رضایت و موافقت کامل خود را با مدلول ان بیانیه اعلام داشتند، که این خود نشانه‌ی دیگری از رشد سیاسی و آگاهی توده‌های کرد است. برخلاف انتظار نبود که سازمانها و احزاب اپوزیسیون ایرانی، یا این بیانیه را نادیده انگارند و یا احیاناً «مخالفت خود را با ان اعلام دارند. برای اینکه هرگونه القاء شبهه‌ای از جانب سازمانها و گروههای ایرانی یا غیر ایرانی بلاجواب نماند، بشرح اتی مراتبی را یادآور میشویم:

۱. پس از پایان جنگ جهانی دوم و شکست کامل ائتلاف فاشیستی (آلمان-ایتالیا-ژاپن) که به بهای جان دهها میلیون انسان شرافتمند، و خرابی دهها هزار شهر و قصبه و دهات متفقین دمکراتیک ان روز تمام شد، زمامداران کشورهای فاتح برای اینکه بار دیگر چنین فاجعه‌ای تکرار نشود با صدور منشور ملل متحد، سازمان ملل متحد و شورای امنیت را بنیان نهادند و متعاقب ان اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاقهای متعدد مدنی و اقتصادی را تدوین و تصویب کردند، که در واقع بمنزله‌ی قانون اساسی

جامعه‌ی متمدن بشری می‌باشند. منشور ملل متحد و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر متضمن خواسته‌های بشریت مترقی و حاصل مبارزات یکصد و پنجاه ساله‌ی انقلابیون و دموکراتها و آزادیخواهان ملل مختلف، برای ایجاد دنیائی فارغ از جنگ و خونریزی و بربریت بود.

منشور ملل متحد حق تمام ملتها و اقوام را در تعیین سرنوشتشان برسمیت شناخته‌است و این اصل بعنوان شرط ضروری و بنیادی صلح و رفاه و آزادی تأکید گردیده است. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نیز، حقوق انسانی برابر تمام انسانها را فارغ از جنس و نژاد و مذهب برسمیت شناخته است و مخصوصاً «در اصل یکم، حق مشروع قیام ملتها را در برابر زور و اختناق و سرکوب مؤکداً» تأیید کرده است. منشور ملل متحد به این هم اکتفا نکرده، بلکه طریق تضمین این حقوق را تشریح و توصیف نموده و شورای امنیت را مکلف به انجام این وظایف کرده است.

۲- در مورد اعمال حق تعیین سرنوشت ملل و اقوام هیچ تابوئی وجود ندارد، قرارداد ۱۹۷۵ منعقد بین اتحاد شوروی و ممالک اروپائی و ایالات متحده، دایر بر برسمیت شناختن مرزهای موجود این کشورها مانع از آن نشد که پس از شکست اتحاد جماهیر شوروی در جنگ سرد، جمهوریهای متعدد غیر روس اتحاد جماهیر شوروی به استقلال کامل دست یابند و به عضویت سازمان ملل متحد پذیرفته شوند. هم چنین است تضمین استقلال و حدود یوگوسلاوی بوسیله‌ی سه قرارداد بین‌المللی و علیرغم مقاومت قهرمانانه‌ی پارتیزانهای یوگوسلاوی به رهبری تیتو علیه المان هیتلری، نتوانست جلو استقلال جمهوریهای اسلوونی، کرواسی، بوسنیهرزگوین و مقدونیه را بگیرد- شورای امنیت سازمان ملل باستناد همان اصل «مسئولیت حفاظت» حمله‌ی نظامی بر علیه رژیم انروز یوگوسلاوی را تجویز و بمورد اجرا گذاشت، از این هم فراتر رفت و چند سال بعد علیرغم قراردادی که ایالات متحده‌ی امریکا با صربستان منعقد کرده بود، تقاضای مردم ولایت کوسوودر صربستان برای استقلال را مشروع و برحق دانست و با قوه‌ی قهریه انرا به جمهوری صربستان تحمیل و استقلال کوسوو را در شورای امنیت به تصویب رساند. بیان موارد دیگر اعمال این حق موجب اطاله‌ی کلام میگردد، فقط به

اعلام و بررسیات شناختن جنوب سودان ، و جدائی آن کشور از سودان اشاره میکنیم.

۳_ تعیین شعارهای استراتژیکیو تاکیکی هر حزبی در شرایط مشخص تاریخی با در نظر گرفتن شرایط عینی و ذهنی و امکانات مساعد و غیر مساعد و تناسب قوا ، از اختیارات رهبری هر حزب می باشد که با گذشت زمان و در نظر گرفتن تجارب عملی ممکن است مورد تجدید نظر قرار گیرد. تعیین این شعارها در تاریخ مشخص بمنزله وحی منزل نیست و رهبری حزب همان گونه که اشاره گردید ؛ با در نظر گرفتن تغییرات شرایط عینی و ذهنی و تناسب قوا و تجارب عملی می تواند این شعارها را مورد تجدید نظر قرار داده و آنرا در قالب مشخص جدید اعلام کند. و البته باقتضای زمان ، متحد یا متحدین استراتژیکی و تاکیکی خود را مشخص و معرفی کند. در اتخاذ این قبیل تصمیمات جز واقعیتهای عینی و تجارب مشخص عملی هیچ چیز دیگری ملحوظ نخواهد شد و مشخصا حسن نیت یا خوش باوری این یا آن سازمان سیاسی دیگر نمی تواند بعنوان عامل موثر در نظر گرفته شود. نباید هیچگاه فراموش کرد که جاده جهنم با حسن نیت مفروش گردیده است.

۳_ حزب دمکرات کردستان توسط زنده یاد قاضی محمد تاسیس گردید و جمهوری کردستان نیز توسط همان زنده یاد اعلام شد. رهبری کنونی این حزب نیز همان نام را بدون هیچ پسوندی پسندیده و آن را مجددا برسمت شناخته است. از نظر زنده یاد قاضی محمد ملت کرد ، ملت واحدی بود و مرزهای تحمیلی دولتهای حاکم بر منطقه نمی توانست موجب تقسیم کردستان یا تغییر مرزهای تاریخی ملی آن باشد. در جمهوری کردستان هر فرد کرد از هر یک از نواحی کردستان میتوانست به تابعیت جمهوری در آید و از تمام حقوق اجتماعی و فردی مانند ساکنین اصلی مهاباد برخوردار گردد. بهمین مناسبت وقتی قبیله ی بارزان به رهبری دینی شیخ احمد و رهبری نظامی ملا مصطفی بارزانی به مهاباد آمدند ، از تمام حقوق و امتیازات مردم مهاباد برخوردار شدند و زنده یاد ملا مصطفی بارزانی بعنوان ژنرال بارزانی فرماندهی کل قوای مسلح دفاعی جمهوری را عهده دار گردید. بنظر می رسد رهبری کنونی حزب این سنت تاریخی را همچنان محترم و گرامی می دارد.

۵_ نظر رهبری کنونی حزب دمکرات کردستان دایر بر مراجعه به شورای امنیت سازمان ملل متحد برای اعمال اصل <<مسئولیت حفاظت>> در مورد هر چهار پارچه‌ی کردستان، نه بر مبنای احساسات، بلکه بر مبنای واقعیات عینی و تلخ تاریخی اتخاذ گردیده است: از سال ۱۹۲۳ میلادی که جمهوری ترکیه به رهبری مصطفی کمال تأسیس گردید، سیاست امحاء مردم کردستان در محدوده‌ی آن جمهوری، به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی سیاست آن کشور اعلام و به‌مورد اجرا گذاشته شده است. در ترکیه نه تنها هویت و زبان مردم کرد برسمیت شناخته نشد، بلکه تکلم به زبان کردی در مجامع عمومی و اعلام هویت کردی جرم تلقی گردید. از ۱۹۲۳ تاکنون هر چندگاه یکبار به بهانه‌ی قیام یا شورش و یا به عناوین دیگر، کردستان مورد تهاجم نظامی قرار گرفته و صدها و گاه هزاران نفر از مردم بی‌گناه و سران و فرهیختگان کرد به قتل رسیده‌اند و هزارها ابادی از سکنه خالی و دهها و صدها قنات و چشمه تخریب گردیده و میلیونها کرد ناچار از جلائی وطن شده‌اند. لیلایان، زن برجسته‌ی کرد به جرم اینکه میخواست در مجلس ملی ترکیه سوگند وفاداری را به زبان کردی ادا کند به دوازده سال حبس با اعمال شاقه محکوم شد و از مجلس به زندان منتقل گردید. هم اکنون چند نفر از وکلایی که طی انتخابات اخیر به نمایندگی مجلس انتخاب گردیده‌اند در زندان بسر می‌برند و آراء اکثریت ساکنین شهرهای محل اقامت آنان، که آنان را به نمایندگی خود برگزیده‌اند نادیده گرفته شده است. همین روزها دولت رجب طیب اردوغان از مجلس ترکیه درخواست مجوز برای حمله‌ی نظامی به کردستان کرده است. لازم نیست در مورد کشور عراق و هجومهای وحشیانه‌ی دولتهای آن به کردستان، چه قبل و چه هنگام زمامداری صدام حسین، خصوصاً عملیات انفال به تفصیل پردازیم، همگان از ابعاد این جنایات آگاه‌اند و سرانجام قسمتی از محدوده‌ی کردنشین عراق تحت حفاظت سازمان ملل قرار گرفت و عملیات نظامی متوقف گردید. بمباران شیمیایی حلبچه از خاطرها نرفته است. بی‌مناسبت نیست یادآوری کنیم که بنیانگذار حلبچه بعنوان یک شهر و ابادی آن، عاقله خانم از خانواده‌های قدیمی سنندج و مادر خسروخان ناکام والی اردلانی بود که پس از وفات شوهر و پسرش به حلبه نکاح والی شهرزور درآمده بود.

در مورد کردستان شرقی در محدوده‌ی جغرافیایی ایران و کشت و کشتار هزاران نفر در زمان ناصرالدین شاه به عنوان «فتنه شیخ عبیدالله» و بعدها اسماعیل اقا سمکو نیازی به تفصیل نیست و مردم ایران کم و بیش از آن آگاهند. وقتی خمینی در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ بر علیه مردم کردستان اعلان جهاد داد و یورش سراسری به کردستان آغاز گردید و در واقع با این فرمان هدم جان مردم کردستان و تاراج اموال و دار و ندار آنان مباح اعلام گردید، در آن زمان حزب توده‌ی ایران در نامه سرگشاده فریاد برآورده بود که باید سپاه پاسداران به سلاح سنگین مجهز گردد تا بهتر بتواند مردم ناراضی و بپاخاسته را قلع و قمع کند. از آن تاریخ به بعد خط اصلی و واقعی سیاست رژیم جمهوری اسلامی ایران در کردستان همان فریاد جهاد می‌باشد. هزاران هزار کشته و زخمی مردم کردستان در طول حیات جمهوری اسلامی گواه صادقی بر این مدعاست. رژیم جمهوری اسلامی به این هم اکتفا نکرده و با توسل به عملیات تروریستی چه در داخل خاک ایران یا عراق یا در کشورهای اروپایی صدها نفر از فعالان و رهبران سیاسی کردستان را به قتل رسانده است.

هم اکنون دهات سرحدی کردستان عراق در نزدیکی مرزهای ایران، ماهه‌است که اماج حملات هوایی و آتش توپخانه‌ی ارتش و سپاه پاسداران ایران است. در تمام قوانین جاری بین‌المللی، مبادلات مرزی مجاز است و ساکنان نواحی مرزی می‌توانند آزادانه به مبادلات مرزی بپردازند، جمهوری اسلامی ایران این قاعده و عرف بین‌المللی را نیز زیر پا گذاشته است و با گماردن تکثیراندازان، جوانان بیچاره کرد بنام «کولبر» را هدف قرار داده و هر روز چند نفر از آنان را به قتل می‌رساند. رژیم اسلامی، ارتجاعی ترکیه بر خلاف قوانین بین‌المللی و با نقض حاکمیت همسایه‌ی خود جمهوری عراق، نواحی کردنشین عراق را مرتباً بمباران کرده و با کوس و کرنا، شاهکار خود را به رخ ساکنان همه‌ی کشورهای هم‌جوار می‌کشد و در این ماجرا جمهوری اسلامی ایران را در کنار خود دارد.

در سوریه نیز وضع کردهای ساکن آن کشور، دست کمی از وضع کردهای ترکیه ندارد، سیصد هزار نفر کرد در آن کشور تا دو ماه پیش دارای هیچگونه برگ هویت یا جواز اقامت نبودند و طبعاً از تمام حقوق ساکنان آن کشور بی‌بهره بودند. اینها گوشه‌هایی از وضع حاکم بر ساکنان کرد کشورهای چهارگانه‌ی ایران و عراق و ترکیه و سوریه بود که به گونه‌ی بسیار اجمالی بیان گردید. آیا رهبری یک حزب سیاسی کرد می‌تواند تمام این ستمگریها و جنایات را نادیده بگیرد؟ بنظر من وظیفه‌ی مبرم رهبری حزب دمکرات کردستان افشای این جنایات و جرائم ضدبشری است و در شرایط فعلی تنها راه‌چاره توسل به شورای امنیت سازمان ملل متحد و تقاضای اعمال اصل «مسئولیت حفاظت» در مورد کردستان است. و این با شورای امنیت سازمان ملل متحد است، که در صورت پذیرفتن پیشنهاد چگونگی اعمال آن اصل را تشریح و تبیین کند.

۶. با توجه به توضیحات بالا، برخلاف آنچه که در کارزار تبلیغاتی شونیستمسلکان آمده است حزب دمکرات بهیچوجه تقاضای حمله‌ی نظامی به ایران یا کشور دیگری را نکرده است.

کورد ههقی خویتی داوای پشتیوانیی نیونه ته وهیی بکا

بابهت گه لیک له سه ره به یاننامه ی حیزبی دیموکراتی کوردستان

کۆکردنه وه و ئاماده کردنی :
ئاگری باله کی

داخوا به راستی وهختی ئه وه نه هاتوه کۆمه لگای
نیونه ته وهیی ئاورپکی جیددی له بی به شی
و رۆژرهشی نه ته وهی کورد بداته وه و پیش
به سه رکوتی ئه و نه ته وهیه و له شکرکیشیی
دهوله ته کان بۆ سه ر ته نیا ده سکه وتی قانونیی
ئه و گه له بگری. مافی سروشتیی نه ته وهی
کورده چاوه پروانیی ئه وهی هه بی که کۆمه لگهی
نیونه ته وهیی و رپکخراوی نه ته وهیه کگرتووه کان
مه سه له ی کورد به وجۆره ی هه یه تی بگه ن و
وه ک گيروگرفتیک که پپوهندیی به ژيانی ده یان
میلیۆن که سه وه هه یه ویه کیک له گرنگترین
مه سه له کانی رۆژهه لاتیی نیوه راسته بۆی له فکری
چاره سه ردا بن.

کورد ههقی خۆیه تی

داوا ی پشتیوانیی نیۆنه ته وه یی بکا

به یاننامه ی دهفته ری سیاسی حیزبی دیموکراتی کوردستان

نه ته وه ی کورد که له ئاکامی ریککه و تنیکی هیژه
ئیسیتیمارییه کاندای به پیچه وانه ی ویست و ئاره زووی
خۆی نیشتمانه که ی پیشان له نیوان دوو ئیمپه راتۆریی
ئێران و عوسمانی و دوا به له نیوان چوار ولاتی ئێران و
تورکیه و عێراق و سووریه دا دابهش کراوه

هیشتا ههوتوو بهک له سه رکوتی رژی می قه ززافی دژی خۆپیشاندهرانی لیبی تی نه په رپسو که نه نجومه نی ئاسایشی رپکخرای نه ته وه به گرتوو هکان له سه ر داوای دهوله تانی فه رانس ه و ئینگلستان کۆبووه و به دهنگی زۆرایه تی و به بی هیچ دهنگی موالیف ، له سه ر بناخه ی نه سل ی به رپرسایه تی پاریزگاری (مسئولیت حمایت) ، برپاری جیگیرکردنی چه تری پاریزگاری له سه رانس ه ری خاکی لیبی دا ده رکرد. ده رچوونی برپارنامه ی ۱۷۹۳ ی نه نجومه نی ئاسایش رپگای خوش کرد بۆ نه وه ی فرۆکه وه هیلکۆپتیر ه نیزامیه کانی نه مریکا وه فرانس ه و بریتانیا ده سه جی هیرشه کانیان بۆ سه ر پیگه هه وایی و ده ریاییه کان و مه له بده کانی کۆبوونه وه ی هیزه سه ربازییه کانی لیبی ده ست پی بکه ن.

له ئاکامی ئه م برپاره به جیه ی نه نجومه نی ئاسایش و هه نگاوی به وه ختی په یمانی ناتۆدا هیزه ئازادیخوازه کانی دژ به ده سه لاتی ۴۲ ساله ی سه رههنگ قه ززافی توانیان له ماوه ی نزیک به شه ش مانگدا به ربه ره کانی هیزه نیزامیه کانی وه فادار به قه ززافی تیك بشکینن و به کرده وه کۆتایی به ده سه لاتی دیکتاتۆر بینن. ئیستا که ئه م دپرا نه ده نووسرین جگه له شاری سیرت و چه ند شارۆچکه ی ده ور به ری له هیچ کوئ شوپنه واریک له ده سه لاتی موعه مه ره قه ززافی به دی نا کرئ و به ره ی ئازادیخوازان سه رگه رمی کارکردن بۆ سه قامگیرکردنی ده سه لاتیکی نوئ له ولاتدایه.

برپاری ۱۷۹۳ ی نه نجومه نی ئاسایش نه و بر وایه له لای نه ته وه ژیر ده سه ته کان و خه لکی ولاتانی دیکتاتۆر لیدرا و دروست ده کا که وه ختی نه وه به سه ر چوو ه دیکتاتۆره دژی گه لیه کان له ژیر په رده ی سه ره ری نیشتهانی (حاکمیت ملی) دا ئازادیخوازان سه رکوت بکه ن و دهنگی مافخوازی نه ته وه زۆر لیکرا وه کان له گه روودا بخنکینن.

نه ته وه ی کورد که له ئاکامی رپککه وتنیکی هیزه ئیستیه ماریه کاندا و به پیچه وانه ی ویست و ئاره زووی خۆی نیشته مانه که ی پیشان له نیوان دوو ئیمپه راتۆری ئیران و عوسمانی و دوایه له نیوان چوار ولاتی ئیران و تورکیه و عیراق و سووریه دا دابه ش کرا وه ، زۆر له میژه له پیناوی وه ده ده ست هینانی مافی دیاریکردنی چاره نووسی خۆیدا خه بات

دهكا و لهو رېگايه دا ده گه ل درېدانه ترين شيوه كاني سهركوت و قه لاچوكردن بهرهوروو بووه. ئه و كوشتاره ي له توركيه ي كه مالى و عيراقى به عسى و ئيرانى ئيسلامى له روله كاني نه ته وهى كورد كراوه ، تا دنيا دنيايه ويژدانى بيدارى مرؤفايه تىي پيشكه وتوو ئازار ده داو وهك په له يهك به نيوجاوانى ميژووى مرؤفايه تىيه وه دياره.

ئىستاش و له سه ره تاي ده يه ي دووه مى سه ده ي ۲۱ يشدا نه ته وهى كورد له سى به ش له چوار به شى نيشتمانه دابه شكراوه كه يدا هه روا له ژير سياسه تى ئينكارى كه سايه تىي نه ته وه يي و سه ركوتى داخوازه رخواكاني له لايه ن فه رمانه وايانى سى و لاتى توركيه و ئيران و سووريه دا ده نالينى. ته نيا به شى كوردستان كه له ئاكامى خه باتيكى دريترخاينه دا و به قيه تى گيانى سه دان هه زار كه س له خه باتگيراني كورد ده سه لاتيكي نه ته وه يي تيدا دامه زراوه باشوورى كوردستان يان كوردستاني عيراقه. كه چى ئه و به شى كوردستانيش له لايهك له گه ل دابراني چهند به شيكي زور ئازيز له خاكه كى بهرهوروويه و له لاي ديكه به رده وام له ژير هه ره شه و پيلان - و له شكركيشي ده سه لاتدارانى توركيه و ئيران به چاو پوشي ئاشكرى ده و له تى ناوه ندى عيراقدايه.

داخوا به راستى وه ختى ئه وه نه هاتوه كۆمه لگاي نيونه ته وه يي ئاورپكى جىددى له بى به شى و رۆژه شىي نه ته وهى كورد بدانه وه و پيش به سه ركوتى ئه و نه ته وه يه و له شكركيشي ده و له ته كان بو سه ر ته نيا ده سه كه وتى قانونيى ئه و گه له بگرى. مافى سروشتيى نه ته وهى كورده چاوه رپوانىي ئه وهى هه بى كه كۆمه لگه ي نيونه ته وه يي و رپكخراوى نه ته وه يه كگرتووه كان مه سه له ي كورد به وجۆره ي هه يه تى بگه ن و وهك گيروگرفتىك كه پيوه ندى به ژيانى ده يان ميليو ن كه سه وه هه يه و يه كىك له گرنگترين مه سه له كاني رۆژه لاتي نيوه راسته بوى له فكرى چاره سه ردا بن.

ئيمه ويپراي خوشحاليى له سه ركه وتنى خه باتى خه لكى لىبى و پيشوازي له برپارى ۱۷۹۳ى ئه نجومه نى ئاسايش له پيوه ندى ده گه ل ئه و و لاته دا ، داوا ده كه ين ئه نجومه نى ئاسايشى رپكخراوى نه ته وه يه كگرتووه كان هه ر به پشت به ستن به ئه سلى «به رپرسايه تىي پاريزگارى» مه ترسيى گه له كۆمه گىي ده و له ته كان و سه ركوتى

دهسه لاتەكان لەسەر نەتەوهى كورد وه لا بهرن و هەر لهوكاته دا داوا له هه موو حيزب و
رېكخراو و كۆروكۆمه له كانى كوردو دۆستى كورد ده كه ين له پێوه ندىيه ديپلۆماتىيه كانى
خۆياندا به تاك و به كۆ ئهم داخوازييه رهوايه ده گه ل كۆروكۆمه له بريار به دهسته
نۆونه ته وه ييه كان بېننه گۆرئ و پېي له سەر دابگرن.
به ئاواتى هه لۆيستی جیددی و بهرپرسانه ی هه موو لایه ك.

دهفته رى سياسىي

حيزبى ديموکراتى كوردستان

٢٠١١/٩/٥ - ١٣٩٠/٦/١٤

پۆیست نیه بکه وینه مه وزعی دیفاعیه وه

ده بی شانازی به هه لۆیستی حیز به که مانه وه بکه یین

مسته فاشلماش

به دواى بلاو بونه وهى به یانیه ی زۆر به جی دهفته رى سیاسى حیزى دیموکراتى کوردستان سه بارهت به مافى رهواى گه لی کورد بۆ داواى یارمهت لی له هیژ و ریکخواه نیونه ته وه ییه کان ، به شیکی زۆر له ئیرانییه کانى هه موخواز که وتنه خو و حیزى دیموکراتى کوردستانیان خسته بهر هیرشى خۆیان. هه ر وا بزانه هه وت میشیان له داریک دا دیوه ته وه و ئیستا ده توانن به به لگه وه بیسه لمینن که حیزى دیموکراتى کوردستان جیاوازیخوازه وه لده گرئ له راسته وه بۆ چه پ به ره یه کی به رینی دژایه تی له به رامبه ر دا دروست بکری. هه ر بۆیه له کۆمارى ئیسلامیه وه تا ده گاته میلی گه راکان و ته نانهت چه په کانى که ئیددیعا ده که ن لایه نگرى مافى گه لانن ، تیغى تیژى هیرشى خۆیان ئاراسته ی حیزى دیموکراتى کوردستان کرد.

ئه وه ی که شوونیسته کانى پاوانخواز چ له رژی مه کانى ییشودا و چ له رژی مه جینایه تکار و کۆنه په رستى کۆمارى ئیسلامى دا هه ر داوا به کی کوردیان به بیانوى دیفاع

له یه کیههتی خاکی ئێران به ئاورو ئاسن وه لām داوه تهوه ، جیگای سه رسورمان نیهو له ماهیههتی ئهو هێزانه دایه . به لām جیگای سه رسورمان ئه وهیه که هیندیک که سایهتی و حیزب و پیکخراوی ده ره وهی و لات که ئیددیعیای دیموکراتیون ده کهن ، هێرشیان کردوه ته سه ر حیزبی دیموکراتی کوردستان ، ته نیا له بهر ئه وهی که حیزب له به یانیه یه ک دا راپیگه یاندوووه که کورد مافی خۆیه تی داوای یارمه تی نیۆنه ته وه یی بکا له به رامبه ر هێرشێ نارپه وای دوژمنه کانی دا . له وهش سه یرتر هه لۆیستی یه کیه تی فیداییه کانی گه لی ئێران که حیزبی دیموکراتی کوردستانی له سه ر کورسی ئیتتیها م دا ناوه و محاکمه ی ده کا و پێی وایه حیزبی دیموکراتی کوردستان ده بی وه لāmی ئهو خه تا گه وره یه !!! بداته وه . یه کیه تی فیدایانی خه لکی ئێران له خۆی نا پرسێ که ئه گه ر با وه پری به مافی دیار یکردنی چاره ونوس بۆ هه موو نه ته وه یه ک هه بی ، چۆن ده کړی دژی ئه وه بی که نه ته وه یه ک بۆ پاراستنی خۆی له قه رکردن و ژینۆساید ، په نا بهر یته بهر کۆمه لگای نیۆنه ته وه یی و داوای یارمه تی بکا . به چ هه قیک داوا له حیزبی دیموکراتی کوردستان ده کا وه لām بداته وه و بی تاوانی خۆی به سه له ییتی ؟

له راستی دا حیزبی دیموکراتی کوردستان کارێکی نه کردوه جگه له وهی که هه لۆیستیکی نه ته وه یی گرتوووه له به رامبه ر هێرشێکی نارپه وای دوو هێزی دژه کورد دا که به شپوه یه کی به رده وام له ناوچه سنورییه کانی باشوری کوردستان هێرش ده که نه سه ر خه لکی بیتاوان و له پیناوی درێژه دان به ده سه لاتێ نارپه وای خۆیان به سه ر کوردستان دا ، جینایه تی دژی مرۆفایه تی ده خو لقیین . له ناو بردنی بنه ماله یه کی ٧ که سی له هێرشێکی هه وایی له لایه ن ده و له تی تورکیه وه یه کیک له وێنه هه ره قیزه وه نه کانی ئهو په لاما ره بوو .

مه سه له به کی دیکه که حیزبی دیموکراتی کوردستان وروژاندوبه تی و ره نگه زگی دوژمنانی کوردی زۆر وه ژان هینان ، ئه وه یه که به راست دوا ی ئهو هه موو جینایه ته ی که دژی کورد کراوه ، هه قی ئهو نه ته وه یه نییه مه سه له که ی بگه یه نیته لای پیکخراوه و دام و ده زگا

نێونه ته وه ییه قه زاییه کان؟ ئایا گه لێک که کاره ساتی هه له بجه، نه نفال، سه رده شت، قارنێ، قه لاتان، سنه، زهرده، ئیعدامی ۵۹ لاوی مه باد له یه ک رۆژ دا، وسوکه ند، چه قل مسته فا، سوڤیان، ئیندرقاش، قه لاتان، نه غه ده، قه لادزی، شیرناخ، جه زیره، ناوچه ی گه وه ر، قامیشلی و قه ندیل و ده یان جینگای دیکه ی ته حه ممول کردی، مافی

ئه وه ی نییه داوا له کۆر و کۆمه له نێونه ته وه ییه کانی جیهان بکا به هانا یه وه یین؟!

ئایا نه ته وه ییه ک که تیرۆری ده وه لته یی بچا و وروانه ی وه ک کاره ساتی ویه ن و بیرلینی دیی و له ماوه یه کی کورت دا سه دان که سی له باشوری کوردستان تیرۆری ده وه لته ی کرابن، مافی ده نگ به رزکردنه وه ی نییه؟! جینگای سه رسوڕمانه که رو نا کیرانی ئیرانی و به تایبه ت رو نا کیرانی فارس که ئیددیعیای فره هه نگی شه ش هه زار سه له ده که ن و له کۆر و کۆمه له نێونه ته وه ییه کان دا لافی لایه نگری له مافی مڕوڤ و پێشکه و تنخوازی لی ده ده ن، ناتوانن ئه وه ته حه ممول بکه ن که کورد به شیوه یه کی سه ره بخۆ، دیفاع له بوونی خۆی بکا و داوا ی ئیجرا کردنی عه داله تی نێونه ته وه یی بکا، له مه سه له ی مافی ره وای پاراستنی خۆی دا؟! من تینا گه م که بۆچی رو نا کیری فارس زمان، ناتوانی له و مافه ره وایه ی کورد تینا. بۆچی هه مان ماف بۆ گه لی فه له ستین، باشوری سو دان، کۆسۆڤۆ، تیمۆری رۆژه له لات و هه مو گۆشه و که نار ه کانی دنیا تیده گا و ته نانه ت دیفاعی لی ده کا و پرو پا گه نده ی بۆ ده کا، به لام که ده گاته سه ر پرسی کورد، به تایبه تی له ئیران دا، رووی لی وه رده گیرێ و به شیوه یه کی دیکه ی ده یینی و دزی را ده وه ستی. ئه و شارستانیه شه ش هه زار سه له ی ئیددیعیای ده کا چی به سه ر دی؟! من تینا گه م بۆچی له ئیران دا ئیسماعیل بێشکه چییه ک دروست نای و نازم حیکمه تیک له دایک نای.

به لام ئه وان هه ر چۆنیک بیر ده که نه وه با بیکه نه وه. من شانازی به حیز به که مه وه ده که م که له گه ل خه تی نه ته وه یی خۆی راستگۆیه و برپاره کانی کۆنگره ی چارده و به دوای ئه و دا په سندرکرا وه کانی کۆنگره ی پا زده به هیند ده گری و کاریان پین ده کا. ده رکردنی ئه و به یانییه شتیک نییه جگه له کارکردن به په سندرکرا وه کانی کۆنگره و بێگومان

هه‌لۆیستیکێ زۆر بجوکی نه‌ته‌وه‌یه. ئێمه زۆر له‌وه زیاتر ئه‌رکمان له‌سه‌ر شانه‌و پێویسته زۆر له‌وه زیاتر له‌ نه‌ته‌وه‌که‌مان به‌ خاوه‌ن ده‌رکه‌وین. بۆیه هه‌چ به‌پێویست نازانم بکه‌وینه مه‌وزعی به‌رگری کردنه‌وه‌و پێموایه جینگای ئێمه له‌ لوتکه‌ی به‌هێزی هێرش‌بردن دایه‌ بۆ سه‌ر هه‌موو ئه‌وانه‌ی ده‌یان‌ه‌ه‌وێ مافی ئینسانی ئێمه ئینکار بکه‌ن و به‌ گژێ دا بچنه‌وه.

حیزبی دیموکراتی کوردستان له‌وه‌مه‌سه‌له‌ به‌دانه‌ک ته‌نیا له‌ کورسی ئیتتیها‌م دانیه ، به‌ لکو هه‌لۆیسته‌که‌ی جینگای شانازی به. ئه‌رکی سه‌ر شانی هه‌ر حیزبیه‌ک ، هه‌ر لایه‌نگری‌ک و ته‌نانه‌ت هه‌ر یه‌ لایه‌نیکه‌ به‌رگری له‌وه‌ه‌لۆیسته‌ بویرانه‌یه‌ بکا. حیزبی دیموکراتی کوردستان مه‌سه‌له‌یه‌کی وروژاندووه‌ که‌ ده‌بوا‌یه‌ چه‌ند سا‌ل له‌مه‌وه‌ به‌ر ، وروژێندرا‌بایه. ئیستا‌ راست کاتی هه‌ینانه‌ گۆری ئه‌وه‌ مه‌سه‌له‌یه. حیزبه‌که‌مان له‌وه‌مه‌سه‌له‌یه‌دا جینگای پاراستن و پشتیوانی کردنه. ئه‌رکی سه‌ر شانی هه‌ر کوردیکه‌ لێره‌دا پشتیوانی له‌ هه‌لۆیستی نه‌ته‌وه‌یی حیزبی دیموکراتی کوردستان بکا. کات کاتی هه‌ینانه‌ گۆری ئه‌وه‌ مه‌سه‌له‌ گرنگه‌یه. ده‌یه‌ به‌ هه‌مو‌مان هه‌ول به‌دین مه‌سه‌له‌ی کورد بگاته‌ نی‌و‌را‌وی‌ژ‌کردنه‌کانی میله‌تانی دیاریکه‌ر. هه‌چ پاساو‌یک بۆ دزایه‌تی‌کردن له‌ گه‌ل ئه‌وه‌ هه‌لۆیسته‌ بویرانه‌یه‌ نییه. من نه‌ک به‌ پێویست نازانم حدک خۆی له‌ کورسی ئیتتیها‌م و وه‌لامدانه‌وه‌دا بیه‌ینی ، به‌ لکو پێموایه‌ که‌ وه‌رت‌رین ئه‌رکی نیشتمانی هه‌ر که‌سیکه‌ پشتیوانی له‌م هه‌لۆیسته‌ بویرانه‌یه‌ بکا.

جینگای خۆیه‌تی رونا‌ک‌بیرانی گه‌له‌که‌مان له‌سه‌ر ئه‌وه‌ مه‌سه‌له‌یه‌ هه‌لۆیست بگرن و به‌ر به‌رچی ئیدیدعا‌کانی ته‌وا‌و‌خ‌وا‌زان له‌ ئێران بده‌نه‌وه‌ که‌ ته‌نانه‌ت مافی ئه‌وه‌ش بۆ کورد قایل نین که‌ بتوانی به‌رگری له‌ خۆی بکا ، یا‌ئه‌ گه‌ر بۆ خۆی نه‌یتوانی و ئامرا‌زی ئه‌وه‌ی بده‌سته‌وه‌ نه‌بو که‌ به‌ر په‌رچی په‌لامارده‌ران بداته‌وه‌ ، په‌نا بۆ کۆر و کۆمه‌له‌ نی‌ونه‌ته‌وه‌یه‌کان به‌ری. له‌ به‌یانی حیزبی دیموکراتی کوردستان دا ته‌نیا ئه‌وه‌نده‌ گوتراوه‌ که‌ کوردیش ده‌توانی داوا بکا که‌ نی‌وه‌رۆکی برباری ژماره‌ ١٩٧٣ ی نه‌ته‌وه‌یه‌ ک‌گرت‌وو‌ه‌کان بۆ پاراستنی ئه‌ویش به‌کار به‌ی‌ن‌ئ‌ری. له‌و بربارنامه‌یه‌دا هات‌وو‌ه‌ که‌ بۆ پاراستنی گیانی مرۆفه‌ مه‌ده‌نی و یه‌ ده‌سه‌لاته‌کان ،

کۆمه‌لگای نۆونه‌ته‌وه‌یی ده‌توانی ده‌خاله‌ت بکا. باشه‌ بۆ کورد ناتوانی له‌ حاله‌تیک دا که به‌ بۆمباران و تۆپبارانی ئێران و تورکیه‌ ده‌یان که‌سی مه‌ده‌نیی بێتاوانی لێ ده‌کوژری ، داوای ئه‌و یارمه‌تییه‌ بکا. ئایا کوژرانی رۆژانه‌ ده‌یان که‌س کۆلبه‌ری رۆژه‌لاتی کوردستان له‌ سه‌ر سنووره‌کان و به‌ ده‌ستی جینایه‌تکارانی ئیسلامی ئێران ، که‌ ته‌نیا تاوانیان ئه‌وه‌یه‌ مه‌جبورن به‌ زه‌حمه‌ت و کاریکی زۆر دژوار قوتی منداڵه‌کانیان دا‌بین بکه‌ن ، بۆ ئه‌وه‌ نایێ هاواری نۆوده‌وله‌تی بۆ بکری.

ده‌ستدریژی له‌وه‌ گه‌وره‌تر ده‌بێ چ بێ که‌ ئینسانیکي بێ چه‌کی کۆلکیش به‌ په‌گباری چه‌کدارانی ئه‌و حکومه‌ته‌ بکوژری ، که‌ له‌ پاسه‌تی دا به‌رپرسه‌ له‌وه‌ی که‌ له‌ جیاتی کوشتیان کار و نانیا بۆ دا‌بین بکا. کورد له‌ هه‌موو لایه‌که‌وه‌ و به‌ شیوه‌ی جۆراوجۆر ده‌کوژری و مافی ئه‌وه‌شی نه‌بێ هاوار بکا؟! ئه‌وه‌ چ مه‌نتیقیکي ئینسانیه‌؟! ئه‌و داوایه‌ چ په‌یوه‌ندییه‌کی به‌ دا‌به‌شوبن یا نه‌بوونی ئێرانه‌وه‌ هه‌یه‌؟!

وه لاميک به ره خنهی مو حسین قائیم مقام له به یاننامه ی حدک

هيو اکوردستاني

به بۆنه ی سه ره که ووتنی بزووتنه وه ی ئازادیخوازانیه خه لکی لیبی به سه ره هیژه کانی دیکتاتور سه ره ههنگ قه زافی و خۆونکردنی دیکتاتۆردا ، حیزبی دیموکراتی کوردستان به یاننامه یه کی بلاوکرده وه. له به یاننامه که دا وێپرای ئاماژه به برپاری ۱۷۹۳ ی ئهنجومه نی ئاسایشی ریکخواوی نه ته وه یه کگرتووه کان که له ودا له سه ره بناغه ی ئه سلّی «به رپرسایه تی پاریزگاری» ، جیگیر کردنی چه تریکی پاریزگاری له سه رانه ری خاکی لیبی دا په سند کرا ، حیزبی دیموکراتی کوردستان پیشوازی له و برپارنامه یه کردبوو و به ده لاقه یه کی هیوا بۆ نه ته وه بنده سته کان و بزووتنه وه ئازادیخوازانیه کان له ولاتانی دیکتاتۆرلیدراوی زانیبوو.

هه ره له و به یاننامه یه دا ، وێپرای خۆشحالی ده ربهرین له به ئاکام گه یشتنی بزووتنه وه ی ئازادیخوازانیه خه لکی لیبی ، ئاماژه یه کی کورت به رابردووی درێژی خه باتی نه ته وه ی کورد له به شه جۆراو جۆره کانی کوردستان و قه لاچۆی دپزنده ی ئه و نه ته وه یه له

توركيه ى كه مالى ، عېراقى به عسى و ئيرانى ئىسلامى كرابوو و وېراى وه بېره هېنانه وهى له شكه ركيشيه كانى دوو دهوله تى ئيران و توركيه بۆ سه ر سنووره كانى حكومه تى هه رېمى كوردستان وه ك ته نيا ده سكه وتى خه لكى كورد له خه باتى سه دان ساله ى خۆى ، گو ترابوو كه خه لكى كوردستان مافى خۆيانه داواى يارمه تى له كۆر و كۆمه له نۆوده وه له تيه كان بكه ن و به روونى له ئه نجومه نى ئاسايش چاوهر و انيان هه بى كه به سه رنجدان به ئه سلى «به پرسايه تى پارتىگارى» فرىاى نه ته وهى كورد بكه ون و له به رامبه ر سه ركوتى ده سه لاتداره سه ره رپۆكان و هېرشى سوپايى ده وله تانى زال به سه ر به شه جو راو جو ره كانى كوردستان بۆ سه ر حكومه تى هه رېمى كوردستاندا ، بېپارېزن .

بلاو بوونه وهى ئه م به يان نامه به له سايته ئىنتېرنېت به كان و راگه يه نه گشتيه كاندا ، له چه ند بار وه بووه به هۆى تىگه يشتنى چه وتى كه سېك به ناوى «موحسين قائم مقام» كه گوايه له نه يارانى رېژىمى كۆمارى ئىسلاميه . ناوبراو به بلاو كردنه وهى وتارىك له ژېر ناوى «رامانىك له به يان نامه ى حيزبى ديموكراتى كوردستان» ئه وهى له بوختان و قسه ى نارووا به قه له ميدا هاتوو ، پيشكه شى حيزبى ديموكراتى كردوه . تېرامان يا له راستى دا تىگه يشتنى سه قه تى به رېژ «قائم مقام» له زۆر بار وه شايانى لى ورد بوونه وه به كه ئيمه له م كورته نووسينه دا ئاماژه به هيندېكيان ده كەين :

له يه كه م پاراگرافى نووسينه كهيدا ، به رېژ «قائم مقام» ئىدديعا ده كا كه گوايه حيزبى ديموكرات «داواى دوو پاتبوونه وهى ستراتېژى نيزامى ريكخراوى نه ته وه به كگرتوو هه كان له لىبى بۆ ئيران ده كا» . ئيمه داوا ده كه ين خوينه رانى ئه م نووسراوه به جاريكى ديكه به يان نامه ى حيزبى ديموكرات بخوينه وه تا بۆيان ده ربكه وئ كه له م به يان نامه به دا هه ر له جىدا نه داواى ده ستيه وردانى سوپايى كراوه و نه هه ر له به نه رده تا مه سه له كه به تا به تى رووى له ولاتى ئيرانه . به لكوو به شيوه به كى گشتى باسى پشتوانى كۆمه لكه ى نۆونه ته وه ى له نه ته وه بنده سه ته كان و بزوو ته وه ئازاد بخوازه كان له ولاتانى دىكتاتور لېدراو دا كراوه . له و نيوه ش دا به شيوه به كى تا به تى سه رنج بۆ بزوو ته وه ى رزگار بخوازه ى نه ته وه ى كورد له هه موو به شه كانى كوردستان ، راكيشراوه .

سەرنجراکێش ئەوێه نووسەری وتار ، دەرچوونی بەیاننامە لە لایەن دەفتەری سیاسیی حیزبی دیموکراتی کوردستان و ئاماژە نەکردن بە ناوی هیچ کام لە بەرپرسیانی حیزبی ، بە نیشانی نەبوونی ئازادیی داناوێه که دیارە ئەمە نیشانی یی ئاگایی بەرپر «قائم مقام» لە رێوشوێنە حیزبی و رێکخراوەییەکان و بەتایبەتی یی ئاگایی و بیخەبەری تەواو لە حیزبی دیموکراتی کوردستان و بە شیوەیەکی گشتی میژووی خەباتی ئازادبەخراوەیی خەڵکی کوردستانە. لە عورفی حیزبە سیاسییەکاندا ئەوێه که بابەتێک بە ناوی یا بە ئێمەزای دەفتەری سیاسی یا کۆمیتەیی ناوەندی بۆ دەبیتهوێه بە مانایەییە که رێبەری و حیزب لە تەواوەتی خۆیدا لێی بەرپرسیارە.

بەرپر قائیمەقام لەوێه پتر چۆتە پێش و حیزبی ئێمەیی بە ملدان بۆ «تحت الحمایگی» (بەستراوێی) و داوای هێرش بۆ سەر ئێران لە لایەن وڵاتانی رۆژئاواوە ، تاوانبار کردووە و ئەمەشی بە نیشانی هەلپەڕستی و یی ئاوەزی داناوێه. سەرنج بەدەن: «حیزبی دیموکراتی کوردستان ، لە راستیدا بە راگەیانندی ملدان بۆ «تحت الحمایگی» داوای هێرش بۆ سەر ئێران لە لایەن وڵاتانی رۆژئاواوە لە ژێر ناوی «بەرپرسیارەیی پاریزگاری» بەهۆی رێکخراوی نەتەوێه یە کەرتووەکانەوێه دەکا. ئەم داوایە... تەنیا نیشانی هەلپەڕەستی و یی ئاوەزی ئەو تاقمەیی... ئەم جۆرە سیاسەتانە که لە خۆبە تەوێه زانیوە سەراچاوە دەگرن ، لە راستیدا دەستبەسەر داگرتنی وڵات بە یارمەتی چەکی خۆیان و هێزە رۆژئاواییەکانیان لی دەکەوێتەوێه و تەنیا دەبیتهوێه زیادبوونی هێزی نیوخۆیی سەرەڕۆیی و یارمەتی سەقامگیربوونی دیکتاتۆرەکان دەکا».

ئەو بەرپرە لە هیچ جیگایەکی وتارەکی و بۆ سەلماندنی هیچ کام لە بوختانەکانی بە پێویست نازانی کۆپلەیکە لە بەیاننامەکی حیزبی دیموکرات بە نموونە بێنیتەوێه. چونکە بۆخۆی دەزانی که لە سەرانی سەرنج بەیاننامە کەدا دەستەواژەییەکی نادۆزێتەوێه که ئەم تیگەیشتنانەیی لێ هەل بھێنێ. جگە لەمەش ، زۆر سەیرە که ملدان بۆ پاریزنامەکانی رێکخراوی نەتەوێه یە کەرتووەکان بە مەبەستی پشتیوانی لە خەڵکی ستەملێکراو و سەرووتکراو ، بە مانای ملدان بۆ «تحت الحمایگی» یی! لە سەر ئەم بناغەیی گواهی بەرەری

شۆرشگېزپرانى لىبى كە ئىستائىدى بە كردهۋە جەۋى كاروبارى ئەۋولاتەى لە دەست دابە ،
يا ئۆپۇزىسىۋنى پېشۋوى عېراق كە ھەر ئىستا دەسەلاتى سىياسىي ۋلاتى بە دەستەۋەبە ،
ئايا ھەموۋيان بىندەستى بە ستراۋەبىي ۋلاتانى بېگانەيان قېۋول كردهۋە ئىستا سەربەخۋىي
خۇيان لە دەست داۋە . بە راستى ئەمە تىگەشتىنكى شياۋى پىاھەلدانە !

سەرتىر ئەۋەبە نوۋسەر داۋاى پشتىۋانى نىۋەتەۋەبى لە خەباتى رزگارخۋازانەى
خەلك بە نىشانەى بى ئاۋەزى ۋ ھەنگاۋېك لە خزمەت سەقامگىر كىردنى دىكتاتورەكان
ناۋ دەبا . بە راستى دەبى بە بۆنەى ئەم كەشفە سەرسۈرھېنەرە ئافەرىنى پى بگوتىرئ !
دىارە ئەۋ بەرپزە دەسەلاتدارەتتى دىكتاتورەكان بە ھاۋواتاى نىشتەمان ۋ خەلك دەزانى
ۋ ھەر چەشنە ھەۋلىك بە مەبەستى لاۋاز كىردنى دەسەلاتى ئەھرىمەنىي ئەۋان بە واتاى
دەست بە سەرداگرتى تەۋاۋەتتى خاكى نىشتەمان دادەنئ . دىارە دەسەلاتىك كە نىيارانى
ئەۋتۋى لە رىزى ئۆپۇزىسىۋن دا ھەبە ، دەبى پىرۋزىبابى لى بىكرى چونكە بە راستى بەم
جۆرە بىر كىردنەۋەبەيان ئەۋان زىاتىر يارمەتى بە درېژ بوۋنەۋەى تەمەنى دىكتاتوران دەكەن
تالايەنگران ۋ داكۆكىكەرانى ئەۋ رېژىمانە .

لە بەشىكى دىكە لە وتارەكەى دا ، بەرپز «قائم مقام» لە گوپن كار بە دەستانى دەۋلەتتى
پېشۋوى ئېران كەۋتۋتە ستايش ۋ پىاھەلدانى (بە ساۋىلكە زانىنى خەلكى كوردستان) ۋ
ئەۋان بە سنوۋر پارىزانى ئازا ناۋ دەبا ۋ «بەرگىرى ئەۋان لە بەرامبەر ھېرشى ئەسكەندەر بۆ
سەر ئېراندا» ۋەبىر دېنېتەۋە . غافل لەۋە كە ئەۋ سەردەم بە سەرچۋە كە بىكرى كۆمەلانى
خەلكى كوردستان بەم جۆرە ناۋە بى نىۋەرۋكانە ھەلخەلە تىنرېن . خەلكى خەباتگىرى
كوردستان ھىچكەت لە خۇراگرى بەرامبەر دۈژماننى ۋلات ھەستىيان بە پەشىمانى
نە كرده ، بە لام ھەر لەۋ كاتەدا باش دەزان كە دەسەلاتدارانى پېشۋو ۋ ئىستائى ئېران ۋ
ئەۋ ھاۋنىشتەمانە شۆقېنىستانەى خۇيان بۆ بە دەستەۋەگرتى دەسەلات لە ئېران ئامادە
كرده ، ھىچكەت دىارىيەكى دىكە جگە لەم نازناۋ ۋ دروشمە بى نىۋەرۋكانەيان بۆ ئەم
نەتەۋەبە پى نەبوۋە ۋ پى ناپى .

ئەم بەرپزە لە بىرى نەچۋتەۋە كە يادىكىش لە كەرىمخانى زەند ، يەكېك لە پاشا

گهواره و دادپهروهه کانی ئێرانیش بکاتهوه که ته نیا نازناوی «وکیل الرعایا»ی له جیاتی ناوی شایه تی بۆخۆی هه لێژاردبوو ، به لکوو لهم ریگایه وه خه لکی کورد له دژی حیزبی دیموکراتی کوردستان رایه پێتی. وادیاره کاکێ نووسهر خه لکی خه باتگێری کوردستان به خه لکیکی نه زان و ساویلکه ده زانی. به پێژ! خه لکی ئیمه شانازی به گهواره کانی میژووی خۆیا نه وه ده کهن ، ههر له و کاته شدا به ته وای له م راستیه ئاگادارن که ئه گهر که ریمخانی زهند ته نیا نازناوی «وکیل الرعایا»ی له سه ر خۆی داده نا و لێپراو بوو که ده سه لاتینکی خه لکی له ولاته که ی جیگیر بکا ، هه بوون و زۆرن ئه و ده سه لاتدارانه ی که خۆیان به سیه ری خودا وه ند و نوینه ری خودا و نوینه ری ئیمام و هند ده زانن و له هه یچ چه شنه سته م و زۆرداریه ک ده رحه ق کۆمه لانی خه لک و به تایبه تی نه ته وه بنده سته کانی ئێران درێغیان نه کردوه .

نووسراوه که ی به پێژ «قائم مقام» قسه ی زۆر هه ل ده گری. به لام ههر به م کورته نووسینه ده پیرپه وه و ته نیا ئه م خاله ی ده خهینه سه ر که جگه له وه ی له به یاننامه ی ناوبرا ودا هه یچکام له و بابه تانه ی ناوبرا و داو نییه پال حیزبی دیموکراتی کوردستان ، نه به راشکاوی و نه به کینه ، نه ها توون ، حیزبی دیموکراتی کوردستان له نیوان ئێران و خه لکی ئێران له لایه ک و ده سه لاتدارانی کۆنه په رست و هاو بیڕانی ئه وان له لایه کی دیکه جیا وازی داده نی. له کاتیکدا به هه موو هه یزیه وه بۆ به کیه تی کردوه له گه ل هه موو حه یز و ریکخواه گه لیه کانی ئێران هه ول ده دا ، راشکا وانه و بی هه یچ شاردنه وه یه ک له دیکتا تویری زال به سه ر ئێراند و هاو بیڕان و پشتیوانیان ئه گهر له به رگی ئۆپۆزیسیۆنیش دابن ، بێزاره . ئه گهر ئیوه یا که سانی دیکه ش ئه م راستیه به جیا یخوازی ده زانن ، مه یلی خۆتانه . به لام دروشمی ستیراتیژیکی حیزبی ئیمه ههر وه ک ئیستا ، به ده سه ته پێنانی مافی ره وای خه لکی کوردستان له چوارچه وه ی ئێرانیکی دیموکراتیکی فیدرال دا ، ده مه پێته وه .

وہ لامیك بۆ كۆمیتەى ناوەندیى ریكخراوى یەکیەتیی فیداییانی گەلى ئێران

ناسر ئێرانپوور

هاورپییانی كۆمیتەى ناوەندیى ریکخراوی یەکیەتیی فیداییانی گەلى ئێران ،
سلأوی گەرموگۆری متان لی یی .

نووسەری ئەم دێرانه كە پێوەندی بە هیچ رەوتیکی تەشکیلاتی و سیاسیهو نییه ،
بەیاننامەى حیزبى دیموکراتى کوردستان و هەر وه ها هەموو هەلۆیستەکانى ئێوهى تاوتوئ
کردوو و ئێزى دەخوازى لە سەر ئەم بابەتە زۆر دۆستانە بەشداریی دیاڵوگى ئێوه بکا . بە
تایبەت ئەوهى كە بە نىسبەت ئەم شتەى كە ئێوه باسى دەكەن بى تەفاوت نییه و حیزبى
دیموکراتى کوردستان بە یەكێك لە رەوتە سیاسیه ئێرانییهکانى نزیک بە ئێوه دەزانى و لە
چوارچێوهى ئەم جارنامەیهى كە بە جى باسى كراوه ، خوازیارى هاوپەیمانی ئەم حیزبە
لەگەڵ ئێوه بووه و هەیه .

هاورپییانی فیدایی! ئێوه واتى گەیشتهوون كە حیزبى دیموکراتى کوردستان لە لایەك
داواى «كوردستانی گەوره» ی کردوو و لە لایەكى دیکهوه داواى لە رۆژئاوا کردوو

دەستپۆەردانى نيزامى لە ئێرانىش بکړئ. بى گومان دەبى بلېين که بۆچوونەکەى ئېوھ .بە
خۆشپيەوھ .هەلەيە .لېرە نامەهوى « ھاوچارەنووسى و ھاوھەلوپستى » ئېوھ لەگەل سى
کوچکەى بە قەولى خۆتان «ناسيۆناليستە توندپروەکان» ى ئېران ، لەگەل «کۆمارى»
ئىسلامى و لەگەل حاکمە نەزانەکان بە چاوى ئېوھ دابدەمەوھ .تەنيا دەمەهوى بە
گشتى ھەموو جياوازى و لەوانەيە کيشەکانى ئېوھ لەگەل حيزبى ديموکراتى کوردستان
(و دلياشم لەگەل حيزبى ديموکراتى کوردستانى ئېران) دا باس بکەم و لەکۆتايى ھەر
بەشېک دا چەند پرسباريک ئاراستەى ئېوھ بکەم.

۱. ئېوھ ريکخراويکى سياسى چەپ .و بە راي من .سەرأسەرى خۆشناوى ئېران. لە
قوولايى دلەوھ ھىواى بەھيژ بوونى ھەرچى زياترى ريکخراوھەکان دەخوازم ، ئەويش نە
وھک ئېرانپيەک ، بەلکۆو بە تايبەت ، بە ھۆى ليک تيگەيشتن و يەک دلى و ھاوزمانپيکى
کورد. من پېم وايە کە لە داھاتوودا دەبينين ئېوھ و حيزبى ديموکراتى کوردستان (بە ھەر
دووک بەشەوھ) و کۆمەلە بەرەيەکى ديموکراتيک پيک دېنن. بزوتنەوھى سەرأسەرى
فيدايى و بزوتنەوھى ميللى .ديموکراتيکى کوردستانى ئېران دوو بنەماى سەرەکى بەرەى
خەلکى و ديموکراتيک و تەنانەت حکومەتى داھاتووى ئازادى ئېران دەبن. ئەم متمانەو
ھىوايە لە نزیک بوونى بەرنامەى ئەم چەند جەريانە سياسىيە سەرچاوھ دەگرئ. ھىوادارم
بەم باسانە تيگەيشتنى ھاوبەش لە سەر ئەو بابەتانەى جيگەى باسن زۆرتربن و لەکۆتايى
دا بپيئە سەرەتايەک بۆ يەگرتوويى و پيک ھينانى بەرە لە نيوانيان دا.

۲. سەرەراى ئەمانە دروست نيە کە چاوھروان بين ئەم حيزبانە خوپندنەوھ و ئەدەبيات
و ئەرکى سەرشانيان ھاوبەش بى. بە ھەمان شپۆھ کە سەير نيە ئېوھ روانگەيەکى ئېرانى بە
ماناى گشتى وھک يەکتان ھەبى ، ھەلەش نيە کە حيزبى ديموکراتى کوردستان بە تپروانيى
کوردى و بەرژوھەندى گشتى و نەتەوھيى خەلکى کوردستان رووداوھکان ھەلسەنگيئى و
ھەلوپست بگرى. لەم چوارچيۆھيە ئەوھ نەک ھەر ماف ، بەلکۆو تەنانەت ئەرکى حيزبى
ديموکراتى کوردستان و حيزبى ديموکراتى کوردستانى ئېران و ئەم حيزبانەيە کە خۆيان
لە شەبەنگى کۆمەلە دا پيناسە دەکەن ، بۆ دەستەبەرکردنى پشتگيري نۆنەتەوھيى و بە

تایبەت رۆژئاوا و ریکخراوی نێۆدەوڵەتی و کۆمەلگە نێونەتەوەییەکانی دیکە ، تەنانەت دەوڵەتە رۆژئاواییەکان بۆ خەباتی خەڵکی کوردستان لە ئێران ، عێراق ، تورکیە و سووریه هەوڵ دەدەن . لەوانەیە بۆ ئێوە مەسئەلەی فەلەستین سەرەکی و مەسئەلەی کوردستانی تورکیە و سووریه و عێراق لاوەکی بێ . زۆر باشە ، بەلام ئێم چاوەڕوانیە لە حیزبەکانی کوردستانی ئێران بەجێ نە . لە ئێوە دەپرسم تا ئیستا چەند ریکخراوی سیاسی « ئێرانی » و بە روالەت « گشتی » لە پێنەندی لە گەڵ بۆردومانە بەردەوامەکانی کوردستان لە لایەن تورکیە و ئێران بە روالەتیش بێ دژگەردەواییان نیشان داوە و ناپەزایەتیان دەربرپووە ؟ ئێوە پێتان وایە کە حیزبەکانی کوردستانیش دەبێ هەلۆیستیک بێم شیوەیان هەبێ ؟ ئێگەر وایە ئێمە بێرۆکەبەکی هەلەبێ . باسی کوردستانی تورکیە و عێراق و سووریه باسی سەتەمیکی میژووویی ، چەوساندنەووەو بێبەری کردنی نەتەوەیکە ، ئیستا ئێگەر ئێم نەتەوەیکە لە جوغرافیای سیاسی ولایتیک دایێ یان نا . ئێم وەتەیکە بە مانای لە « داوی کوردستانی گەورە کەوتن » دا نیە و لە هیچ جێگەیکە لەم راگەیەندراوەدا ئاماژە بێ نەکراوە .

۳ . ئێوە نووسیتوانە کە ئێم هەلۆیستە لە گەڵ هەلۆیستی پێشوو ئێم حیزبە و حیزبی دیموکراتی کوردستانی ئێران و دوکتور قاسملوو جیاوازی هەبێ . بە هیچ شیوەیک وانیە . ئاشکرایە دوکتور قاسملوو لە هیچ هەولێکی دیپلۆماتیک بۆ دەستەبەرکردنی وەها پشتیوانییەکی خۆی نەبۆارد و ئەمەش یەکیک لە سەرەکیترین نیکەڕانی و خەزمەتەکانی ئێوە بوو . هەتا کوو جێگەیکە کە مەسەلە کە بۆ حیزبی دیموکراتی کوردستانی ئێرانیش دەگەرێتەو ، لەوانەبێ وەبیرھێنانەووەی نامەی کاک مستەفا هێجری بۆ بووش بەس بێ . سەرەپای ئەمەش ئێم نامەیک بە چەشنێک بوو کە لە وانیە بێتوانین . لانی کەم لە بواری چۆنیەتی دەربرپیدا . رەخنە بگرین . بۆ ئاگاداریتان ئێم راگەیەندراوە زۆر پوخترو سیاسیتەر و کۆدەنگی رووناکبیرانی کوردستان و هەروەها بیروای گشتی بزوووتەووەی کوردی لە سەرە . بە هەر حال ، گۆڕینی هەلۆیست لەم راگەیەندراوەدا نابیندرێ . لە وانیە ئێم شتێک کە لەم راگەیەندراوەدا نوێ بێ لێدوانێکی ئاشکرایە کە من بە شەخسە پێم باشە .

٤. ئێوه ئاماژهتان به نارێك و پێكی ههلوێستی حیزبی دیموکراتی کوردستان کردووه. لێره جێگهی خۆبهتی له ئێوه پرسیین که ئێوه تا چ رادهیهك باوهڕتان به دروشمی « مافی دیاری کردنی چاره نووس » ههیه که له م نامهیه دا باستان کردووه ؟ مه گهر به م شیوه نیه که ئهم ئه سله مافی جیا یخوازی و سه ره به خۆیی کوردستانیش ده گرێته وه ؟ پاشانیش مه گهر ئێوه بۆخۆتان باس له وه ناکهن که تا ئێستا رێبه ران و کادره کانی ئهم حیزبه داکوکیان له سه ره چاره سه ری مه سه له ی کورد له چوارچێوه ی ئێرانیکی دیموکراتیکی فیدرا لدا کردووه ؟ که وا بوو له بهر چی گومانی جیا یی خوازیتان هه یه وه ده ئێین که ئهم حیزبه له داوی (!) سه ره به خۆیی کوردستان دایه ؟ به راستی ره وتێک که ئیمانی به مافی دیاری کردنی چاره نووسی نه ته وه یی هه یی ، سه ره به خۆیی نه ته وه یه ک به « داو » نازانی ، ته نانه ت ئه گهر لایه نگریشی نه یی.

٥. لێره پرسیار ئه مه یه : تا ئێستا جیا له هیندیک باسی ئۆبژه کتیف و دروشمی « مافی دیاری کردنی چاره نووس » بۆ ئهم نه ته وه ٤٠ میلیۆن که سیه ، نه ته وه یه ک که سه ره پای ئه وه یه که له چوارچێوه ی سنووره کانی ئێستای ئێران دایه یان نا ، له بنه رته دا نه ته وه یه کی ئارییه ، چتان کردووه ؟ مه گهر ئێوه ریکخراوێکی ئازادی خوازو یه کسانی خواز نین ؟ ئایا ئاگاتان لێیه که له کوردستانی تورکیه چی روو ده دا ؟ ده زانن که کێشه ی حکوومه تی هه رێمی کوردستان له گه ل حکوومه تی ناوه ندی عێراق و ده و له تی ئامریکا له سه ره چیه ؟ ئه گهر ده زانن ، هه لوێستی ئێوه سه باره ت به م مه سه له یه چیه ؟ ئاگاتان له بارودۆخی کوردستانی سووریه هه یه ؟ ئایا روونا کبیری ئێرانی ده یی ته نیا ئه گهر له که ناره که رتی غه زه یان هینانه بهر باسی مه سه له ی ئیسلامگه راکانی تورکیه شتێک رووی بدا ، تا بۆ بهرگری کردن له خه لکی فه له ستین (که به پێچه وانه ی نه ته وه ی کورد پشتیوانی رۆژه لآت و رۆژئاوا ، کۆمۆنیست و ئیسلامی) یان له پشته ، راگه به ندراو ده ر بکا ؟ ئه گهر باسی ره خنه و سکا لایه کی دۆستانه یی ، روونا کبیرانی کوردستان سینگیان پهر له م ره خناهه . ئه ستێره یه ک له ئاسمانی پر ئه ستێره بۆ کوردستان به ره وا نازانن ، ته نانه ت له لایه ن ئهم که سانه ی که خۆیان به بهرگری کاری ئه وان ده زانن . من بۆخۆم یه کێک له ره خنه گرانی

قسە لە پرۆوی پ.ك.ك. بووم ، بە لām بە داخەووە زۆر ناجوانمێرانەو نامرۆڤانە ، نەمدیت کە لە نیوان ۲۰۰ دەوڵەت لە جیهاندا ، دەوڵەتێک پەنا بە رێبەرەکیان بدا . ئەم مەسەلەیە بە ھۆی نادروستی سیاسەتەکانیان نیە بە لکوو بە ھۆی ستەم لیجووویی ئەم نەتەووە بێ پەناو بیدۆستە . ئەم نامەیی ئێوەش بێ ئەوێ کە بۆ خۆتان بتانەوێ ئەم تێگەشتنە بە ھێز دەکا .

۶ . ئێوە نووسیتانە کە حیزبی دیموکراتی کوردستان « چاوەرپی ھێزە دەرەکییەکانە کە خەلکی کورد لە کوردستانی ئێران رزگار بکەن » لێرەدا لە سەرەتا دەبی بڵیین کە باسی حیزبی دیموکراتی کوردستان باسیکی گشتیە و تایبەت بە کوردستانی ئێران نییە . پاشان لەم راگەییەندراوە دا . ئەگەر گومانی ناسیۆنالیستی و دژە ئیمپریالیستی نادیموکراتیک وەبەر چاو نەگیرێ . « وەك چاوەرپی بوونی ھێزە دەرەکییەکان » لەم مەسەلەییە تێناگەن ، بە لکوو وەك بانگەیشت کردنی جیهان بۆ سرنجدان بە بارودۆخی نەتەووەیی کی ستەم لیکراو و پارچە پارچە کراو سەیری دەکری . ئەو جار ، بە دان پێدانان ، لە نیوان ئێوە و حیزبی دیموکراتی کوردستان ، لە سەر مەسەلەیی ھێرشێ روژئاواو ناتۆ بۆ حکومەتەکانی لیبی و سەدام روانگەیی جیاواز ھەییە . ئەوێ کە وەھا ھێرشێک بۆ بەرگری کردن لە بەرژەوێندیەکانی خەلکی ئەم وڵاتانە نەبوو و نایێ شتێکە حاشا ھەلە گر . بە لām لە راستیشدا ئەم جوړە تێگەشتنە کە ئەم ھێرشانە دژی بەرژەوێندی خەلکی ئەم وڵاتانە ، ھەلەییە . بە تایبەت ئەم تێگەشتنە کە دەلی رووخاندنی دیکتاتۆرەکان بە دەستی روژئاوا بێ ئەملاو ئەملا دیکتاتۆری دیکەیی لێدەکەوێتەو .

چارەنووسی عێراق ئیستاش روون نییە . ھەر بۆیە ناتوانین لەم بارەووە وەھا بریارێک بدەین . بە ھەر حال پێم وانییە کە لەمەو بە دوا ھیچ سیستمیکی دیکتاتۆری وەك حکومەتی سەدام بتوانێ دەسەلات بە دەستەووە بگری . جگە لەوێ کە ، کوردستانی عێراق لە ژێر چە کەمەکانی سەدام شتیکی نەبوو کە لە دەستی بدا ، بە ھەر حال ئەوێ کە ئەمرۆ ئێمە دەبینین ، ئەگەر دلخوازیش نەبی ، دیکتاتۆری نییە . نادادپەرەرانەیی ئەگەر تێکەڵچوونەکانی تاقمە کۆنەپەرستەکانی شیعی و سوننی لایەنگری حکومەتی

ئیسلامی ئێران و عه‌ره‌به‌ستان به‌ حیسابی ئامریکا و سیستمی عێراق دانیین. له‌ چه‌ند ولاتی دیکه‌ ، هێرشى رۆژئاوا و ناتۆ بۆته‌ هۆی دیکتاتۆرى ؟ له‌ ئالمان ؟ ژاپۆن ؟ یان یوگۆسلاوى ؟ هاورپایانى خۆشه‌ویست! ئه‌وه‌ ئیمه‌ین که ده‌بی داوا له‌ ئیوه‌ بکه‌ین که ئه‌گه‌ر هه‌ر چه‌شنه‌ شک و گومانیکتان هه‌یه‌ که پێوه‌ندیدارن به‌ بیروکه‌ ده‌ ئیمپریالیستی و ده‌ ئامریکاییه‌ نا دیموکراتیکه‌ کان وه‌لایان بنین. به‌شیک له‌ چه‌پی ئێران ئیستاش گیرۆده‌ی داوی ده‌ ئامریکای سه‌رده‌می شه‌ری ساردن که سه‌رچاوه‌که‌ی بلووکى رۆژه‌لات و حیزبه‌ کۆمونیسته‌کان و حیزبی تووده‌ی ئێرانه‌ و به‌م زووانه‌ش بیروکه‌و کلتورى ده‌ رۆژئاوایی و له‌ راستی دا ده‌ ژماره‌ستانی ئیسلامگه‌راکانه‌.

هاورپایان! ئاشکرایه‌ که کوردستان ناتوانی له‌ که‌لینی نیوان رۆژئاوا و حکومه‌ته‌ گه‌لێک وه‌ک «کۆمارى» ئیسلامی سوود وه‌رنه‌گرێ (به‌ هه‌مان شیوه‌ که له‌ ده‌ییه‌تی کردنی ئه‌م ده‌وله‌ تانه‌ی که به‌ سه‌ر کوردستاندا حاکیمن به‌رده‌وام قازانجی کردوه‌). بۆ ده‌بی حکومه‌ته‌ کۆنه‌ په‌رست و فاشیسته‌کانی تورکیه‌ و ئێران بۆ سه‌رکوت کردنی بزوتنه‌ی کوردستان ده‌ست ده‌خه‌نه‌ ده‌ستی یه‌ک و ئامریکا راسته‌وخۆ پشتگیریان بکا ، به‌ لām له‌ به‌رچى ده‌سته‌ به‌رکردنی پشتیوانی ئامریکا. به‌ هه‌ر مه‌به‌ستیک له‌ لایه‌ن ئه‌و ولاته‌ یی. بۆ پووچه‌ل کردنه‌وه‌ی به‌ره‌ی ده‌ ژبوتنه‌وه‌ی کوردستان هه‌له‌یه‌ ؟ دیسان له‌ کۆتایی دا راده‌گه‌یه‌نم که تائیس‌تا بزوتنه‌وه‌ مه‌ده‌نییه‌کانی ئێران ده‌ریان خستوه‌ که خه‌لکی ئێران به‌ ته‌نیا یی توانای رزگار بوون له‌ ژیر که‌له‌وه‌ی حکومه‌تی ئیسلامی ئێرانیان نییه‌ و بزوتنه‌وه‌ی ئه‌وان ده‌توانی و له‌ وانیه‌ ناچار یی پشت به‌ هێرشى نیزامی. رۆژئاوا. به‌به‌ستى و ئامریکاش راسته‌وخۆ پشتگیریان لێ بکا ، له‌ کاتی‌کدا که بزوتنه‌وه‌که‌ به‌ربالۆ یی و وه‌به‌ر توندوتیژی سه‌رکوت کردن بکه‌وئ ، ناتوانین و نابیی له‌ به‌رامبه‌ر هاوکارى نیزامی رۆژئاوا که ئیوه‌ به‌ هه‌له‌ پێی ده‌لێن «ده‌ستپه‌ردانی نیزامی» ، نا په‌زایه‌تی ده‌ربهرین. حاشاهه‌لنه‌گره‌ که دوژمنی سه‌ره‌کی خه‌لکی ئێران که بۆته‌ له‌مپه‌ر له‌ سه‌ر ریگه‌ی دیموکراسی ، حکومه‌تی ئیسلامی ئێرانه‌ ، حکومه‌تیک که له‌ هیچ هه‌ولێک بۆ له‌ ناو بردنی بزوتنه‌وه‌ی مافخوازانیه‌ی خه‌لکی ولاته‌ که مان سلی نه‌ کردوه‌. که‌واته‌ بۆ ده‌بی له‌ رووخاندنی وه‌ها ریژیمیک به‌ ده‌ستی لایه‌نیکى دیکه‌ ، له‌ کاتی‌کدا که

بۆخۆمان ئەم توانایەمان نییە ناپارازی بین ؟ ئەم کارە لە پلەى بەرتەردا بۆ بزوتنەوێ کوردستانیش راستە کە نە هەر لە گەڵ حکوومەتێکی فاشیستی ، بە لکۆو لە گەڵ چوار حکوومەتی لەم چەشنە بەرەوپەر بوو ؟ لیکدانەوێ ئێوە ئەمە دە گەیهێنێ کە ئێوە هەلبژاردەى سووریەتان کە هەتا ئیستا نزیکەى ۳۰۰ کەسى مەدەنى کوشتوو ، پێ باشتەر لە لیبی کە دیکتاتۆرەکی وەک سەدام خۆی حەشار داووە و رای کردووە . ئەمە بنەمای جیاوازی روانگەى ئێوە لە گەڵ حیزبى دیموکراتى کوردستانە . لە بیرمان نە چێ کە لە سەرەتاوە ئۆپۆزىسیۆنى لیبی لە « دەستپەرەدانى » رۆژئاوا بۆ وڵاتەکی ناپارازی بوو ، پاشان بەردەوام پەيامی دەنارد کە بۆ ناتۆ ھێرش ناکاتە سەر حکوومەتی لیبی و چەترێکی ھەوایی بۆ پارێزگاری کردن لە ھێرشە ھەواییەکانى حکوومەتی قەزافی دانامەزێنێ . ناتۆ و لای ئەرپێ بەم بانگەپێشتە دا کە ئە گەر وەھا و لامێکی نەدا باوە ، جەنابی قەزافی گیانی کەسانىکی زیاتری دەگرت ، بێ ئەوێ کە پرۆخێ ، ھەمان مەترسی کە ئیستا لە سووریە ھەییە . لە کۆتایى دا بۆ لە رەواندەوێ شک و گومان جەخت دەکەمەوێ کە ناپارازی بوون بۆ ھێرشى سەربازى و تەنانت داواى ھێرشیش . دیسان دووپاتى دەکەمەوێ - بەم مانایە نێ کە گواپە چاوەرپوانى لە رۆژئاوا دەکرێ ئێران یان کوردستان رزگار بکا ، ھێرشى رۆژئاوا تەنیا دەتوانێ رۆلى ھاوکارى کردن بۆ بزوتنەوێکی ھەبێ کە لە راستى دا بوونی ھەییە ، بزوتنەوێک کە لە ئاستى لەنیوچوون بە دەست رێژیمیکی زالم و سەروکتەر دایە . کەواتە لە بنەپەتدا بزوتنەوێکی جەماوێرى لە گۆرێ دا ھەییەو لە کۆتایى دا ئەم یارمەتیىە رۆژئاوا دەتوانێ بزوتنەوێ مەوجود رزگار بکا . ھەر وەک بۆ خۆتان دەزانن ، لە کوردستانى عێراقیش بزوتنەوێک بەم شیوێ ھەبوو . بەلام ئەم بزوتنەوێ ، بێ ھاوکارى ئامریکا و ھاوپەیمانیەکانى نەیدەتوانى لە دەست رێژیمی سەدام رزگار بێ کە نەتەنیا دۆزمنى گەلى کورد بە لکۆو رۆژئاوا و وڵاتانى دراوسێ باشوورو رۆژئاوا و رۆژھەلاتى خۆشى بوو . ئایا ئێوە پێتان وایە دەبوایە دژیەتی ئەم پێکدادان و ھاودەنگیە بەرێکەوتەو رەنگە کاتییە بەرژەوێ خەلکی عێراق و رۆژئاوا کرابا بەنرخى مانەوێ ئەم جورە رێژیم ؟ ئەم کارە لە پێوەندى لە گەڵ حکوومەتی ئیسلامی ئێران ، حکوومەتێک کە ئە گەر جینایەتەکانى زۆتر لە جینایەتی رێژیمی سەدام نەبێ ،

که متر نیه ، حکوومه تێک که به هه زاران کهس دیلی سیاسی ته نیا له چهند رۆژ دا کوشت و له نیو برد ، حکوومه تێک که زۆر جینایه تی دلته زینیی له کوردستاندا کرد ، حکوومه تێک که سنووری به زاند و دهستی گه یشته ههر شوپینێک جینایه تی لێ کرد و ریزه یه کی زۆری له زانایان و ربه ره گه وره کانی کوردستان و ئێرانی ناجوامێرانه کوشت .. ده رده که وئ . نه ئامریکا و نه حکوومه ته دیموکراتیکه کان (ههر حکوومه تێک به رای ئیوه دیموکراته) به لکوو ههر شهیتانێک « که بیهه وئ بۆ ئهم کاره هاوکاری خه لکی ئێران و کوردستان بکا ، به ههر هۆیه که وه بئ و ههر چه شنه به رزه وه ندیه کی بۆخۆی تیدایی ، له راستیدا له گه ل دژایه تی من به ره ور و نابیته وه ، چونکه ئه وه به دژی به رزه وه ندیه کانی خه لکی ئێران و کوردستان نازانم .. (ئهم مه سه له یه پپووستی به قسه و باسی دوور و درێژتر هه یه . به لام له بهر ئه وه ی که به ئینمان دا بوو به کورتی باسی بکری ، بۆ ئیستا ههر ئه وه ندیه به سه .)

وه رگێران بۆ کوردی : ئاله شین

هانا بردن بۆ کۆمه‌لگای نیۆده‌وله‌تی مافی ره‌وای چه‌وساوه‌کانه

(به‌داکوکی له‌به‌یاننامه‌ی حیزبی دیموکراتی کوردستان)

ئازاد زه‌نگه‌نه

به‌یاننامه‌ی ده‌فته‌دری سیاسی حیزبی دیموکراتی کوردستان له‌ریکه‌وتی ٥ی سپتامبه‌ری ٢٠١١ به‌رامبه‌ر له‌گه‌ڵ ١٤ی خه‌رمانه‌ی ١٣٩٠ی هه‌تاوی، له‌گه‌ڵ پێشوازیی گه‌رمی هاو‌نیشتمانانی کورد له‌ناوچه‌ جۆراوجۆره‌کانی کوردستان پ‌رووبه‌پ‌وو و لایه‌نگران له‌ریگه‌ی ئامرازه‌ جۆراوجۆره‌کانی پ‌یوه‌ندیگرتن، د‌ل‌خوشی و ره‌زامه‌ندیی خۆیان له‌نیوه‌ڕۆکی ئه‌و به‌یاننامه‌یه‌ ده‌رب‌ری که‌ ئه‌وه‌ خۆی نیشانه‌یه‌کی دیکه‌ له‌گه‌شه‌ی سیاسی و هوشیاریی جه‌ماوه‌ری کورده‌. دیاره‌ چاوه‌پ‌روان نه‌ک‌راو نه‌پ‌وو که‌ لایه‌نه‌کان و حیزبه‌کانی ئۆپۆزیسیۆنی ئێرانی ئه‌و به‌یاننامه‌یه‌ پ‌شتگۆی بخه‌ن یا د‌ژایه‌تی خۆیانی له‌گه‌ڵ بنوی‌ن. به‌مه‌به‌ستی ب‌وه‌لام نه‌ه‌یشتنی هه‌ر جۆره‌ خراب تیگه‌یشتنیک له‌لایه‌ن ر‌یک‌خ‌راو و لایه‌نه‌کانی ئێران یا نا ئێرانی به‌شیوه‌ی خواره‌وه‌ ئامازه‌ به‌چه‌ند خالی‌ک ده‌که‌ین:

١_ به‌دوای کۆتایی هاتنی شه‌ری دووه‌می جیهانی شکستی یه‌کجاره‌کیی به‌ره‌ی فاشیستی (ئالمان-ئیتالیا-ژاپۆن) که‌ بووه‌ هۆی ت‌یداچوونی گیانی ده‌یان میلیۆن م‌رو‌فی

بئ تاوان و وێرایی بوونی ده‌یان هه‌زار شار و شارۆچکه و گوندی هاو‌په‌یمانی دیموکراتی ئه‌ه‌کات ده‌سه‌لاتدارانی ولاتانی سه‌رکه‌وتوو بۆ ئه‌وه‌ی بۆ جاریکی دیکه کاره‌ساتیکی له‌م چه‌شنه‌ روو نه‌دا به‌ ده‌رکردنی مه‌نشوو‌ری نه‌ته‌وه‌یه‌ ک‌گرتوو‌ه‌کان ، ریک‌خراوی نه‌ته‌وه‌یه‌ ک‌گرتوو‌ه‌کان و شوو‌رای ئه‌منیه‌ت‌یان دامه‌زراند و به‌ داوای ئه‌ودا جارنامهی جیهانی مافی مرۆف و په‌یمانامهی جۆراو‌جۆری مه‌ده‌نی و ئابووریان دارپشت و په‌سه‌ندیان کرد که له‌راستیدا وه‌ک یاسای بنه‌ره‌تیی کۆمه‌لگه‌ی شارستانی مرۆف دینه ئه‌ژمار . مه‌نشوو‌ری نه‌ته‌وه‌یه‌ ک‌گرتوو‌ه‌کان به‌ جارنامهی جیهانی مافی مرۆف پارێزهری خۆاسته‌کانی مرۆفی پێشکه‌وتوو و ئاکامی خه‌باتی ۱۵۰ ساله‌ی شۆرشگێڕان و دیموکراته‌کان و ئازادپه‌روانی نه‌ته‌وه‌کان ، له‌ پێناو بنیاتنانی دنیایه‌کی به‌دوور له‌شه‌ر و خۆپه‌رشتن و دواکه‌وتوویی بوو . مه‌نشوو‌ری نه‌ته‌وه‌یه‌ ک‌گرتوو‌ه‌کان مافی هه‌موو نه‌ته‌وه‌کان و ئیتیکه‌کانی بۆ ده‌ستنیشانکردنی چاره‌نووسی خۆیان به‌ فه‌رمی ناسیوه و له‌سه‌ر ئه‌و بنه‌مایه وه‌ک مه‌رجی پێویست و سه‌ره‌کی ئاشتی و ئاسووده‌یی و ئازادی جه‌ختی کردۆته‌وه‌ . جارنامهی جیهانی مافی مرۆفیش ، مافی په‌کسانی هه‌موو مرۆفه‌کانی به‌ده‌ر له‌ ئیتیک ، ره‌گه‌ز و ئایین به‌ فه‌رمی ناسیوه و تابه‌تی له‌ ئه‌سلی په‌که‌م دا ، له‌سه‌ر مافی په‌وای راپه‌رپینی نه‌ته‌وه‌کان له‌ به‌رامبه‌ر زۆر و سه‌رکۆت دا پێی دا گرتوه‌ . راگه‌یه‌ندراوی نه‌ته‌وه‌یه‌ ک‌گرتوو‌ه‌کان به‌مه‌ش قه‌ناعه‌تی نه‌کردوه به‌لکوو ریکه‌ی پاراستنی ئه‌و مافه‌ی شی کردۆته‌وه‌ و شوو‌رای ئه‌منیه‌تی به‌ پاراستنی ئه‌و مافه ئه‌رکدار کردوه . ۲_ له‌ پێوه‌ندی له‌ گه‌ل به‌ کار هێنانی مافی دیاریکردنی چاره‌نووسی نه‌ته‌وه‌و ئیتیکه‌کاندا هه‌یج بقه و هه‌یله‌کی سوور بوونی نییه . ریکه‌وتنه‌نامه‌ی ۱۹۷۵ی نیوان په‌کیه‌تی سوفیه‌ت و ولاتانی ئوروپایی و ئه‌مریکا ، له‌ پێوه‌ندی له‌ گه‌ل به‌ فه‌رمی ناسینی سنووره‌کانی ئه‌و ولاتانه ریک‌ر نه‌بووه له‌وه‌ی که به‌ داوای شکستی په‌کیه‌تی سوفیه‌ت له‌ شه‌ری سارد دا ، کۆماره‌ نارووسه‌کانی هاو‌په‌یمان له‌ گه‌ل په‌کیه‌تی سوفیه‌ت به‌ سه‌ربه‌خۆیی په‌که‌جاره‌کی بگه‌ن و وه‌ک ئه‌ندامی نه‌ته‌وه‌یه‌ ک‌گرتوو‌ه‌کان قبوول بکری‌ن . هه‌روه‌ها ده‌سته‌به‌رکردنی سه‌ربه‌خۆیی و سنووره‌کانی یوگوسلاوی له‌ ریکه‌ی سی په‌یمانی نیوده‌وه‌له‌تیه‌وه‌ و سه‌ره‌پای خۆراگری قاره‌مانانه‌ی

پارتیزانه کانی یوگوسلاوی به رێبه‌ری تیتۆ له به‌رامبه‌ر ئالمانی هیتلیری دا ، نه‌توانی پێش به‌سه‌ربه‌خۆیی کۆماره‌کانی سلۆڤینی ، کۆرۆواسی ، بۆسنی هه‌رزه‌گۆیین و مه‌قدونیه‌ بگرێ. شوورای ئه‌منیه‌تی نه‌ته‌وه‌یه‌ کگرتوووه‌کان به‌ پشت به‌ستن به‌ هه‌مان ئه‌سلی <ئه‌رکی پاراستن> هێرشێ نێزامی به‌ دژی رێژی می ئه‌وکاتی یوگوسلاوی په‌سند کرد و به‌ ئه‌ندامی گه‌یاند.

دیاره‌ شوورای ئه‌منیه‌ت هه‌نگاوی گه‌وره‌تریشی هه‌ڵبناوه‌ و چهند ساڵ دواتر سه‌ره‌رای په‌یمانیک که ئه‌مریکا له‌ گه‌ڵ سێرستان واژۆی کردبوو ، داوای سه‌ربه‌خۆیی خه‌لکی و یه‌کیه‌تی کۆزوقۆی سێرستانی به‌ ره‌وا زانی و به‌ هێزی نێزامی به‌ سه‌ر سێرستانی دا سه‌پاند و سه‌ربه‌خۆیی کۆزوقۆی به‌ په‌سندی شوورای ئه‌منیه‌ت گه‌یاند دیاره‌ هێناوه‌ی نمونه‌ی دیکه‌ له‌ به‌کارهێنانی مافی پاراستن ده‌بێته‌ هوێ درێژدارێتی ، ته‌نیا ئاماژه‌ به‌ راگه‌یاندن و به‌ فه‌رمی ناسینی باشووری سوودان و جیاپوونه‌وه‌ی ئه‌و وڵاته‌ له‌ سوودان ده‌که‌م.

٣_ دیاریکردنی دروشمه‌ ئیستراتژیکی و تاکتیکیه‌کانی هه‌ر حیزبیک له‌ هه‌لومه‌رجی دیاریکراوی میژووپی دا به‌ سه‌رنجدان به‌ دۆخی واقعی و زه‌ینی و به‌راوردی خاڵه‌ لاواز و به‌هێزه‌کان و هاوسه‌نگیی هێزه‌کان ، له‌ ده‌ست رێبه‌ری هه‌ر حیزبیک دایه‌ که به‌ تێپه‌رینی کات و له‌ به‌رچاوه‌گرتنی ئه‌زموونه‌ پراکتیکیه‌کان ده‌کرێ پێدا چوونه‌وه‌یان پێدا بکری. دیاریکردنی ئه‌و دروشمانه‌ له‌ هه‌لومه‌رجیک دیاریکراو دا به‌ واتای هاتنه‌ خواره‌وه‌ی وه‌حی نییه‌ و هه‌ر به‌وجۆره‌ی ئاماژه‌ی پێ کرا ، رێبه‌ری حیزب به‌ له‌به‌رچاوه‌گرتنی ئالۆگۆری هه‌لومه‌رجی به‌ره‌هه‌ست و زه‌ینی و هاوسه‌نگیی هێزه‌کان و ئه‌زموونه‌ پراکتیکیه‌کان ده‌توانێ به‌و دروشمانه‌ دا بجێته‌وه‌ و ئه‌وان له‌ فورمیک نوێی دیکه‌ دا راگه‌یه‌نی. دیاره‌ به‌ گوێره‌ی سه‌رده‌م هاوپه‌یمانی یا هاوپه‌یمانه‌ ئیستراتژیکی و تاکتیکیه‌کانی خۆشی دیاری ده‌کا و ده‌یانناسێ. به‌م پێیه‌ له‌ دیاریکردنی ئه‌و جۆره‌ بریارانه‌ دا جگه‌ له‌ راستیه‌ به‌ره‌هه‌سته‌کان و ئه‌زموونه‌ پراکتیکیه‌کان هه‌یچ فاکته‌ریکی دیکه‌ له‌ به‌رچاوه‌ ناگیرێ و به‌ تایبه‌تی هه‌بوونی مه‌به‌ستی باش یا بروابوون به‌ هه‌یچ رێخه‌راوێکی سیاسیی چیدیکه‌

ناتوانی وهک فاکته رێکی کاریگەر له بهرچاو بگیری.

٤ _ حیزبی دیموکراتی کوردستان له لایان نهمر قازی محهمه دهوه دامهزرا و کۆماری کوردستانیش ههر له لایه ن ئه وه که سایه تییه نه مهروه راگه یه ندرا. رێبه ری ئیستای ئه وه حیزبه ش ههر هه مان ناوی به بی هیچ پاشگیریکی قبول کردوه و بو جاریکی دیکه ئه وه ناوه ی به فه رمی ناسیوه. له روانگه ی قازی محهمه د کورد یه ک نه ته وه یه و سنووره داسه پاوه کانی ده وه له ته کانی حاکم به سه ر ناوچه که نه یده توانی بیته هۆی دابه شکردنی کوردستان یا تیکدانی سنووره میژوویی _ نه ته وه یی یه که ی. له کۆماری کوردستان دا ههر تاکیکی کورد له ههر یه ک له ناوچه کانی کوردستان ده ی توانی بیته هاوولاتی کۆمار و له سه رجه م مافه کۆمه لایه تی و تاکه که سییه کان ههر وه ک دانیشته وانی مه هاباد به هره مه ند بیته. به م پێیه کاتیک بارزانییه کان به رێبه ری ئایینی شیخ ئه حمه د و به رێبه ری نیزامیی مه لامسته فا بارزانی ها تنه مه هاباد، له ته واولی ماف و ئیمتیازه کانی خه لکی مه هاباد به هره مه ند بوون و بارزانی نه مر وه ک ژنرال بارزانی سه رکردایه تی سه رجه م هیزه چه کداره کانی کۆماری کوردستانی وه ئه ستۆ گرت. پیده چی رێبه ری ئیستای حیزب ئه وه نه رینه میژوویی یه هه روا به رز و پیروز را بگری.

٥ _ داوای رێبه ری ئیستای حیزبی دیموکراتی کوردستان له شووړای ئه منیه تی ریکخراوی نه ته وه یه ک گرتووه کان بو به ئه نجام گه یاندنی <ئهرکی پاراستن> له هه مبه ر ههر چوار پارچه ی کوردستان، نه له رووی هه ست و سۆز، به لکوه له سه ر بنه های راستیه به ره هه ست و تاله میژوویییه کان سه رچاوه ی گرتوه. له سالی ١٩٢٣ ی زایینی که کۆماری تورکیه به رێبه ری مسته فا که مال دامهزرا، سیاسه تی له نیو بردنی خه لکی کوردستان له چوارچیوه ی ئه وه کۆماره دا وه ک یه کێک له کۆله که سه ره کییه کانی سیاسه تی ئه وه ولاته راگه یه ندرا و به رپۆه چوه. له تورکیه نه ته نیا شو ناس و زمانی کوردی به فه رمی نه ناسرا به لکۆ قسه کردن به زمانی کوردی له شو یته گشتیه کان و ئاشکرا کردنی شو ناسی کوردی به تاوان ده ژمیردرا. له سالی ١٩٢٣ وه هه تا کوو ئیستا ههر جاره ی به بیانوی ئالۆزی یا رایه رین و، کوردستان که و تۆته به ر په لاماری نیزامی و سه دان و هه ندیک جار هه زاران که س

له خه لکی بێ تاوان و رێبه‌ران و ناودارانی کورد کوژراون و چه‌ند میلیۆن کورد به‌ ناچار و لا‌تی خو‌یان جێ ه‌یشتوه‌. له‌یلا زانا ژنی ناوداری کورد به‌ تاوانی ئه‌وه‌ که‌ ده‌یویست له‌ پارله‌مانی تورکیه‌ به‌ کوردی سو‌ی‌ند بخوا به‌ دوا‌زده‌ سا‌ل زیندانی مه‌ حکووم کرا و له‌ پارله‌مانه‌وه‌ بۆ به‌ندیخانه‌ راگوا‌زرا .

هه‌رنووکه‌ چه‌ند که‌س له‌و پارله‌مانتاران‌ه‌ی که‌ له‌ هه‌لبژاردنی دوا‌یی دا وه‌ک نو‌ینه‌ری خه‌لک هه‌لبژێردراون له‌ به‌ندیخانه‌دان و ده‌نگی زۆرینه‌ی دانیش‌توانی شاره‌کانی جیگه‌ی نی‌شته‌ جێ بوونیان ، که‌ ئه‌و که‌سانه‌یان وه‌ک نو‌ینه‌ری خو‌یان دیاری کردووه‌ له‌ به‌رچاو نه‌گیراوه‌.

هه‌ر له‌و رۆژانه‌دا ده‌وله‌تی ئه‌ردو‌غان له‌ پارله‌مانی تورکیه‌ داوا‌ی ریگه‌دان به‌ ه‌یرشی ن‌ی‌زامی‌یان بۆ کوردستان کردووه‌. پ‌ی‌ویست نا‌کا له‌ پ‌ی‌وه‌ندی له‌گه‌ڵ و لا‌تی ع‌ی‌راق و ه‌یرشی در‌ندانه‌ی ده‌وله‌ته‌کانی بۆ کوردستان ، چ پ‌ی‌ش و چ کاتی ده‌سه‌لات‌داری‌تی سه‌ددام حوس‌ین ، به‌ تابه‌تی ه‌یرشی ئه‌نفال زۆر بدو‌یین چۆنکه‌ هه‌مووان له‌ ره‌ه‌نده‌کانی ئه‌و تاوانه‌ ئاگادارن و سه‌ره‌نجام به‌ش‌یک له‌ جو‌غرافیای کوردنش‌ینی ع‌ی‌راق چووه‌ ژێر هه‌ری‌می پاراستنی نه‌ته‌وه‌یه‌ گ‌ر‌ت‌وو‌ه‌کان و ه‌یرشی ن‌ی‌زامی راگیرا. ک‌ی‌م‌یا‌بارانی هه‌له‌ب‌جه‌ له‌ یاد نه‌چۆته‌وه‌. ب‌ی‌ ج‌ی‌ ن‌یه‌ وه‌ب‌یر به‌خ‌ینه‌وه‌ که‌ دامه‌زر‌ینه‌ری هه‌له‌ب‌جه‌ وه‌ک شار و ئاوه‌دان‌یی‌ه‌ک ، عادیله‌ خاتوون له‌ بنه‌ماله‌یه‌کی کۆنی سنه‌ و دا‌یکی خوس‌ره‌وخانی جو‌انه‌مه‌رگی وال‌یی ئه‌رده‌لان بوو که‌ دوا‌ی مر‌دنی می‌رد و کو‌په‌که‌ی له‌ ویلا‌یه‌تی شاره‌ زوور می‌ردی کردووه‌. له‌ پ‌ی‌وه‌ندی له‌گه‌ڵ رۆژه‌لاتی کوردستان له‌ چوارچ‌ی‌وه‌ی جو‌غرافیای ئ‌یران و کوشت و بر‌ی هه‌زاران که‌س له‌ کاتی ده‌سه‌لات‌داری‌تی ناس‌ره‌ددین شا به‌ ناوی <ف‌یتنه‌ی ش‌ی‌خ عوبه‌یدو‌ل‌ل‌ا> و دواتر به‌ بیانووی سه‌مایل ئا‌غای سه‌م‌کۆ ، پ‌ی‌ویست به‌ شی‌ کردنه‌وه‌ نا‌کا و خه‌لکی ئ‌یران که‌م تا زۆر ل‌یی ئاگادارن.

کاتی‌ک خومه‌ینی له‌ ٢٨ی گه‌لاو‌ی‌زی سا‌لی ١٣٥٨ به‌ دژی خه‌لکی کوردستان فه‌رمانی ج‌یه‌ادی ده‌رکرد و ه‌یرشی سه‌رتاسه‌ری بۆ کوردستان ده‌ستی پ‌ی‌ کرد و له‌ راستیدا به‌و فه‌رمانه‌ ستاندنی گیانی خه‌لکی کوردستان و به‌ تالان بردنی ما‌ل و سامانیان به‌ ره‌وا زانرا ،

لەو كاتەدا حىزبى توودەى ئىران لە نامەيەكى سەر ئاوە لا دا ھاواری بەرز كوردبۆو كە دەبى سوپاى پاسداران بە چەكى قورس تەيار بكرى تا چاكتر بتوانن خەلكى نارازى و راپەرپو قەلاچۆ بكەن. لەو رىكەوتە بە دواوہ سياسەتى سەرەكى و بەرھەستى رىژىمى كۆمارى ئىسلامىي ئىران لە كوردستان ھەمان ھەمانى جىھاد بوو. ھەزاران كۆزراو و برىندارى خەلكى كوردستان لە ماوہى دەستەلاتدارىيى كۆمارى ئىسلامى دا دەرخەرى راستى ئەو وتانەيە. رىژىمى كۆمارى ئىسلامىي ئىران بەو كوردەوانەش قەناعەتى نەكردوہ و بە كەلك وەرگرتن لە پەلامارى تىرۆرىستى چ لە نىوخۆى خاكى ئىران و چ لە عىراق يا لە ولاتانى ئوروپايى دا ، سەدان كەس لە چالاكان و رىبەرانى سياسى كوردستانى كوشتوہ. ھەنووكە دىھاتەكانى سەر سنوورى باشوورى كوردستان لە نرىك سنورى ئىران ، چەند مانگە كە ئامانجى ھىرشى ئاسمانى و ئاگرى تۆپخانەكانى سوپاى پاسدارانى ئىران. لە تەواوى ياسا نىودەولەتسەكان دا ، ھاتووچۆى نىوان سنورەكان رىگە پىدراوہ و دانىشتووانى ناوچە سنوورىيەكان دەتوانن ئازادانە ھاتووچۆ بكەن ، كۆمارى ئىسلامى ئىران ئەو رىسا و رىوشوئە نىودەولەتسەكانەى لە ژىرپى ناوہ و بە دانانى تىرئەندازى ئەنگىوہ لاوانى چارەرەشى كۆلبەرى كورد دەكاتە نىشانە و ھەر رۆژەى چەند كەس لەوان دەكوژى. رىژىمى ئىسلامى و دواكەوتووى توركىيە بە پىچەوانەى ياسا نىودەولەتسەكان و بە پىشلىكردنى سەررەرى دراوسىيى خۆى واتە كۆمارى عىراق ، ناوچە كورد نىشەنەكانى عىراقى بەردەوام بۆمباران كردوہ و بە ھەراو ھوريا ، ئەم <شاكار> ھى خۆى بە چاوى ولاتانى دراوسى دا دەداتەوہ و لەم بارەيەشەوہ رىژىمى كۆمارى ئىسلامىي لە گەلدايە.

لە سوورىەش دۆخى كوردەكانى دانىشتووى ئەو ولاتە لە دۆخى كوردەكانى توركىيە باشتەر نىە تا دوو مانگ لەوہ پىش ۳۰۰ ھەزار كوردى ئەو ولاتە ھىچ چەشنە كارتىكى پىناس يا مۆلەتى دانىشتنىان نەبووہ و بەم پىيە لە ھەموو مافەكانى دانىشتوانى ئەو ولاتە بى بەرہە بوون. ئەوانە گۆشەيەك لە بارودۆخى زال بەسەر دانىشتوانى كوردى ھەر چوار ولاتى ئىران ، عىراق ، توركىيە ، سوورىە دا بوو كە بە شىوہەيەكى زۆر كورت باسى كرا.

گەلۆ! رىبەرىيى حىزبىيى سياسى كورد دەتوانى ھەموو ئەو زولم و تاوانانە لەبەر چاو نەگرى و لە يادىان بكا ؟ بە برۆاى من ئەركى روونى رىبەرىيى حىزبى دىموكراتى كوردستان

له قawدانى ئه و جىنايهت و تاوانه دژه مرويانه به و له هه لومه رچى ئىستا دا تاكه ريگه چاره داوا له شوو پراى ئه منيه تى ريگ خراوى نه ته وه به كگرتو وه كان به مه به ستي ئه نجامدانى ئه سلى <ئهركى پاراستن> له هه مبه ر كوردستانه . ئه وه ده گه رپته وه سه ر شوو پراى ئه منيه تى ريگ خراوى نه ته وه به كگرتو وه كان كه له ئه گه رى قه بوو لكر دنى ئه و داوايه دا ، چونييه تى ئه نجامى ئه و مه سه له شروه و ديارى بكات .

٦_ به سه رنجدان به شيكر دنه وه كانى سه ره وه ، به پيچه وانى ئه وه ي له پرووپاگه نده ي شو قينيسته كاندا هاتو وه ، حيزبى ديموكراتى كوردستان به هيچ جور داواى هيرشى نيزامى بو ئيران يا ولايتكى ديكى نه كردوه .

و: ريپوار مه عرووف زاده

ئەو بەیاننامەى فارسەکانى یە کدەنگ و هیندیك لایەنى کوردی زویر کرد بەیاننامەى حدک لە روانینیکی دیکەوه...

ئاگرى بالەكى

ئێران چوارچۆیهى كى جوگرافیه و ئەو نەتەوانەى كە تێیدا دەژین دەتوانن بەشێوهى قەرارداى و لە یەكێتیه كى دڵخوازانەدا بێكەوه كار بكەن دەنا ئێرانىك بەماناى واقعی بوونی نیه.

حیزبى دیمۆكراتى كوردستان لە ١٤ى خەرمانانى ئەمسال دا بەیاننامەیه كى لە زێر سەردێرى «كورد هەقى خۆیه تى داواى پشتیوانى نێونەتەوهى بكا»، روو بە كۆمەلگای نێودهولەتى و لایەن و رێكخواه نێودهولەتیه كان بـلاو كردهوه و تێیدا ئەو روانگەیهى خۆى دووپات كردهوه كە كوردیش وه ك یەكێك لە نەتەوه ژێردەستەكانى رۆژھەلاتى ناوھەراست هەقى خۆیه تى لە بەرامبەر هێرشى داپلۆسینەرانهى ولاتانى داگیركەر و بۆ گەشتن بە مافەكانى داواى پشتیوانى نێونەتەوهى بكات.

لە ناوھەرۆكى بەیاننامە كەدا هاتبوو كە كورد بە درێژایى مێژوو تووشى جینۆساید و كوشتارى بەكۆمەل و هەروەها زهوت كردنى خاكەكەى لە لایەن داگیركەرانهوه بووه. لە درێژەى بەیاننامە كەش دا باس لە گۆرانكارى كەكانى ئێستای جیهانى و بەتایبەتى هەلۆهسته

له سهر گۆراناكار به كان له لیبی كراوه كه خهلكی ئەم ولاته به پشتیوانی كۆمه لگای نیونه تهوهیی توانیان دیکتا تۆریه تی ٤٠ ساله ی موعه مه ر قه زافی بروخبن. هه لبه ت حدك له به یان نامه كه یدا نه ك هه ر داخوازی به لكو باسیشی له وه ها سناریۆیه ك بۆ ئێران نه كرده به لām بوو به بیانوویه ك تا ناسیۆنالیسته فارسه كان له ناوه و دهره وه ی ئێران به نووسین و به یان نامه كاویژی سیاسه ته داگیرکاریه كانی په هله و ی و خومه ینی دژ به گه لی كورد ده ست پێ بکه نه وه و كوردی رۆژه لاتیان وه ك ته جزیه ته له ب و حدکیان وه ك هێژیکی جودایی خواز دایه به ر ره خنه و هێرشێ ناره وا.

ناسیۆنالیسته توند ئاژۆكانی فارس یان خۆ به فارس زان! ئەوه ندیه ان به س بوو كه حیزبکی سیاسی كوردی ئێرانی له به یان نامه یه ك دا جه خت له سهر مافی چاره نووسی خۆی بكا ته وه یان هاوکاری ئینسانی بۆ كوردی ئێران داوا ده كات. ئەوان هه ر یه كدا به دوو زاریان له كوردی رۆژه لات كرده وه و بنیشتی جودایی خوازی و له خه ته ر كه وتنی یه كپارچه یی «ئێرانی ئازیزیان» ده زار هاویشته وه.

پان ئێرانیسته كان له ناو خۆ و دهره وه ی ئێران ، له هه ردوو به ره ی ئیسلامی و شاهنشاهی و ته نانه ت كومونیسته كانیش و هه روه ها ئەوانه ش كه به رده وام خۆیان به پارێزهری مافی مرۆف ده ناسین و به روا له ت باوه ریان به دیمۆكراسی و ئازادی هیه ، ناكو كیه كانی خۆیان وه لانا و دژ به و مافه ئینسانی و نه ته وه ییه ی خه لكی كورد كه له به یان نامه كی حیزبی دیمۆكرات دا رهنگی دا بۆوه ، یه ك دهنگ و یه ك هه لۆیست بوون. ئەوان به م كاره یان نیشانیان دا كه له وانه یه له شیوه ی به رپوه بردنی ولاته دا جیاوازی بیرو پرایان هه یی به لām كاتیك كار ده گاته سهر مافی نه ته وه بنده سته كان ، ئەوان یه كده نگ دژی هه ر جوړه مافیکی ئەو نه ته وانهن.

تائه و جیگایه ی به هه لۆیستی لایه نه پان ئێرانیسته كان له لایه نگرانی ده سه لاتی ئیسلامی و شاهنشاهی وه بگه ر تا كومونیسته كان ، ده گه رپته وه ، هه لۆیسته كه یان شتیکی تازه و جیگای سه رسهرمان نییه به لām كاتیك له هه لۆیست یان یی هه لۆیستی لایه نه كوردیه كان به رامبه ر به هێرش بۆ سهر ئەو مافه ئینسانیه ی نه ته وه كه یان ورد ده بیته وه ، جیگای داخ و په ژاره یه . ریه ری فلان حیزب كه سه رده مانیك بۆخۆی له سه رده می سه ركۆماریی

جوړج بوش دا خواز یاری دوو پات بوونه وهی سیناریو یی عیراق له سهر ئیران بوو ، ئه مړو به زمانیکی گالته جار په وه هه مان هه لویستی «برا فارسه کانی» دوو پات ده کاته وه و به یان نامه که ی حیزبی دیموکرات به «داوای حمله ی نیزامی بو سهر ئیران» به خه لک ده ناسینی و له سهر تلویزیونی حیز به که یه وه به و مافه ی نه ته وه که ی پیده که نی!

به یان نامه که ی حیزبی دیموکراتی کوردستان له حالیک دا که ده بوو بی به خالیکی هاو به شی هه موو لایه نه کان ، نیشانی دا که کورده کان له ئیراندا چه نده دوو له به ک سیاست ده که ن و هیچکات نایانه وئ له بهر بهر ژه وهندی حیزبی خو یان بهر ژه وهندی نه ته وه که یان بینن .

من وای داده نیم که ئه م هیزه سیاسیه ی له رۆژه لاتی کوردستان بوونیان هه یه و کیشه ی جیاوازی بیرو را (له راستیدا ده سه لاتخوازی) وای لیکردوون نه توانن پیکه وه کار بکه ن ، به لام به داخه وه ئه و جیاواز بیرکرنه وه له کارکردن پیکه وه کاری کردو ته سهر ئامانجه نه ته وه یه کان و زور جار ئه رکی ولاتپاریزی و ئیخلاقی نه ته وه یی ئه وانی ژیر پی ناوه . له کاتیک دا که له لایه ن هیزه ئیرانیه کان و فارسه تووند ئاژوکان نه ته وه ی کورد له رۆژه لاتی کوردستان دراو ته بهر هیرشی نارده و هه تا کار گه یشته ئه وه ی که پیمان بلین «کورده کان با خاکی ئیران به جی ییلن» ، «ئه وانه میوان» و... من و ئه مسالی وه ک من چاوه پروانی ئه وه یان له هیزه کانی رۆژه لات ده کرد که دژی ئه م دژ کرده وانه هه لویست وه ر بگرن که چی ئه وان یان پیده نگیان هه لبارد یان چوونه ناو بهر ی نه یارانی نه ته وه که یانه وه ، که به داخه وه ئه مه به جوړیک له ملکه چکردن به رامبه ر به نه ته وه ی بالاده ست دیته ئه ژمار .

وه ک کوردیکی رۆژه لات چاوه روانیم له هیزه کان وریکخواه کانی رۆژه لاتی کوردستان بوو که ئه م هه ره شه و گوره شانه به جوړیک له جوړه کان سه رکوت بکه ن به لام نه ک ئه م هه لویسته له بهرامبه ر دوژمن نه گیرا به داخه وه پیچه وانه ش روویدا . هه ندیک له هیزه کان که هوتافی ولاتی گه وره ی کوردستانیش لیده ده ن ، پیده نگیان هه لبارد ، به شیکی تریش حزبی دیموکراتی کوردستانیان به وه تاوانبار کرد که هه میشه کیشه ده خولقینی و نابی له

کاتي ئيستاڊا ئم باسانه ٻيننه گوري! چهند لايه نيكيش وهک عاده تي هه ميشه يي دڙي هه لوڀستي حدک وهستانه وه و ٻو ئه وه ي دوستاني فارساني لي زوير نه يي و نه کا ئه وانيش بکه ونه بهر رکيفي هه ره شه و گوره شه کاني فارسه کان ، به سوڀند و قورعانه وه ٻيان شين بوونه وه که ئه و به يان نامه يه کاري ئه وان نييه و قهت بيروپاي ئه وان نه بووه .

ئم به يان نامه يه نيشانيدا که هيچکات به ره يه ک له رڙه لاتي کوردستان به مانا واقعيه که ي دروست نابي و بير کردنه وه له وه ها هاوده نگيه ک له خه ون ده چي .

جيگاي سه رنجه که له به رنامه ي هه موو حيز به کاني رڙه لاتي کوردستان دا ، کوردستاني ئيران وهک ناوچه يه کي جوگرافياي پڻاسه کراوه و ناوي هاتووه ، جا هه ر به که به جوړيک . يه کيک به چوار پاريزگا ناوي هيئاوه و يه ک وهک هه ريکي کوردي يان ناوچه ي کورد نشين پڻاسه ي کردوه ، به لام بي هه لوڀستي يان هاوه لوڀستي يان له گه ل لايه ني پوانخواز به رامبه ر به و مافه ي نه ته وه که يان ، نيشاني دا که نوو سراوه ي ناو پروگرامي حيز به که يان له مهره که يتي رڙاو به سهر کاغزه دا شتيکي زياتر نييه . باشه ئه گه ر تو ئيستا ٻو به رنامه که ي خوت که باوه رت پييه تي ، هه ول نه ده ي يان نه يسه لميني که به رنامه ي حيز به که ت چنده راسته ئه دي قه راره که ي ئه وکاره بکري ؟ ئه و کاته ي که به پهرش و بلاوي ده چنه وه ناو خه لک ، چون ئم به رنامه يه پياده ده که ن ؟

که سيکي فارس که کوماري ئيسلامي ئيران له سالي ۱۳۶۰ و له ژير ئه شکه نجه دا ده ستيکي فه له ج کردووه و ئيستا په ناي ٻو ئه مرکا بر دووه و له وي ده ژي ، کاتيک ئه و پرسيا ري به ره وروو کرايه وه که کاتيک ئه مرکا هيرش بکات ٻو ئيران تو چ ده که ي ، گو تي ده چمه وه ئيران و دڙي ئه رته شي ئه مرکا شه ر ده که م . ئه مه نيشانه ي ئه وه يه که ئه وان هه رچه نده جياوازي بيروپايان هه بي به لام که کار گه يشته به رڙه ونه يه بالاکاني نه ته وه يي خوڀان ئاوا به سووک و ئاساني به لاي دا تيپه ر نابن .

ده با ئيمه ش يه ک ده نگ بين دڙي داگير که ران و لانيکه م ئه گه ر نامانه وي دڙيان بوه ستيه وه با له کاتي هيرشه کانياندا يه ک ده نگ بين .

*په‌راوێژه‌کان:

۱. بابەتی «ایران را دوست بدار یا سرزمینش را ترک کن» نوشته اشکان رضوی
۲. بابەتی «میمیریم ، میکشیم اما ایران را یکپارچه و ملتش را یگانه نگاه خواهیم داشت» ب‌لاوکراوه‌ته‌وه له سایتی هه‌بستگي برای دموکراسی و حقوق بشر در ایران
۳. بابەتی مو‌حسینی قائم مقام له ژۆر سه‌ردی‌ری (حزب دموکرات کردستان ازادی تجزیه طلبی ، گروه‌های مسلح و تجربیات قرن بیستم)
۴. به‌یاننامه‌ی کومیتە‌ی مه‌رکه‌زی سازمانی فیدائیان ده‌رباره‌ی به‌یاننامه‌ی حدک
۵. به‌یاننامه‌ی حیزبی مه‌شروته‌ی ئێران ده‌رباره‌ی هێرش‌ی سپای پاسدارانن بۆسه‌ر کوردستان

وه لاميک بو کوميته ناوهندي ريکخراوی به کيه تي فیدائيانی گه لی ئيران

له گه ل ريژ و سلاو و داواي ليپووردن به بۆنه ی وه لامدانه وه ی به درهنگه وه ی نامه ی سه رئاوه لای ۱۳۹۰ / ۶ / ۹ ی ئیوه ، سه رنجی ئیوه به ریزان بو ئه م خالانه ی خواره وه راده کیشین:

ویرای ئاماژه به به یاننامه ی ۱۴ ی خه زمانان (۵ ی سپتامبری ۲۰۱۱) ی حیزبی ئیمه ، نووسیوتانه: " له م به یاننامه یه داوا له ولاته به هیزه کانی دهره وه کراوه بیته یارمه تی خه لکی کورد بو ئه وه ی کورده کان له ژیر ده سه لاتی حکومه ته زۆرداره کان رزگار بکه ن. " (زه قکردنه وه کان له هه موو شوینیک هی ئیمه ن.)

ئه ری به راست ئه م ئیدیعیایه تان له کام به شی به یاننامه که ی حیزبی ئیمه وه رگرتوه ؟ چونکه فاکتیک که له م باره یه وه له زمانی به یاننامه ی حیزبی ئیمه وه هیناوتانه وه ، ئه م ده سه ته واژه یه که به که میک تیپرامان و لیوردبوونه وه ی ، بو هه مووان دهره که وی که نه رووی له " ولاته به هیزه کانی دهره وه " یه و نه باسیک له " رزگار کردن له ده سه لاتی حکومه ته زۆرداره کان " ی تیدا هاتوه . ئه مه ش ده قی ده سه ته واژه که یه :

" ئیمه ویپرای خوشحالی له سه رکه وتنی خه باتی خه لکی لیبی و پیشوازی له

بەپاری ١٩٧٣ ی ئەنجومەنی ئاسایش لە پێنوەندی دەگەڵ ئەو وڵاتەدا ، داوا دەکەین ئەنجومەنی ئاسایشی رێکخراوی نەتەووەیە کەگرتوووەکان هەر بە پشت بەستن بە ئەسڵی "بەرپرسایەتی پاریزگاری" مەترسیی گەلە کۆمەگیی دەوڵەتەکان و سەرکوتی دەسەلاتەکان لەسەر نەتەووی کورد وە لا بەرن."

هەر وەک دەبینن بەردەنگی ئێمە ، رێکخراوی نەتەووەیە کەگرتوووەکان وەک مەرجەعیکی خاوەن سەلاحییەتی نیۆنەتەووەییە و داوای ئێمەش نەهێشتنی سەرکوت و لەشکرکێشیە. هەر لەجێدا فەلسەفەی پێکھاتنی رێکخراوی نەتەووەیە کەگرتوووەکانیش راگەشتن بە داخواری زۆرلیکراوان و مەینەت چێشتوووانە ، ئەگینا زۆرداران پێویستییان بە داوای یارمەتی لە دامەزرێوانە نیۆنەتەووەییەکان نییە و هەركات بیانەوێ دەتوانن مāl و هێلانە ی خەلکی زۆرلیکراوە بەسەر دانێشتووایان دا بروخێنن.

لە جێیەکی دیکە نامە سەرئاوێ لاکەتان دا ، حیزبی دیموکراتی کوردستان بەم هۆیەو سەرکۆنە کراوە چونکە ئەو سەتەمانە وەبیر هێناوێوە کە لە رابردوودا لە نەتەووی کورد کراون و ئامنازی بە خەباتی دوور و درێژی ئەم نەتەووەیە لەرێگای گەشتن بە مافی دیاریکردنی چارەنووس دا کردووە. سەیر ئەووەیە ئەم کارە لە لایەن ئێووەوە بە جۆرێک ترازان لە پرهەنسییەکانی حیزب و پشتکردن لە رێبازی رێبەزانی شەهیدی حیزبیش دانراوە. بەراستی بۆ ئێمە جیگای داخە کە نزیکترین دۆستانی ئێمە ، سەبارەت بە وەبیر هێنانەووەی مەینەتە مێژووییەکانی نەتەووی کورد ، رەخنەمان لێ بگرن. بەلام ئەوە کە ئایا وەرسووران لە سیاسەتی حیزبی ئێمەدا رووی داووە و بە جۆرێک لە جۆرەکان لە رێبازی رێبەزانی شەهیدمان دوور کەوتووینەووە ، جیگای لێوردبوونەووە و هەلۆیستە لەسەر کردنە. شتیکی زۆر سروشتییە کە هەر حیزبێک بە پێی هەلومەرجی سەردەمی خەباتەکی ، دروشمەکان و رێبازی سیاسیی خۆی بگۆڕێ. بەلام سەیر ئەووەیە کە لەم بارەییەووە هیچ چەشنە گۆڕانێک لە رێبازی سیاسیی حیزبی ئێمەدا پێک نەهاتووە و وەک دەلێن شتە کە هەر ئەووەیە کە پیشتر بوو. لە نزیک بە نیو سەدە لەمەوبەر وە مافی دیاریکردنی چارەنووس ، مادە یە کەمی بەرنامە ی حیزبی ئێمەییە و لە گشت کۆنگرەکانی حیزبیش دا پێی لە

سەر داگیراوتەو. تەنیا وەک نموونە بەشێک لە مادەى یەكەمى بەرنامەى حیزب ،
پەسەندكراوى كۆنگرەكانى سییەم و پازدەیهەمتان وەبیر دێنینهو:

"حیزبى دیموکراتى کوردستان لە پیناوى... و دایینکردنى مافى دیاریکردنى چارەنووسى
گەلى کورد لە کوردستانی ئێران دا خەبات دەکا". (بەرنامەى پەسەندكراوى كۆنگرەى
سییەم ، رەزبەرى ١٣٥٢)

مادەى یەكەم: ئامانج و پەرسنپە سەرەکیەکان
١. ئامانجى حیزبى دیموکراتى کوردستان وەدیهێنانى مافى دیاریکردنى چارەنووسى
نەتەوێ کورد لە رۆژەلاتى کوردستانە.

(بەرنامەى پەسەندكراوى كۆنگرەى پازدەیهەم ، جۆزەردانى ١٣٩٠)

بەم جۆرە دەردەكەوێ كە دروشمەكانى حیزبى ئێمە نەگۆراون و ئێمەش لە رێبازى
رێبەرانى شەهیدمان لایمان نەداو. بەلام رێگا بەدەن ئێمە وەبیر ئێوێ یێنینهو كە
بەداخەو هەلسوكەوتتان بەرامبەر بەم بابەتە لەگەڵ رێبازە پێشكەوتنخوازانەكەتان لە
پێوەندى لەگەڵ مافى دیاریکردنى چارەنووسى گەلان بە هیچ جۆر یەك ناگرێتەو.
ئێو سەرەپای ئێوێ كە تەنانت لەم نامە سەرئاو لایەشتاندا لەسەر باوەرتان بە مافى
دیاریکردنى چارەنووس پێ دادەگرێتەو ، كەچى لۆمەى ئێمە دەكەن كە خەباتى خەلكى
كوردستان لەپیناوى دەستەبەر كردنى مافى دیاریکردنى چارەنووسمان وەبیر هێناوێتەو
و ئەم كارەش بە نیشانى داواى "پێكھێنانى ولاتێكى سەرەخۆى كوردى ، پێكھاتوو لە
جوار ولاتى ئێران ، عێراق ، سووریه و توركیه" دادەنێن كە بە هیچ شیوێەك وانیه.
بەرستى تێگەشتنێكى ئێوێ لەگەڵ باوەرپى ئێو بە مافى دیاریکردنى چارەنووسى گەلى
كورد تا ئاستى جیاپوونەو لە ئێران ، كە زۆر جار پێتان لەسەر داگرتوھ ، دێتەو؟! رەنگە
ولامى ئێوێ ئەوێ بێ كە هەبوونى مافێك حەتمەن بە مانای كەلك لێ وەرگرتنى نییه. بەلام
بە دنیاییهو باوەرتان بەوێش هەیه كە ناكړى هیچ كەسێك بە تاوانى كەلكوەرگرتن
لە مافى خۆى لە سێدارە بدرێ و تەكفیر بكرێ. ئەوێش بە جێى خۆى كە داوايه كى لەم

چه شنه به هیچ جور له و به یان نامهیه دا نه هاتوه.

پرسیار ئه وهیه که له که یه وه باسکردن له راستیه میژووویه کان بووه به گونا حیکی گهره؟! ئایا ئیوه حاشا له راستیه ده کهن که سه رزه ویی کوردستان له پاش شه ری چال دێران له نیوان دوو ئیمپراتۆری ئێران و عوسمانی دا دابه ش کراوه و پاش شه ری به که می جیهانییش دووباره له نیوان ولاتانی ئێران ، عێراق ، تورکیه و سووریه دا دابه ش کراوه ته وه؟ وای داده نین که باسی مافی کورده کان بۆ یه گگرتنه وهی دووباره ی ئه م پارچانه ش کرای ، بۆچی ده بی پیرۆزبایی یه گگرتنه وهی ولاته دابه شکراوه کانی دیکه بکهین ، به لام باس له یه گگرتنه وهی دووباره ی ولاتی کوردان ، بکه و پته بهر له عنه ت؟! ته نیا وه ک باسکردن له راستیه ک لێره داله سه رسیاسه تی هه میشه یی حیزبی دیموکراتی کوردستان پێ داده گرینه وه که نه لایه نگری هێرش نیزامی هیچ ولاتیکی ده ره کی بۆ ئێرانین و نه ئه رکی رزگاری ئێران و دا بین کردنی مافه ره وا کانی خه لکی کوردستان به که سیکی دیکه جیا له تیکۆ شه رانی ریگای رزگاری له کوردستان و سه رتاسه ری ئێران ده سپێرین.. به لام هه ره له و کاته ش دا له و "خه بانگی پانه" ش نین که ئاماده ن له پیناوی بهرگریکردن له ده سه لاتی دژه مرۆپانه ی کۆماری ئیسلامی دا له دژی هاو نیشته مانه سه ره به ستیخوازه کانی خۆیان شه ر بکه ن که به دلناییه وه ئیوه ش له وان نین.

له کۆتایی دا ئه م راستیه وه بیر دیننه وه که حیزبی دیموکراتی کوردستان نه له ترسی هیچ هیژ و ده سه لاتی ک ، خه بات بۆ ده سه ته بهرکردنی دیموکراسیی له ئێران دا کردوه به درووشمی ستراتیژیکی خۆی ، نه بۆ به ده سه ته یێنانی دلی هیچ که سیکیش . ئه م بابه ته به ره می تیفکرین و قوولبوونه وه له بارودۆخی زه مانی و مه کانیی خه باتی خه لکی کورده و ته نیا له پیناوی له بهرچا بوونی بهرژه وه ندیه کانی ئه و خه لکه دایه . ئېمه بۆیه به ده سه ت-ه یێنانی دیموکراسی بۆ ئێرانمان له ریزی پێشه وه ی ئامانجه شۆرشگێرانه و خه بانگی پانه کانها دا ناوه چونکه : یه که م ، ئێران ولاتی که که لێی ده ژین- ، دووهم ، پێمان وایه باوه رپێکراوترین ده سه ته بهر بۆ به ره مه ندبوونی گه لی کوردو گه لانی زۆر لێکراوی دیکه ی ئه م ولاته له مافه نه ته وایه تیه کان- و مافی بهرامبه ری هاو نیشته مانی- و سه ره نجام

راوه ستاوی و بهردهوامیی ئه و بههره‌مه‌ندییه جیگیر بوونی دیموکراسییه کی واقعی له ئێراندایه.

ئه‌گەر جیا له‌وه‌ بوایه‌ حیزبی ئێمه‌ به‌ بێ ئه‌وه‌ی بترسی دروشمیکی دیکه‌ی به‌رز ده‌کرده‌وه‌. چونکه‌ پێمان وایه‌ که‌ له‌ ئه‌گه‌ری هه‌لگرته‌ی دروشمی سه‌ربه‌خۆیی کوردستانیشدا، نه‌ ده‌سه‌لاتدارانی ئێران زه‌بر و زه‌نگ و سه‌رکوتیکی له‌وه‌ زیاتریان له‌ کوردستاندا به‌رپه‌وه‌ ده‌برد، و نه‌ نه‌یارانی دابینکردنی ماف و ئازادییه‌کانی خه‌ڵکی کوردستان، بوختان و جینۆیکی دیکه‌یان به‌ ده‌سته‌وه‌ ده‌بوو که‌ پێشکشی خه‌باتکارانی کوردی بکه‌ن.

به‌و هیوایه‌ی ئه‌و راست‌ویژی و روونبێژییه‌ی ئێمه‌ له‌ قسه‌کانمان دا بێته‌ هۆی لێک تێگه‌یشته‌نی زیاتر و قوول‌بوونه‌وه‌ و گه‌شه‌ی زیاتری پێوه‌ندیی خه‌بانگێڕانه‌ی حیزبی دیموکرات و تیکۆشه‌رانی دیکه‌ی ریگای رژگاریی ئێران.

وێرای رێز و سلاوی دووباره‌،

ده‌فته‌ری سیاسیی

حیزبی دیموکراتی کوردستان

١٣٩٠/٧/٢٨

٢٠١١/١٠/٢٠

ضمیمہ این کتابچہ...

.....
.....
.....

پرسش های اتحاد فدائیان از حزب دموکرات کردستان

دوستان گرامی!

در جریان اعتراضات مردم و جنگ در لیبی که به سرنگونی قذافی انجامید، شما، طی اعلامیه ای در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۹۰ برابر پنجم سپتامبر ۲۰۱۱، مواضع جدیدی را اعلام داشته اید که نه تنها با سیاست ها و نظرات حزب دموکرات کردستان ایران (پیش از انشعاب) بلکه با مواضع تا کنونی خود شما نیز فاصله چشم گیری دارد. در این اعلامیه از کشورهای قدرتمند خارجی تقاضا شده است به کمک مردم کرد بیایند تا کردها را از سلطه حکومت های مستبد آزاد کنند. شما در این اعلامیه گفته اید: « صدور قطعنامه ی ۱۹۷۳ شورای امنیت راه را هموار ساخت تا هواپیماها و هلیکوپترهای نظامی امریکا و فرانسه و بریتانیا بلافاصله حملات خود را به پایگاههای هوایی و دریایی و محل تجمع نیروهای نظامی لیبی آغاز نمایند.» سپس با درکی خوشبینانه نتیجه گرفته اید که «در نتیجه ی این تصمیم بجای شورای امنیت و اقدام بموقع پیمان ناتو جبهه ی ازادیخواهان سرگرم تلاش جهت تثبیت حاکمیت جدید در کشور» شده اند. در ادامه همین اعلامیه، حل مساله ملی در کردستان را با جدائی از ایران و برپائی یک کشور مستقل کرد متشکل از چهار کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه مرتبط دانسته و نوشته

اید: «ملت کرد که سرزمینش در پی یک توافقنامه‌ی استعماری و بر خلاف خواست و تمایل خویش ابتدا میان دو امپراتوری ایران و عثمانی و سپس میان چهار کشور ایران و ترکیه و عراق و سوریه تقسیم شده است، از دیر باز در راه کسب حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه می‌کند و در این راستا با ددمنشانه‌ترین شیوه‌های سرکوب و قتل‌عام مواجه شده است.» و در پایان چنین تقاضا کرده اید: «ما ضمن ابراز خوشحالی از پیروزی مبارزه‌ی مردم لیبی و حمایت از قطعنامه‌ی ۱۹۷۳ شورای امنیت در رابطه با این کشور، خواستار آنیم که شورای امنیت سازمان ملل متحد با اتکا به همین اصل «مسئولیت حمایت» خطر همکاریه‌های شوم دولتها و سرکوب از سوی حاکمان را از ملت کرد دور سازند»

حزب دمکرات کردستان ایران با پرچم «دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان» شناخته شده است. رهبر جانباخته آن دکتر عبدالرحمن قاسملو، حل مساله کرد ها را در چارچوب ایران آزاد و دموکراتیک عملی می‌دانست. تاکنون هم هیچ یک از رهبران حزب در هر دو بخش آن، ادعایی غیر از این نداشته‌اند. جایگزینی شعار خودمختاری با فدرالیسم هم تغییری بنیادی در این واقعیت نداده است. حزب دموکرات کردستان ایران که شما خود را ادامه دهندگان راه و ارمان آنان می‌دانید، همواره با اتهاماتی که از جانب حکومت جمهوری اسلامی و برخی جریان‌ات ناسیونالیست افراطی، به این حزب زده می‌شد، پاسخ‌های مسئولانه‌ای داده است. این حزب در گذشته، از تبعیض و ستم و خشونت جمهوری اسلامی و سرکوب بی‌امان آن، دلیلی برای افتادن به دام شعار «کردستان بزرگ» نساخت.

اما در این اعلامیه پرسش انگیزتر از هر چیز، دعوت برای دخالت نظامی در ایران و سپردن وظایف مبارزاتی مردم و هموطنان کرد در کردستان ایران، به نیروهای نظامی قدرتهای بزرگ جهانی است. یعنی همان قدرت‌هائی که تاکنون منافع سلطه‌گرانه خود

را ائینه اعمال و رفتار خود می کرده اند. این قدرتها که تا دیروز منافع شان را در دفاع از مستبدان منطقه از جمله بن علی و مبارک و قذافی می دیدند ، امروز ، در سایه خیزش مردم ، وجود آنها را مخل برنامه خود ارزیابی می کنند. در لیبی ، همین قدرت های خارجی برای تامین منافع خود ، در جریان اجرای همان قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت سازمان ملل ، از ان عدول کرده به دخالت در تعیین سرنوشت مردم لیبی کشیده شدند و امروز برای قراردادهای نفتی و غیر نفتی با یکدیگر مسابقه گذاشته و هر کدام می کوشند نیروی نزدیک به خود را در این کشور تقویت کنند.

سازمان ما که خود را مدافع حق شهروندان هر کشور ، در تعیین سرنوشت خویش ، بر اساس اراده و انتخاب ازادانهی آنها می داند ، بر این باور است که حمایت و پشتیبانی بین المللی از مبارزه مردم ایران ، مجوز دخالت در سرنوشت مردم را ، به هیچ قدرتی نمی دهد. استقرار دموکراسی به دست خود مردم ایران و با مبارزه و رای و اراده آنان برقرار می شود. هر گونه دخالت خارجی با هر بهانه ای به منظور الترناتیو سازی از خارج ، به استبداد دیگری می انجامد که پیش از آنکه قدرت و تکیه اش به مردم ایران باشد ، چشم به فرمان قدرت های خارجی خواهد دوخت. ما بر این باوریم که امروز بیش از هر زمان دیگری ، حاکمیت ملی با معیار ارادهی مردم در تعیین مقدرات یک کشور تعریف می شود.

دوستان گرامی!

ما ، حزب دمکرات کردستان را متحد خود در مبارزه برای ایجاد ایرانی آزاد و دمکراتیک برای همه ایرانیان ، با هر ملیت و مرامی می دانیم. ایرانی که در ان از تبعیض ملی اثری باقی نماند. ایرانی که اداره امور مناطق مختلف ، به منتحبان محلی از جمله در شکل فدراتیو سپرده شود و اختیارات دولت مرکزی محدود به اموری گردد که مربوط به کل کشور است. از زبان فارسی به عنوان زبان مشترک مردم ایران استفاده شود و آموزش

زبان مادری در مناطق ملی، با توجه به اکثریت جمعیت هر منطقه صورت گیرد. چنین آینده‌ای تنها از طریق اتحاد و همکاری نیروهای سیاسی و پیشرفت مبارزات دموکراتیک و آزادیخواهانه امکانپذیر است. بر همین اساس هم در پیام به کنگره شما نوشتیم:

«انتظاری که از کنگره شما دوستان گرامی وجود دارد گام برداشتن در جهت اتحاد عمل در صفوف جریان‌اتمدافع دموکراسی در یک ائتلاف بزرگ برای استقرار دموکراسی است. لازمه چنین هدفی توافق حول منشوری است که بر جدائی دین از دولت، تامین آزادی‌های سیاسی و فردی و اجتماعی، تامین حقوق برابر شهروندان کشور، تامین برابری زنان با مردان و رفع تبعیض ملی و تامین حقوق ملیت‌ها و... را مورد تاکید قرار دهد. ما تردیدی نداریم که بدون اتحاد نیروهای چپ و دموکرات حول چنین منشوری و بدون حضور و مشارکت فعال و متحدانه این نیروها، جنبش آزادیخواهانه مردم به نتیجه مطلوب دست نخواهد یافت.»

امروز با ناباوری در اعلامیه شما می‌بینیم که به جای گام برداشتن در این راستا و مشارکت در این پروژه، چشم به راه قدرت‌های خارجی برای نجات مردم کرد در کردستان ایران، نشسته‌اید. چنین نگاهی به تحولات در ایران، با پروژه نیروهای سیاسی آزادیخواه و دموکراتیک کشور ما، از جمله با پروژه شما دوستان، خوانائی ندارد. ما به دلیل اشنائی دیرینه با رهبران و کادرهای حزب دموکرات کردستان، اطمینان داریم که این حزب می‌تواند همچون بنیانگذارانش، بر سنت مبارزاتی خود، یعنی بر استقلال و آزادی در ایران پای بفشرد. حقوق ملیت‌های ایرانی و رفع تبعیض، ستم و نابرابری، تنها با مبارزه متحدانه زنان و مردان، اقشار مختلف مردم و ملیتها و اقوام ایرانی دست یافتنی است.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران امیدوار است که هیئت سیاسی و رهبری حزب دموکرات کردستان، نسبت به مواضع منعکس شده در این اعلامیه رفع

ابهام ننماید. انتظار دارد این حزب ، ادامه دهنده راه دکتر قاسملو و شرفکندی و کادرهای مبارز جانباخته اش ، باشد. ارزو می کند حزب شما ، در راه هزاران مبارز دلیری که برای آزادی از جان خود پرچمی برای رهایی ساختند ، گام بردارد و همانگونه که بانیان این حزب ، از پرچمداران مبارزه در راه استقرار دموکراسی در ایران بوده اند ، شما نیز هم چنان ، در همین جهت حرکت کرده ، ادامه دهنده راه ان ها و تقویت کننده مبارزات دموکراتیک مردم ایران از هر ملیت و مرامی باشید. ما در این راستا ، همراه شما هستیم و دست همه دوستداران ، اعضا ، کادرها و رهبری «حزب دموکرات کردستان» را بگری می فشاریم.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
ششم مهر ۱۳۹۰ برابر ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۱

only hope of Kurdish nation in Iraqi Kurdistan. It is Kurd's inherent right to expect the international community and especially the United Nations to see the Kurdish people's situation as it is and as associated with the lives and dreams of tens of millions of people and react properly and to settle one of the most important issues in the Middle East.

Expressing our happiness over Libyan People's victory and welcoming Security Council resolution of 1973 (2011) with regard to Libya, we request United Nation's Security Council relying on the same principle of responsibility of protecting to stop the suppression of Kurdish people and Iranian and Turkish authorities attack. And we kindly request all organizations, parties, associations and communities that sympathize with Kurdish people and are friends of Kurds to raise and repeat this inherent request of Kurds in their diplomatic meetings and international summit and show their support.

Hoping to see more serious and responsible positions taken towards the Kurd's issue internationally

Political Bureau
Kurdistan Democratic Party (KDP-Iran)
52011/9/

of dictators who suppress freedom seekers pretending to preserving sovereignty has ended.

Kurdish Nation which as a result of an agreement signed by the colonial powers and against its willing was divided first into two pieces between Iranian and Othman Empire and later divided for second time into four pieces among Iran, Turkey, Iraq and Syria has a long history of struggle to achieve the right of self determination and has been suppressed brutally experiencing mass murder, genocide, exodus, prison, torture and execution. The massacre committed against Kurdish people by Kamalist Turkey and Baathi Iraq and Islamic Iran will be always alive in the conscience and memory of modern Humanity history and remains as a failure for Humanity.

Even now and at the beginning of the second decade of twenty first century, Kurdish identity and Kurdish people's lawful demands still will be denied and answered by violence by the authorities in those tree pieces of Iran, Turkey and Syria. The only part where Kurds are part of the power is Iraqi Kurdistan and this has been achieved through a long history of struggle and paying a very high price of hundreds of thousands of lives and sacrifices. But this Iraqi part of Kurdistan also faces the possibility of loosing some of its cities and on the other hand the military attacks by Iranian and Turkey authorities which will be neglected and remained un-noticed by the central government in Iraq.

Hasn't come the time for the international community to pay a serious attention to what is happening in this part of Kurdistan and to resort to a measure stopping the invasion of the neighboring countries to the

Manifesto: It is Kurds' right to seek international support for their case

Not a week had passed after the suppression of demonstrators by Gaddafi regime when UN Security Council gathered on the request of France and England and with a reference to principle of Responsibility of Protection adopted a resolution with absolute majority that mandate the protection of Libyan civilians through imposing a ban on all flight in the country's airspace and assigning protection zone over the Libya territory. Security Council adopting resolution 1973 paved the way for UK, US and France military airplanes to start attacking Libyan army, navy and military bases.

As a result of Security Council's correct decision and NATO's timely measures, Libyan freedom seeking forces have been able to defeat Gaddafi loyal army and end the 42 years of Gaddafi's dictatorship. Now writing these sentences, Gaddafi's power period in Libya has ended and except in Sirat and several rural places there is no sign of Gaddafi's period. Freedom seeking alliances are working to establish a new power system in Libya.

The resolution 1973(2011) creates a hope for oppressed nations and people living under dictatorship and conveys the message that the era



کورد ههقی خۆیهتی داوای پشتیوانیی نیونه تهوهیی بکا

بابهت گهلیک له سه ره به یاننامه ی حیزبی دیمۆکراتی کوردستان

ئاماده کرن و کوژدنه وهی: ئاگری بالکی

فارسی. کوردی